

ازدواج موقت و تأثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر: مطالعات حقوقی

کد موضوعی: ۲۴۰
شماره مسلسل: ۱۳۷۱۵
خردادماه ۱۳۹۳

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۲.....	فصل اول - رابطه جنسی از منظر بشری
۳.....	گفتار اول - رابطه جنسی آزاد
۳.....	گفتار دوم - رابطه جنسی مقید (در چارچوب قانون و قاعده)
۵.....	فصل دوم - رابطه جنسی از منظر دین
۵.....	گفتار اول - قواعد عام
۵.....	مبحث اول - قاعده سلطه
۶.....	مبحث دوم - قاعده حلیت
۸.....	گفتار دوم - ازدواج موقت از منظر نقل
۹.....	مبحث اول - ماهیت ازدواج موقت
۱۱.....	مبحث دوم - انگیزه و شرایط بیرونی ازدواج موقت
۱۳.....	مبحث سوم - ادله ازدواج موقت در کتاب و سنت
۲۴.....	گفتار سوم - مقررات ازدواج موقت
۲۵.....	مبحث اول - در فقه
۲۶.....	مبحث دوم - در قوانین
۴۶.....	فصل سوم - تأثیر ازدواج موقت در تعدیل رابطه جنسی
۴۹.....	گفتار اول - وضعیت موجود در آینه آمار
۴۹.....	مبحث اول - رفتار جنسی
۵۱.....	مبحث دوم - رابطه جنسی
۵۵.....	گفتار دوم - عوامل مؤثر در گرایش به رفتارهای جنسی آزاد
۵۵.....	مبحث اول - عوامل درونی اخلاقی و اعتقادی
۵۷.....	مبحث دوم - عوامل بیرونی اجتماعی
۶۳.....	گفتار سوم - راه‌حل‌های مشکل جنسی در فضای دینی
۶۴.....	مبحث اول - راه‌حل اهل تسنن
۶۷.....	مبحث دوم - راه‌حل شیعه
۷۵.....	پیشنهادها
۷۶.....	منابع و مأخذ



ازدواج موقت و تأثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی

چکیده

نیاز جنسی از جمله نیازهای مهم بشری است که عدم پاسخگویی یا پاسخگویی نادرست به آن موجب مفاسد روانی، اخلاقی و اجتماعی بسیاری می‌شود که می‌تواند هر اجتماعی را به نابودی کشاند. دین اسلام به منظور پاسخ صحیح به این نیاز، نهاد ازدواج موقت را در کنار ازدواج دائم تأسیس کرده که مورد تأیید عقل و خردمندان صلاح‌جو نیز هست و در زمان پیامبر اسلام (ص) به آن عمل شده است. اگر برخلاف تبلیغات گسترده‌ای که مروجان آزادی جنسی علیه آن به راه انداخته‌اند، به‌درستی در باور مردم مستقر و در جامعه ساماندهی شود راه بسیار خوبی است که نیاز جنسی و حتی عاطفی زن و مرد نسبت به یکدیگر را پاسخ می‌دهد و در سلامت جامعه در زمینه روابط جنسی مؤثر است.

مقدمه

از جمله مسائل اختلافی میان شیعه و اهل سنت مسئله ازدواج موقت (متعّه^۱، نکاح منقطع) است. این مسئله از دیرباز در تمام کتب روایی، فقهی و تفسیری معرکه آرا بوده است، لذا به جرئت می‌توان گفت هیچ بُعد خرد و کلانی از آن نادیده و ناگفته نمانده تا نیاز باشد رساله‌ای جدید درباره آن ساخته و پرداخته شود.

آنچه در این زمان و این برهه از تاریخ طرح این مسئله را ضروری ساخته و باعث شده است که مجدداً به آن پردازیم احساس نیاز به نهادی حقوقی در شرایطی است که روابط و رفتارهای جنسی جامعه بشری به‌ویژه غرب را در وضعیتی خطرناک و بحرانی قرار داده است. جوامع

۱. در بیشتر روایات مربوط به این موضوع از واژه متعه استفاده شده است و معادل آن در زبان انگلیسی Temporary Marriage می‌باشد. اما اینکه برخی واژه «Concubine» را معادل «زن صیغه‌ای و متعه» (فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی) گرفته‌اند ظاهراً درست نیست، چرا که در فرهنگ لغات آنلاین در ترجمه واژه Concubinage آمده است «زندگی مشترک زن و مرد با یکدیگر خارج از ازدواج رسمی یا قانونی». همچنین در پایگاه اینترنتی Answer.com در تعریف لغت مذکور آمده «زنی است که در یک رابطه شبه‌ازدواج با مردی قرار دارد که به یک دلیل خاص نمی‌تواند با او ازدواج کند. این دلیل می‌تواند اختلاف فاحش طبقاتی (در زمان گذشته) یا متأهل بودن مرد (در این زمان) باشد». پس اصولاً این واژه در مورد رابطه جنسی ناشی از ازدواج به‌کار نمی‌رود، بلکه در مورد رابطه زن و مردی به‌کار می‌رود، که به یکدیگر دلبستگی و علاقه داشتند و نمی‌توانستند رسماً ازدواج کنند و بسا زندگی‌شان از زندگی رسمی هم پردوام‌تر بود و فرزندان آنها نیز فرزند محسوب می‌شدند. این نوع زندگی هم‌اکنون در غرب رواج بیشتری یافته است.

اسلامی نیز به دلیل ارتباط با غرب و تأثیرپذیری از آن از مفاسد این وضعیت بی‌نصیب نمانده است به‌گونه‌ای که فقیهان و حقوقدان‌های مسلمان را در ایران شیعی و کشورهای اهل سنت در تنگنا قرار داده تا برای حل این مسئله یا مشکل گریزگاه و مفری معقول بیابند.

به‌نظر می‌رسد ازدواج موقت فی‌الجمله مرهمی بر این درد باشد.^۱ از این‌رو مسئله را بار دیگر طرح کرده‌ایم تا از این زاویه به آن نگاه کنیم که چگونه می‌تواند به‌عنوان راه‌حل بحرانی جنسی عملیاتی شود. در این مقاله پس از طرح و بررسی موضوع از منظر فقهی و حقوقی به اختصار، تأثیر آن را در حل بحران جنسی فوق‌الذکر به بحث می‌نشینیم.

فصل اول - رابطه جنسی از منظر بشری

هر انسانی آنگاه که خود را توانا و مسلط بر خویش یافت وجداناً خود را آزاد و مختار می‌بیند که هر طور اراده کرد نیازهای خودش را تأمین کند. اما شکی نیست که خواست و اراده هر فرد قهراً با خواست و اراده افراد دیگر تزاخم می‌کند و موجب درگیری و نزاع می‌شود و جامعه بشری را به جامعه حیوانات تبدیل می‌کند که هر که زورمندتر است به خواسته‌اش می‌رسد و ضعیف‌ترها محروم می‌مانند. در اینجا است که انسان در مرتبه برتر ادراکی تحدید اراده‌ها را ضروری و لازم می‌داند. این مرتبه ادراکی برتر را عقل^۲ و افراد قادر بر این نوع ادراک عاقلند. از دید عقلا افراد در اعمال اراده خود آزادند، مگر اینکه به دلیلی بر منع و تقیید اراده آنان دست یابند.

تحدید اراده‌ها در فضای انسانی به‌وسیله قانون است و مراد از قانون متن نوشته شده و قواعد راسخ عرفی است. در قانون نوشته یا قواعد مستقر عرفی براساس تأمین مصالح فرد و جامعه حدودی پیش‌بینی می‌شود که در هر زمینه‌ای افراد به‌طور عادلانه به خواسته‌هایشان برسند. در واقع بهترین نوع قانون و قاعده این است که آزادی اراده و اختیار افراد به‌گونه‌ای تحدید شود که هرکس بتواند ضمن رسیدن به خواسته‌هایش مزاحم دیگران نشود و نفع و صلاح هرکس مستلزم ضرر و مفسده دیگری نباشد.

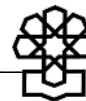
یکی از نیازها و خواسته‌های انسان، نیاز و خواسته جنسی او است. این نیاز ممکن است در رابطه با غیر انسان مرتفع شود یا در رابطه با انسانی دیگر همجنس او یا غیر همجنس او.

بنابراین در عرصه پاسخ به نیاز جنسی در رابطه با غیرهمجنس و به‌عبارت دیگر رابطه مرد و

زن چند فرض به‌نظر می‌رسد:

۱. بلکه فکر می‌کنیم ازدواج موقت تشریح شده تا بشر به بحران جنسی دچار نشود.

۲. منظور از عقل مرتبه‌ای از قدرت ادراک انسان است که او را بر خیر و شر و مصالح و مفاسد شخصی و نوعی راهبری می‌کند و به او امکان می‌دهد که براساس این ادراکات قانون‌سازی کند.



گفتار اول - رابطه جنسی آزاد

منظور از آزاد بودن رابطه جنسی این است که افراد به حال خود رها باشند تا هرکس به هر شکل که خواست نیاز جنسیتش را پاسخ گوید و زن و مرد بتوانند به رضایت خودشان و فارغ از هرگونه پیمان و مقرراتی رابطه جنسی برقرار کنند درحالی که به عنوان شریک جنسی نیز نسبت به همدیگر تعهدی ندارند. این رابطه آزاد، ممکن است براساس تمایل زن و مردی به التذاذ جنسی متقابل از یکدیگر برقرار شود^۱ یا یکی در مقابل دریافت اجرت از دیگری خود را در اختیار او بگذارد که در این صورت تن فروشی یا فروش خدمت جنسی نامیده می شود.^۲

اما اشاره کردیم که آزادی این گونه ممکن است به نزاع و غلبه زورمندان یا نوعی کمونیسیم جنسی منجر و به قول شهید مطهری به آنجا منتهی شود که «به یک پسر اجازه دهیم از صدها دختر کام گیرد و به یک دختر اجازه دهیم با دهها پسر رابطه نامشروع داشته باشد یعنی عملاً کمونیسیم جنسی را بپذیریم».^۳ رابطه جنسی آزاد در فرهنگ اسلام زنا (سفاح، بغا، فجور، فاحشه) نامیده شده است.

گفتار دوم - رابطه جنسی مقید (در چارچوب قانون و قاعده)

گفته شد که عقل به لحاظ اجتناب و جلوگیری از تزام و تنازع و بهره‌مندی همگان از حقوقشان تقیید اراده آنان را به وسیله قانون و قاعده لازم می‌داند پس ممکن است قانون به این صورت وضع شود که اگر زن و مرد بالغ و عاقلی خواستند با همدیگر رابطه جنسی داشته باشند، دیگران حق ندارند مانع آنها شوند و آن

۱. ظاهراً در فرهنگ غرب معادل آن Cohabit به معنای «زندگی کردن با اشخاصی دیگر و داشتن رابطه جنسی با آنها بدون ازدواج» می‌باشد longman'2010.

Cohabitation: به معنای همخانگی، زندگی مشترک یا سکونت مشترک، عنوانی است برای یک رابطه جنسی صرفاً شخصی و خصوصی در فضای انسانی، فارغ از ضوابط و کنترل‌های دولتی و دینی، بین دو جنس مخالف یا موافق که از آن به «رابطه جنسی آزاد یا بدون ازدواج» نیز تعبیر می‌شود. عوامل متعددی باعث این نوع رابطه در غرب بوده است از جمله:

تمایل به رابطه با جنس موافق، محک زدن توانایی مالی برای ازدواج رسمی، اجتناب از طلاق، داشتن فرصتی برای چند همسری، گریز از پرداخت مالیاتی که به زوجین رسمی تعلق می‌گیرد، فرار از تعهدات ناشی از ازدواج رسمی، سهولت و کم‌هزینه بودن جدایی زوجین و... در برخی از محاکم، در صورتی که این نوع رابطه جنسی مدت قابل توجهی به طول انجامیده و فرزند یا فرزندان به دنیا آمده باشد، به عنوان یک ازدواج عرفی تلقی شده است. رابطه جنسی آزاد در چند دهه اخیر در غرب شیوع یافته، ولی با این وصف مردم به دید منفی به آن نگاه می‌کنند. آمار این نوع رابطه در آمریکا از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۵ تقریباً ده برابر شده و از ۴۳۹۰۰۰ مورد به ۴۸۵۰۰۰۰ افزایش یافته است. هم‌اکنون تنها در پنج ایالت آمریکا رابطه جنسی بدون ازدواج میان دو جنس مخالف ممنوع است و با وجود این، قوانین ضد آن عموماً اجرا نمی‌شوند و در کشورهای اسکاندیناوی (دانمارک، نروژ و سوئد) بسیار رواج یافته است؛ به گونه‌ای که قریب ۵۰ درصد فرزندان محصول این نوع رابطه جنسی هستند. در انگلستان در سال ۲۰۰۳ قریب ۲۵ درصد فرزندان نتیجه رابطه جنسی بدون ازدواج بودند. در کشورهای غربی به طور متوسط ۸ درصد رابطه جنسی زوجین بدون ازدواج است. برگرفته از دایرةالمعارف ویکی پدیا.

۲. امروزه با انواع روابط جنسی آزاد فارغ از هر نوع تعهدی میان افراد بالغ در غرب مواجهیم بلکه شاهد رابطه جنسی با کودکان و زنان و دخترانی هستیم که از کشورهای دیگر خریداری شده و در کشورهای اروپایی و آمریایی به بردگی جنسی کشیده می‌شوند.

۳. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۲.

دو از همان اول می‌توانند توافق کنند برقراری رابطه جنسی رضایتمندانه طرفین، در قالب پیمانی دائمی و مطلق باشد یا موقت و محدود،^۱ در چارچوب حدود و مقرراتی خاص باشد یا با شرایطی که هر طرف می‌تواند برای طرف دیگر بگذارد و با مقتضای^۲ عقد منافات نداشته باشد مثل اینکه هر زمان که خواستند از همدیگر جدا شوند و هرکس راه خودش را برود یا گسستن پیمان در اختیار مرد باشد و در این صورت مهریه‌ای به‌عنوان تضمین حقوق زن برعهده بگیرد و می‌توانند توافق کنند که از همدیگر ارث ببرند یا نبرند، فرزند داشته باشند یا خیر، تأمین مخارجشان با هر دو باشد یا یک طرف خرج دیگری را بدهد و نسبت به فرزندی که متولد می‌شود هر دو مسئول باشند و در زمانی که زن باردار است و احیاناً قادر به تأمین معاش خود نیست، مرد نسبت به تأمین مادی او ملزم باشد. همچنین زن در مدتی که با آن مرد است طوری رفتار نکند که مردان دیگر را به سمت خود بکشد یا با مرد دیگری رابطه جنسی داشته باشد و مرد نیز عملی نکند که زن خود را بیازارد و جز با رضایت زن نتواند با زن دیگری رابطه داشته باشد.

برقراری رابطه جنسی مضبوط بین زوجین طبیعی ازدواج نامیده شده است. ازدواج در جوامع مختلف بشری مرسوم و در هر جا به نامی موسوم است.^۳ هم‌اکنون با سه نوع ازدواج رایج در دنیا مواجه هستیم، ازدواج کلیسایی و شرعی، ازدواج قانونی و رسمی و ازدواج عرفی غیررسمی.

ازدواج در حقوق بشری (عرفی)

در اسناد حقوق بشری که براساس ادراکات بشر تنظیم شده در مورد روابط جنسی زن و مرد در قالب ازدواج، برای دولت‌ها تکالیفی معین شده از جمله در ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ آمده است:

- تعهد دولت به تأمین حق ازدواج بدون محدودیت از حیث نژاد، تابعیت، مذهب و ملیت (بند «۱»)،

- لزوم برابری زوجین در دوران زوجیت و نیز در انحلال نکاح (بند «۱»)،

- لزوم ازدواج توأم با رضایت کامل و آزاد (بند «۲»)،

- لزوم تأمین حقوق برابر زن و مرد در بهره‌مندی از ارث در صورت فوت یکی از زوجین،^۵

- حقوق و مسئولیت یکسان در قیمومت، حضانت، سرپرستی، فرزندخواندگی، (با عنایت به منافع عالیۀ طفل).^۶

در نظریه تفسیری شماره ۲۸ کمیته حقوق بشر بر ماده (۳) میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی

۱. سیدمرتضی می‌گوید: انه قد ثبت بالادلة الصحيحة ان كل منفعة لا ضرر فيها في عاجل ولا في آجل مباحة بضرورة العقل، و هذه صفة نكاح المتعه فيجب اباحته باصل العقل: به دلایل صحیح ثابت شده که هر نفعی که در کوتاه‌مدت یا بلندمدت ضرری همراه آن نیست به حکم عقل مباح است و ازدواج موقت این‌گونه است پس به حکم عقل مباح است، الانتصار، ص ۱۰۹. ممکن است گفته شود اما مضراتی دارد که در بحث از ماهیت ازدواج موقت به آن اشاره خواهد شد.

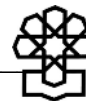
۲. مقتضای هر عقد به همان عقد بستگی دارد. مقتضای عقد بر آمیزش، آمیزش است و مقتضای عقد بر گفتگو، گفتگو است منهای لمس و آمیزش.

۳. در زبان انگلیسی Marriage.

۴. بولتن خبری تحولات جدید حقوق زنان و کودکان در گستره جهانی، ص ۱۷۱.

۵. نظریه تفسیری شماره ۱۶ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همان، ص ۱۹۵.

۶. قسمت ج بند «۱» ماده (۱۶) کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، همان، ص ۱۹۴.



تحت عنوان «برابری زنان و مردان» آمده است:

- تأمین ازدواج توأم با رضایت طرفین و از حیث لزوم افزایش سن ازدواج، ریشه‌کنی لزوم ان و لی دختر به ازدواج وی و رفع ممنوعیت ازدواج بین مذاهب،
- منع تعدد زوجات،

- تأمین برابر زوجین در انحلال نکاح، حضانت بر اطفال و توزیع اموال.^۱

اینها بخشی از حدودی است که براساس ادراک و حکم عقل به آزادی اراده و اختیار افراد و ضرورت نظم و انضباط قانونی و مسئولیت قهری و قراردادی در روابط جنسی زن و مرد به‌نظر می‌رسد و ممکن است بر آن روابط حاکم باشد. مشاهده می‌شود که در موارد فوق‌الذکر از اختیار بشر بر ازدواج موقت یاد نشده است، حال آنکه به مقتضای حق انتخاب نوع ازدواج، این قسم نیز می‌باید ذکر شود. همچنین حق تعدد زوجات را که مبتنی بر واقعیتی تکوینی است را نفی کرده‌اند. بدون شک نفی این حقوق در گسترش فحش‌های جنسی در غرب مؤثر بوده است و اخیراً در برخی کشورها برقراری رابطه جنسی بین دو جنس موافق را به‌عنوان حق بشر در قالب ازدواج قانونی کرده‌اند. اکنون لازم است ببینیم دین چه گفته است و آیا اراده و اختیار بشر را مطلقاً آزاد دانسته یا آن را تحدید کرده است و تحدیدات آن تا چه حد با تحدیدهای عقل موافق است.

فصل دوم - رابطه جنسی از منظر دین

در این فصل پاسخ به نیاز جنسی و رابطه جنسی زن و مرد را از منظر دین بررسی می‌کنیم و ملاحظه می‌شود که در متون دینی آزادی اراده انسان را با تحریم برخی از روابط و رفتارهای جنسی مقید و رابطه و رفتار مجاز او را بیان کرده است.

گفتار اول - قواعد عام

از متون شرعی قواعدی به‌دست می‌آید که در حوزه روابط افراد به‌خصوص در رابطه جنسی آنها کاربرد دارند مانند:

مبحث اول - قاعده سلطه

قاعده سلطه بر خویش، از کلام نبوی «الناس مسلطون علی اموالهم»^۲ استنباط می‌شود چراکه اگر انسان بر مالش مسلط باشد بر خودش که اصل بر مال است به طریق اولی مسلط است. این قاعده

۱. همان، ص ۱۷۹.

۲. طوسی، الخلاف، ج ۳، ص ۱۷۷.

مقتضی آزادی هر نوع تصرفی است که شخص در خودش و اموالش به‌طور منفرد یا در رابطه با دیگری می‌کند و مثلاً می‌تواند خودکشی کند، استمنا کند یا استفاده جنسی از خودش را به هر شکل بر دیگری روا کند، مثلاً زن به زن دیگر یا مرد دیگر اجازه کامجویی از خودش را بدهد و مرد نیز به همین ترتیب و اگر مالک حیوانی است از آنها بهره‌برداری جنسی کند یا حتی خودش را در اختیار حیوان خودش قرار دهد!

اما آیا می‌توان به آزادی مطلق و گسترده رفتارهای جنسی مستفاد از این قاعده در عمل پایبند بود؟ در مباحث بعد به این سؤال پاسخ خواهیم گفت.

مبحث دوم - قاعده حلیت

قاعده دیگر، قاعده حلیت یا اباحه هر چیزی است که از روایت «کل شیء هو لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه»^۱ استفاده می‌شود. این قاعده نیز مبین آزادی اراده و اختیار هر نوع بهره‌گیری جنسی از هر کسی است تا زمانی که معلوم شود حرام است.

مقتضای این قاعده نیز این است که تا روشن شدن محرمان آنچه را ذیل قاعده سلطه بر خویش گفتیم روا باشد.

اما این قواعد و کلیات را یکبار با کلیات دیگری مانند قاعده «صیانت خویش از ضرر گمراهان» مستفاد از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان را صیانت کنید زمانی که هدایت شده‌اید تا کسی که گمراه شده است به شما زیان نرساند» و قاعده «صیانت فروج از ضرر» مستفاد از آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ»^۳ به‌راستی مؤمنان رستگار شدند، کسانی که فروج خود را محافظت کردند» به اجمال تخصیص می‌زند و فی‌الجمله اعلام می‌کند بخشی از آزادی‌ها و فعالیت‌های مستفاد از قواعد دسته اول ممنوع است.

و بار دیگر به‌وسیله آیاتی دیگر آزادی اراده او را با تحریم برخی از روابط یا گونه‌های رفتار جنسی تخصیص زده و رابطه و رفتار مجاز او را معین کرده است. چنانکه می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّنْ نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۱۳. ملاک حلیت و حرمت را نیز در جای دیگر به‌دست داده و فرموده است: «یحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث: [همان پیامبری که] ... برای آنان چیزهای طیب را حلال و چیزهای خبیث را حرام می‌گرداند». (سوره اعراف: ۷، آیه ۱۵۷) انسان به ارتکاز فطریش می‌داند چه چیزی طیب و چه چیزی خبیث است اگر او را از فطرت منحرف نکرده باشند.

۲. سوره مائده: ۵، آیه ۱۰۵.

۳. سوره مؤمنون: ۲۳، آیات ۱ و ۵.



جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا، وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ...^۱ [نکاح اینان] بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانتان و دختران همسرانتان که در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید - پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] - و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر - مگر آنچه در گذشته رخ داده باشد - که خداوند آمرزنده مهربان است و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است].^۲

و در برخی آیات نوع رابطه جنسی مردان را با غیر از اصناف ذکر شده از زنان به‌عنوان زنا تحریم کرده و فرموده است: «وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجِيَّ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^۳ به زنا نزدیک مشوید چرا که زنا همواره فاحشه (رفتار هنجارشکنانه و علیه قوانین و قواعد) و بد راهی است.

زنا رابطه جنسی بین زن و مرد خارج از چارچوب عقد و پیمان است و تحریم شده چون عملی است که تنها ارضای جنسی فارغ از هرگونه تعهدی نسبت به یکدیگر و پیامدهای عمل را هدف گرفته است و پس از پایان عمل هرکس به راه خودش می‌رود تا احساس نیاز بعدی که زن، مرد دیگری را به دام افکند و مرد، زن دیگری را خواه آن زن و مرد در عقد و پیمان مرد و زن دیگری باشند یا نباشند که اگر باشند نظام معقول و صالح روابط جنسی را به هم می‌ریزند و اگر نباشند و این آزادی محترم شمرده شده باشد، نتیجه‌اش آن است که افراد به دنبال تشکیل نهاد خانواده و رابطه زناشویی سالم نباشند و جامعه اندک‌اندک فاسد شده و رو به زوال گذارد.

و در آیه‌ای دیگر رابطه جنسی مردان با زنان مجاز را تنها از طریق ازدواج و ملک یمین معرفی کرده و غیر آن را تعدی از حدود دانسته و فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^۴ مؤمنان رستگار شدند کسانی که فروج (آلت تناسلی و کنایه از رفتار جنسی) خود را محافظت کردند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به‌دست آوردند که در این صورت نکوهشی بر آنان نیست، پس هرکس فراتر از این جوید آنان از حد درگذرندگانند.

از ذیل این آیه استفاده می‌شود که هر نوع رابطه جنسی دیگر ممنوع است از جمله: مساحقه، که حرمت آن ممکن است از آیه: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّكَ الْفَاحِشَةُ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَهُ

۱. سوره نساء: ۴، آیه ۲۳.

۲. سوره اسراء: ۱۷، آیه ۳۲.

۳. سوره مؤمنون: ۲۳، آیات ۱، ۵ و ۶.

مَنْكُم^۱ و از زنان شما کسانی که مرتکب فاحشه (زنا یا مساحقه یا هر نوع عمل جنسی خارج از حدود معقول و منقول) می‌شوند چهار تن از میان خود بر آنان گواه گیرید» نیز استفاده شود.

لواط، که حرمت آن ممکن است از آیه: «وَاللَّذَانَ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَأَذُوهُمَا فَإِنَّ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا: و از میان شما آن دو تن (دو مرد) را که مرتکب فاحشه (=لواط یا هر نوع رابطه جنسی) می‌شوند آزارشان دهید، پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف‌نظر کنید»^۲ استفاده شود.

استمنا، که دلیل حرمت آن علاوه بر ذیل آیه ازدواج برخی روایت است مانند موثقه عَمَّارِ بْنِ مُوسَى از امام صادق (ع) که «در باره مردی می‌پرسد که با حیوانی آمیزش کرده یا استمنا می‌کند فرمود: فرو ریختن منی به روش‌هایی مانند این زنا است».^۳

همچنین از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: «مردی را نزد امام علی (ع) آوردند که استمنا کرده بود. بر دستش زد تا سرخ شد و پس از آن او را از بیت‌المال تزویج نمود».^۴ یعنی همسری به خرج بیت‌المال برای او گرفت.

حرمت آمیزش جنسی با بهایم نیز از آیه: «فَمَنْ ابْتَغَىٰ...» و تعیین تعزیر بر آن در برخی روایات استفاده می‌شود از جمله موثقه عَمَّارِ بْنِ مُوسَى که ذکر شد و نیز از روایاتی که برای این کار مجازات تجویز کرده است مانند خبر سماعه که می‌گوید: «از امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که با حیوان مانند گوسفند یا شتر یا گاو نزدیکی می‌کند فرمود: به کمتر از حد (زنا) تعزیر می‌شود».^۵

اما به طرق مجاز رابطه جنسی مردان با زنان؛ بیشتر اشاره کردیم. رابطه جنسی مجاز مردان با زنان تنها از دو طریق ازدواج و ملک یمین^۶ است.

منظور از ازدواج برقراری رابطه در چارچوب قانون و قاعده، پیمانی است که به رضایت و توافق طرفین ایجاد می‌شود و لازم است عاری از تدلیس و فریبکاری باشد و طی آن حقوق و وظایف طرفین نسبت به یکدیگر مشخص باشد. توافق بر دائمی بودن ازدواج جای حرف نیست، اما آیا می‌توانند بر موقت بودن ازدواج توافق کنند؟ و آیا این قسم در اسلام تشریح شده است؟

گفتار دوم - ازدواج موقت از منظر نقل

میان فقیهان شیعه و اهل سنت اختلاف است، اهل سنت آن را نپذیرفته و شیعیان آن را پذیرفته و

۱. سوره نساء: ۴، آیه ۱۵.

۲. سوره نساء: ۴، آیه ۱۶ و نیز بنگرید به: وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۱۶.

۳. عن عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عن ابي عبدالله (ع) في الرَّجُلِ يَنْكِحُ بَهِيمَةً أَوْ يَذُلُّكَ فَقَالَ كُلُّ مَا أَنْزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَاءَهُ مِنْ هَذَا وَ شِبْهِهِ فَهُوَ زِنَا، الكافي، ج ۵، ص ۵۴۱.

۴. ان اميرالمؤمنين (ع) اتى برجل عبث بذكره فضرب يده حتى احمرت ثم زوجه من بيت المال، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۴.

۵. عن سماعه قال سألت ابا عبدالله (ع) عن الرَّجُلِ يَأْتِي بَهِيمَةَ شاةٍ او ناقةٍ او بقرةٍ قال فقال عليه ان يجلد حداً غير الحد، همان، ص ۵۷۱.

۶. منظور از ملک یمین، کنیزانی است که در ملکیت مردان بودند و می‌توانستند با آنها رابطه جنسی داشته باشند، ملک یمین در این زمان موضوعیت ندارد.



از جمله احکام مترقی اسلام تلقی کرده‌اند. شهید مطهری می‌گوید: «یکی از قوانین درخشان اسلام از دیدگاه مذهب جعفری - که مذهب رسمی کشور ماست - این است که ازدواج به دو نحو می‌تواند صورت بگیرد. دائم و موقت ... تفاوت اصلی و جوهری ازدواج موقت با ازدواج دائم در این است که ازدواج موقت از لحاظ حدود و قیود آزاد است، یعنی وابسته به اراده و قرارداد طرفین است، حتی موقت بودن آن نیز در حقیقت نوعی آزادی به طرفین می‌بخشد و زمان را در اختیار آنها قرار می‌دهد».^۱

اینکه متعه از افتخارات مذهب جعفری است در منابع روایی نیز آمده، چنانکه نقل است که امام صادق (ع) به مفضل می‌فرماید: «... این [متعه] شرف و افتخار شیعه ماست (که از ما گرفته‌اند) و کسی که بر ما تکذیب کند از ما نیست».^۲

مبحث اول - ماهیت ازدواج موقت

پیش از ورود به بحث از ماهیت ازدواج موقت لازم است تذکر دهیم نظام تشریح دینی بر تکوین استوار است و تکوین، افراد را با توانایی‌ها، انگیزه‌ها و نیازهای متفاوت نشان می‌دهد. انسان مانند ماشین نیست که میلیون‌ها دستگاه آن یک‌جور تولید می‌شود. انسان‌ها مختلف‌اند، یکی نیاز جنسی‌اش کم است یکی زیاد، یکی توان فکری بالا دارد، یکی کم، یکی راه پول‌دار شدن را بلد است و دیگری بلد نیست، یکی حوصله فرزند را دارد یکی ندارد، یکی دوست دارد دائماً در سفر باشد یکی به سفر علاقمند نیست، یکی قرار گرفتن در خانه برایش سخت است و دیگری آسان و ...

اهداف ازدواج نیز مختلف است، یک وقت هدف تشکیل خانواده و تکثیر جمعیت است و یک وقت هدف صرف استمتاع جنسی، یا مؤانست، یا سرپرستی، یا محرمیت و ... است.

این اختلافات را نمی‌توان با یک فرمول پاسخ داد، از این‌رو دین دو گونه ازدواج تشریح کرده است. ازدواج دائم با شرایطی برای پاسخ به تقاضای بخشی از افراد و تحقق برخی اهداف و ازدواج موقت را با شرایطی بسیار سهل و اختیاری به‌گونه‌ای دیگر تا بخش دیگری از تقاضاها و اهداف را پاسخ دهد.

در حلیت و مشروعیت ازدواج موقت لازم است علاوه بر فراهم بودن شرایط عام مانند بلوغ، عقل و رضایت طرفین، مدت و مهر نیز معلوم باشد. با توجه به این تعریف ممکن است پرسش شود که فرق آن با زنا به اجر چیست؟ زنا به اجر نیز در واقع عقدی عرفی برای استمتاع جنسی است که به رضایت طرفین در زمان معین و با اجرت معین منعقد می‌شود پس چرا شارع این عقد عرفی را امضا نکرده است؟

۱. مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۹ و ۴۰.

۲. عن المضل بن عمر عن الصادق (ع) ... هذا شرف من شیعتنا و من یکذب علینا فلیس منا، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷۹.

در پاسخ می‌گوییم اگر عقد توافق دو اراده بر نوعی بده و بستان باشد، زمانی مشروع است که از چارچوب‌ها و اصول کلی معین شده توسط اسلام (عقل و نقل) تجاوز نکند و مصالح واقعی طرفین را تأمین کند. مثلاً در روابط مالی «اکل مال به باطل»، غرر، ضرر و اضرار جایز نیست؛ لذا عقد مشتمل بر هر یک از اینها مشروع نیست و در روابط جنسی نیز اختلاط میاه، تدلیس، فریبکاری و خیانت طرفین به یکدیگر جایز نیست و وفاداری آنان به عقد و تبعات آن مانند فرزند لازم است و به طور کلی رابطه طرفین نباید طوری تنظیم شود که یک طرف کاملاً انتفاع ببرد و طرف دیگر متضرر شود یا نفعی نبرد، بلکه به حسب قاعده عدل، لازم است طرفین منتفع شوند. به هر حال دواعی و نیازها مختلف است و از دید اسلام مانعی ندارد که طرفین با رعایت چارچوب‌ها و ملاک‌های کلی فوق‌الذکر انتظارات معقول و مشروع یکدیگر را در قالب ازدواج موقت برآورند.

اما زنا به اجر در این چارچوب نیست. در زنا علاوه بر قصد حرام،^۱ طرفین خود را متعهد به وفای به عقد و تبعات آن نمی‌دانند، زن عده نگه نمی‌دارد، لذا اگر فرزندی از این طریق پدید آید مرد مسئولیت فرزند را نمی‌پذیرد در نتیجه فرزند از حیث کارکرد اجتماعی و نسب تباه شده است. زن و مرد در همان مدت، مسئولیتی نسبت به همدیگر حس نمی‌کنند پس اگر مشکلی برای هریک رخ داد دیگری به راه خود می‌رود. زن و مرد مبتلا به زنا، استعدادهای طبیعی خود را صرف عیاشی و هرزگی می‌کنند و ابایی ندارند که دیگران را نیز به راه خود بکشانند و...

علاوه بر اینها خداوند حکیم و خبیر در زنا مفاسدی دیده است که بسا از دید انسان‌های کوتاه‌بین و شهوت‌پرست مخفی ماند. برخی از آنها را بیان می‌کنیم:

خداوند رابطه جنسی خارج از چارچوب‌های صحیح را زنا، فاحشه و راه بد نامیده و فرموده است: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»^۲ به زنا نزدیک مشوید؛ چرا که زنا همواره فاحشه (هر رفتاری که علیه مصالح قابل فهم همگان باشد) و بد راهی است».

زنا در لغت به معنای تنگنا و ضیق^۳ است و ظاهراً به این رفتار جنسی زنا گفته شده چون طرفین آزاد نیستند و ناچارند به طور مخفی رابطه داشته باشند یا زنا گفته شده از آن رو که شخص زناکار خودش را در تنگنای بدنامی و برخورد قانونی به خاطر هنجارشکنی قرار می‌دهد.

در آیه دیگر زنا را «بغا» نامیده و فرموده است: «وَلَا تُكْرَهُوا فَتِيَاكُمْ عَلَى الْبَغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا»^۴ چون بغی و بغا درخواست چیزی است که حق مطالبه آن را ندارد و هر چه این گونه باشد به صلاح

۱. قصد شکستن حدود عقلی و قلبی.

۲. سوره اسراء: ۱۷، آیه ۳۲.

۳. المنجد.

۴. سوره نور: ۲۴، آیه ۳۳.



طلب‌کننده نیست؛ چون ملازم با هرزگی و بی‌حیایی است و شخصیت انسانی او را درهم می‌شکند. در جای دیگر زنا را «سفاح» نامیده و فرموده است: «أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ^۱» غیر از اینها با اموالتان زنان دیگری بجوئید که بر شما حلالند در حالی که قصد زوجیت دارید و نه زنا. سفاح، از سفح به معنای ریختن مایع بدون نفع یا با ضرر است. در زنا عمل جنسی بی‌حاصل بلکه ضررمند است؛ چون زن و مرد آبی را که می‌توانست منشأ تکون نطفه باشد، دور ریخته‌اند.

به هر حال استمتاع در ذاتش موقت و منقطع است و نمی‌تواند در طول زمان استمرار داشته باشد، لذا عقد موجد آن را منقطع یا موقت گفته‌اند، گرچه می‌توان زمان عقد را برای استمتاع بعدی تجدید کرد. اما این که برخی گفته‌اند ازدواج موقت می‌تواند ۹۹ ساله باشد، مشکل است، چون موقت را به دائم ملحق می‌سازد، و شاهدیم که ازدواج‌های دائم هم ۹۹ سال استمرار ندارند تا چه رسد به ازدواج موقت. پس ۹۹ ساله بودن نکاح موقت نوعی ضدونقیض‌گویی و یا حيله‌ای برای فرار از الزامات عقد دائم است.

مبحث دوم - انگیزه و شرایط بیرونی ازدواج موقت

ازدواج موقت به انگیزه‌های مختلف ممکن است واقع شود. انگیزه برای مردها شاید عمدتاً رفع نیاز جنسی باشد. مردانی که در جنگ یا مسافرت از همسرشان دور افتاده‌اند، یا با وجود همسر دائم باز هم از نظر جنسی تأمین نمی‌شوند و نمی‌توانند زن دائم دوم یا سوم بگیرند، یا به‌خاطر عدم توان مالی قادر به ازدواج دائم نیستند و از آن طرف نیاز جنسی به آنها فشار می‌آورد و ممکن است به فساد افتند. اما برای مردان دواعی دیگر مانند ایجاد محرمیت برای گفتگو یا آشنا شدن با خلق و خوی همسر آینده، یا سرپرستی و اداره و مراقبت از زنی نیازمند یا مراقبت از خودش توسط زنی جوان و حتی کسب مال نیز هست.

اما زن‌ها کمتر در ضرورت جنسی واقع می‌شوند ولی انگیزه‌های دیگری آنان را به سمت ازدواج موقت سوق می‌دهد مانند نیاز زنی که شوهرش را از دست داده و از ناحیه جنسی یا مالی خوف وقوع در فساد دارد، یا ایجاد محرمیت برای آشنا شدن با خلق و خوی خواستگار، یا همراهی در سفر، یا حضور در جلسه و بحث و گفتگوهای ضروری، یا بالا رفتن سن و نومییدی از ازدواج دائم، یا از آن جهت که می‌خواهد آزادی فعالیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محفوظ باشد، یا به جهت فرزندخواهی. البته با توجه به طبع ازدواج موقت شایسته است که طرفین مانع تکون فرزند شوند چون حقوق فرزند در این قسم ازدواج غالباً در معرض خطر قرار می‌گیرد چنانکه

۱. سوره نسا ۴، آیه ۲۳ و ۲۴.

در مذاکره امام صادق (ع) با مفضل در مورد ازدواج موقت آمده است که پیامبر (ص) فرمود: «فرزند ناشی از متعه حرام است (یعنی حقوقی دارد که رعایت نمی‌شود و محروم می‌ماند) و بهتر آن است که [مرد] نطفه‌اش را در رحم متعه قرار ندهد»^۱ مگر اینکه به هدف استیلا و واقع شود که در این صورت جوانب کار ملاحظه می‌شود.

شرایط بیرونی

شرایط بیرونی مؤثر در تحقق ازدواج موقت در نگرش و گرایش ما به ازدواج موقت تأثیر تعیین‌کننده دارد و این نکته در بیانات دینی مغفول نمانده است.

از آیات شریفه و روایات اباحه ازدواج موقت استفاده می‌شود ولی ظاهراً این گونه نیست که به‌عنوان جایگزین و بدل ازدواج دائم تشریح شده باشد بلکه هر کدام به‌طور مستقل و در جای خودش برآورنده مصالحی هستند و جمعشان بلامانع است.

انجام این امر مباح همچون دیگر مباحات تابع شرایط است. در برخی شرایط ممکن است انجام آن لزوم پیدا کند مثل زمانی که نیاز جنسی وی از طریق ازدواج دائم یا با وجود همسر دائم تأمین نمی‌شود و در برخی شرایط ممکن است به حدی مفسده داشته باشد که اجتناب از آن لازم باشد و ازدواج دائم به صلاح او نیست.

از برخی روایات منقول از پیامبر (ص) و ائمه اطهار که از طریق عامه و خاصه به دست ما رسیده استفاده می‌شود که:

اولاً، این قسم ازدواج چون مصلحت و مفسده‌اش متغیر و منوط به شرایط فرد و جامعه است، زمانی باید به سراغ آن رفت که مصلحتی را جلب یا مفسده‌ای را دفع کند و زمانی که موجب مفسده است باید از آن اجتناب کرد، چنانکه علی بن یقین می‌گوید: «از امام رضا (ع) درباره ازدواج موقت پرسیدم فرمود: تو را چه به ازدواج موقت! خدا از آن بی‌نیازت کرده است».^۲ از این روایت استفاده می‌شود که تعقیب کردن ازدواج موقت در جایی که به آن نیاز ندارد روا نیست؛ چون ممکن است او را دله یا ذواق یا نسبت به همسر دائمش سرد کند و سبب رنجش و زمینه جدایی او را فراهم سازد! همچنین فتح بن یزید می‌گوید از امام رضا (ع) درباره متعه پرسیدم، امام (ع) فرمود: «ازدواج موقت برای کسی که خداوند او را به وسیله ازدواج دائم از آن بی‌نیاز نساخته، حلال و مباح است که به وسیله آن عفت^۳ خود را حفظ کند، اما اگر به وسیله ازدواج دائم از آن بی‌نیاز شود زمانی که از

۱. ولد المتعة حرام و ان الاجود ان لا یضع النطفة فی رحم المتعة، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷۹.

۲. علی بن یقین قال: سألت ابا الحسن عن المتعة، فقال: ما انت و ذاک، قد اغناک الله عنها، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۹.

۳. به قرینه این روایت ممکن است گفته شود مراد از نکاح در آیه: «فلیستغف الذین لایجدون نکاحا» اعم از نکاح دائم و موقت باشد.



همسر دائمش دور است مباح می‌باشد»^۱ مفهوم کلام امام (ع) این است که زمانی که از همسر دائمش دور نیست مباح نمی‌باشد.

همچنین از امام رضا (ع) نقل است که به برخی از یارانش نوشت: «بر ازدواج موقت حریص مباشید، چیزی که بر شما است این است که این سنت را زنده نگهدارید، پس با پرداختن به متعه از همسرانتان دور مباشید که کافر می‌شوند و از آن بیزاری می‌جویند و علیه دستوردهنده به آن دعا و ما را لعن می‌کنند»^۲.

در مواردی ممکن است مصلحت و مفسده طرفین مخالف باشد مثلاً زن نیاز به ازدواج موقت دارد و نمی‌تواند با هر مردی ازدواج موقت داشته باشد و تصور می‌کند تنها مرد خاصی از بستگان یا آشنایان می‌تواند حاجت او را برآورد و اتفاقاً آن مرد خود همسر دائم دارد و نیازی به ازدواج موقت ندارد و نیاز زن متقاضی را نیز درک می‌کند و می‌داند که اگر با وی ازدواج موقت کند نظام خانوادگیش به هم می‌ریزد، در مثل این مورد ناچار است به منظور دفع مفسده از همسرش استیذان کند.

ثانیاً، چون متغیر و بسته به شرایط است، می‌تواند متعلق امر و نهی حکومتی قرار گیرد. این معنا از برخی روایات استفاده می‌شود از جمله روایاتی که پیش از این ذکر شد که در آنها آمده است پیامبر (ص) در زمان جنگ متعه را اجازه داد و پس از رفع ضرورت تحریم کرد.

یا نسبت به گروهی از جامعه حرام و نسبت به گروهی دیگر حلال اعلام شود. چنانکه حماد می‌گوید: امام صادق (ع) به من و سلمان بن خالد فرمود: «ازدواج موقت را بر شما دو تن تا زمانی که در مدینه هستید حرام کردم چون شما زیاد بر من وارد می‌شوید و می‌ترسیم که بازداشت شوید و گفته شود این دو از اصحاب جعفر هستند»^۳ از این روایت می‌توان استفاده کرد که به اقتضای شرایط ممکن است متعه را بر گروهی حرام و بر گروهی حلال اعلام نمود.

مبحث سوم - ادله ازدواج موقت در کتاب و سنت

پس از این دلایل جواز ازدواج موقت را از منابع دینی یعنی کتاب و سنت در دو بخش عرضه می‌کنیم، اما قبل از اینکه ادله و رهنمودهای قانونگذار اسلام در خصوص رابطه جنسی مجاز از طریق ازدواج موقت را ببینیم لازم است چند نکته را تذکر دهیم:

۱. هی حلال مباح مطلق لمن لم یغنه الله بالتزویج فلیستعفف بالمتعة، فان استغنی عنها بالتزویج فهی مباح له اذا غاب عنها، همان. مفهوم جمله اخیر امام (ع) که فرمود: «اذا غاب عنها» این است که اگر همسر دائمش غایب نیست مباح نمی‌باشد.

۲. کتب ابوالحسن (ع) الی بعض موالیه لاتلحوا علی المتعة انما علیکم اقامة السنة فلا تشغلوا بها عن فرشکم و حرائرکم فیکفرن و یتیرین و یدعین علی الامر بذلک و یلعنوننا، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۰.

۳. عن حماد قال، قال لی ابو عبدالله و لسلمان بن خالد: قد حرمت علیکم المتعة من قبلی مادمتما بالمدينة، لانکما تکنران الدخول علی و اخاف ان تؤخذا فیقال: هؤلاء اصحاب جعفر، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۰.

۱. ممکن است گفته شود با توجه به اینکه رابطه زن و مرد، امری معاملی است که خود انسان می‌تواند مصالح و مفسد آن را دریابد، چه نیازی هست که خداوند وارد شده و قانونگذاری کرده است؟ می‌گوییم: شکی نیست که انسان به همه مصالح و مفسد خودش در همه عوالم وجود آگاه نیست و درخصوص روابط زن و مرد نیز اولاً، تنها بخشی از مصالح و مفسد آن را می‌تواند دریابد و نه همه آن را، ثانیاً، نمی‌تواند به قطع ادعا کند آنچه را می‌فهمد دقیقاً با دیگر مصالح وی در جهت دستیابی به مصالح اخروی هماهنگ است، پس نیازمند کسی است که بر همه مصالح او اشراف داشته باشد و او کسی جز حق تعالی نیست.

۲. در زمینه روابط جنسی که بنایش بر شهوت و نفسانیت است، انسان غالباً مست و کور است. از این رو بسا به لحاظ راحتی و سهولت در برقراری رابطه و کسب لذت خواستار پایبندی به هیچ قانون و قاعده‌ای نباشد و حریت کامل را در این زمینه بیشتر بیسندد، اما روشن است که این گرایش به ضرر بشر است هم از ناحیه تزامم که به آن اشاره کردیم، هم از این جهت که افراد به خصوص جنس مؤنث تا بیاید متوجه شود که محل تخلیه شهوت مردان جوان و حریص به آمیزش جنسی شدن چه آثار وضعی روحی و حتی جسمی برای او دارد، به بیماری جنسی تبدیل شده است که بازگرداندن او بسیار دشوار است. از این رو خداوندی که تمایل جنسی محرک و انگیزاننده او به وضع قانون نیست و صلاح و عاقبت خیر و کمال بنده‌اش را می‌خواهد، پا به میان گذاشته و براساس تکوین و در جهت خیر و کمال بنده‌اش قانونگذاری کرده و بسا صور صحیحی را که به عقل بشر هم می‌رسد، در قالب قانون پذیرفته است. فرق قانون الهی با قانون بشری این است که در مواردی که عقل بشر مغلوب هوای نفس است یا عقل او قادر به ادراک نیست، دست او را گرفته است.

۳. انسان به لحاظ تکوین نیازهای مختلفی دارد و در رابطه با جنس مخالف چندگونه نیاز دارد، از جمله نیاز جنسی، نیازی عاطفی و مؤانست، نیاز به استمرار نسل و... آیا ممکن است شارع هر کدام از این نیازها را جداگانه دیده و برای رفع آن سازوکاری قانونی معین کرده باشد؟ شکی نیست که شارع بر این اساس که گاه انسان همدم و شریکی می‌خواهد که تا آخر عمر و در شادی و غم و تولید و تربیت فرزند با او باشد، ازدواج دائم را تشریح کرده است. اما اگر انسان بخواهد در بخشی از زمان فقط نیاز جنسی‌اش را برطرف کند، آیا منعی هست که شارع آن را قانونی نسازد؟ بلکه می‌بینیم اگر آن را قانونی نسازد، انسان به فساد گرفتار می‌شود حال آنکه اصولاً تشریحات شارع به هدف تأمین نیازها و مصالح واقعی انسان است. به اعتقاد ما این قسم رفع نیاز انسان نیز ملحوظ شارع واقع شده و برای پاسخ به آن ازدواج موقت را تشریح کرده است.



علامه طباطبایی می‌گوید: «اینکه گفته شود متعه (ازدواج موقت) از انواع زنا یا رایج در زمان جاهلیت^۱ است ساختگی و بدون مدرک تاریخی است و هیچ نشانی از آن در زمان جاهلیت پیش از اسلامی وجود ندارد ... متعه از ابتکارات اسلام و تسهیلی از جانب خداوند برای این امت است تا او را از انحراف جنسی و گسترش زنا و دیگر جرائم باز دارد ...»^۲.

بند اول - ازدواج موقت در کتاب

الف) آیه ازدواج

در سوره مؤمنون می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ لِقُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»^۳ مؤمنان رستگار شدند کسانی که فروج (آلت تناسلی و کنایه از رفتار جنسی) خود را محافظت کردند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آوردند که در این صورت نکوهشی بر آنان نیست، پس هرکس فراتر از این جوید آنان از حد درگذرندگانند». از این آیه نکاتی قابل استفاده است:

۱. واژه «المؤمنون» گرچه مذکر است، اما از باب تغلیب به‌کار رفته است و شامل زن‌های مؤمنه نیز می‌شود.

۲. خطاب اگرچه به انسان‌های مؤمن است، اما آثار عمل به آیه شامل همه افراد بشر می‌شود و فرقی نیست.

۳. آیه به‌صراحت دلالت دارد بر اینکه اباحه‌گری جنسی یا لیبرالیسم جنسی از نظر قرآن مردود است و افراد باید فروج خودشان را صیانت کنند، مگر بر همسران و ... که در این صورت سرزنش شده نیستند و کسانی که غیر از این دو مجرا را برای رابطه جنسی طلب کنند، متعدی و تجاوزگرند.

۴. مراد از زوجیت، زوجیت بین دو جنس مخالف است که به‌طور طبیعی به هم تمایل دارند و می‌توانند منشأ تولید مثل باشند، بنابراین رابطه دو مذکر یا دو مؤنث خارج از حدود است. البته در آیات و روایات دیگر این معنا بیان شده است.

همچنین واژه زوجیت مطلق است و شامل هر نوع زوجیتی می‌شود که طرفین می‌توانند بر آن

۱. برخی معتقدند متعه پیش از اسلام به‌عنوان زنا وجود داشته و برخی معتقدند به‌عنوان نوعی ازدواج موقت سابقه داشته است. نویسنده تاریخ جاهلیه می‌نویسد: «ازدواج موقت از زمان جاهلیت عقد شخصی بین مرد و زن غیربازگردد بود که این عقد در زمان معینی در قبال پولی معین بسته می‌شد این نوع ازدواج با به پایان رسیدن مدت تمام می‌شد. کریمی، شیوا، جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی، ص ۹.

۲. القول بكون التمتع من انواع الزنا الدائرة في الجاهلية ... اصطلاح لا يرجع الى مدرک تاریخی از لاین منته فی کتب تاریخ ... بل هو سنة مبتكرة اسلامية و تسهيل من الله - تعالی علی - هذه الامة لاقامة اودهم و وقایعهم من انتشار الزنا و سائر الفواحش بینهم، لو انهم كانوا وفقوا لاقامة هذه السنة و اذا لم تكن الحكومات اسلامية تغضض فی امر الزنا و سائر الفواحش هذا الاغماض الذي الحقها تدريجا بالسنن القانونية و امتلأت بها الدنيا فساداً و وبالآء الميزان، ج ۴، ص ۳۰۸.

۳. مؤمنون: ۲۳، آیات ۱، ۵ و ۶.

توافق کنند خواه دائم یا موقت.

۵. منظور از فروج آلت تناسلی زن و مرد است، که ابزاری برای اظفا و ارضای شهوت جنسی هستند.

ب) آیه استمتاع

قرآن در آیه‌ای دیگر پس از برشمردن زنانی که رابطه جنسی با آنان حرام است، از جمله مادر، دختر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و خواهر و مادران رضاعی و دختران همسرانی که با آنان آمیزش کرده است و همسران پسرانی که از پشت اویند و خواهر زن و زنان شوهردار (مزدوجات)، می‌فرماید: «وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۱ غیر از اینها با امواتان زنان دیگری بجویند که بر شما حلالند در حالی که قصد زوجیت دارید و نه زنا، پس زنانی که از ایشان بهره برده‌اید (یا آنچه را از ایشان بهره برده‌اید) مهرشان را به‌عنوان فریضه‌ای مقرر، به آنان بدهید پس بر شما در آنچه بعد از [مهر] مقرر بر آن توافق و تراضی کنید گناهی نیست (یعنی می‌توانید مهر را کم یا زیاد کنید) مسلماً خداوند دانای حکیم است». نکاتی از این آیه استفاده می‌شود:

۱. «ما» در «مَا وَرَاءَ ذَلِكَ» عام است و شامل هر زن دیگری غیر از آنهایی که منع کرده می‌شود خواه مسلمان باشند یا اهل کتاب مانند مسیحی، یهودی و مجوس و یا غیر اهل کتاب همه اینها برای استمتاعی که بعداً می‌گوید حلال هستند و خارج کردن بخشی از این زنان به جهت نوع اعتقادش دلیل خاص می‌خواهد. پس هر زنی که دلیل خاص بر خارج شدن وی از این دایره نباشد به دلیل عمومیت آیه، استمتاع از او جایز است.

۲. ابتغوا: از واژه «ابتغا» بجای «انکاح» استفاده می‌کند تا طلب به معنای عام را برساند که شامل طلب به ملک یمین و هر نوع ازدواجی می‌شود.

۳. باموالکم: با این واژه نقش مال را در زوجیت در نظام دینی مشخص می‌کند و اینکه زن در امر ازدواج وارد یک معامله و بده - بستان می‌شود، از این زاویه است که زن حق دارد در مقابل امکانی که به زوج در کامروایی از خود اعطا می‌کند، مالی دریافت نماید که اگر بعد از مدتی مرد از او دل‌زده شد و یا هوس جدیدی کرد و او را به حال خود رها نمود یا در صدد طلاق وی برآمد، درحالی که دیگر آب و رنگ سابق را ندارد و نمی‌تواند همسری مناسب داشته باشد، زندگی‌اش را ادامه دهد.^۲

۱. سوره نسا: ۴، آیات ۲۳ و ۲۴.

۲. آیا این بده - بستان را به عکس نیز می‌توان تصور کرد؟ ظاهراً معنی ندارد به‌ویژه اگر بگوئیم آوردن ضمائر مذکر در آیه «فما استمتعتم» از باب تغلیب است.



این یک بیان خشک حقوقی است که در زمان قهر و جدایی کارساز است و البته منافاتی با عشق و علاقه طرفین به یکدیگر ندارد، ولی می‌دانیم که عشق‌های آتشین و اظهارات پرسوزوگداز مردها نسبت به زنان در بدو آشنایی، پس از مدتی به تاریخ سپرده می‌شود و مرد را به‌ویژه اگر انسانی غیرمتعهد و تنوع‌طلب^۱ باشد به فراش جدیدی منتقل می‌سازد.

۴. با واژه «محصنین» طلب‌کننده را مقید می‌کند که به قصد احصان ناشی از ازدواج، زن حلالی را طلب کند و نه به قصد «سفاح».

احصان^۲ از ماده حصن به معنای منع و حرز است. مرد یا زنی را که ازدواج کرده‌اند محصن و محصنه می‌گویند چون غالباً از آلودگی به روابط ناسالم جنسی و هرزگی جنسی محفوظانند. سفاح^۳ از سفح به معنای سَفَكَ و أَرَقَ است. ریختن مایع بدون نفع یا با ضرر را سفح گویند. عمل جنسی بی‌حاصل بلکه ضررمند زن و مرد از حیث ریختن آبی که می‌توانست منشأ تکون نطفه باشد را سفاح نامیده است.

از قرار دادن احصان در مقابل سفاح استفاده می‌شود که مراد از احصان ازدواج است^۴ چون سفاح رابطه جنسی بدون ازدواج است که طرفین فارغ از هر قیدوبندی و فارغ از رعایت شرایط پیشینی و مسئولیت‌های پسینی صرفاً به دنبال استفاده و ت لذت جنسی از یکدیگرند، برقرار می‌کنند. همچنین از این واژه استفاده شده تا رابطه جنسی به معنای عام را برساند که ممکن است با زن ملک یمین برقرار شود یا زن آزاد.

۵. در مورد «ما» در «ما استمتعتم» دو احتمال داده شده اول: اینکه برای بیان وقت باشد، یعنی هر موقع از وصل آنان برخوردار شوید اجرتشان را بپردازید.^۵ دوم: موصوله باشد و مراد از آن یا نوع استمتاع مرد از زن از قبیل نظر، لمس، تقبیل، جماع و غیر اینها است و «منهن» متعلق به «استمتعتم» بیانگر محل استمتاع مذکور می‌باشد.

یا مراد از آن زنی است که از او استمتاع می‌برد و «من» در «منهن» نیز برای تبعیض از زنان باشد به این معنا که پس زنی را که از او استمتاع می‌برید از زن‌های حلال، مهرشان را برابر قرار (فریضه) بپردازید.^۶

۱. در روایت آمده است خداوند مردان و زنان ذواق را از رحمت خود دور می‌کند. قال رسول الله (ص): ... ان الله - عزوجل - یبغض او یلعن کل ذواق من الرجال و کل ذواقه من النساء، کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۵.

۲. المنجد.

۳. همان.

۴. بنگرید به: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۶۹.

۵. بنگرید به: مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۵۲.

۶. المیزان، ج ۴، ص ۲۷۱.

در هر صورت پرسش این است که آیا آن زن ملک یمین است یا زوجه دائم یا موقت؟ آیه به ظاهرش عام است و شامل همه می‌شود.

۶. استمتاع: این واژه نیز عام است و شامل استمتاع از ملک یمین و زن آزاد هر دو می‌شود و البته مراد از استمتاع، استمتاع جنسی است که مهمترین انگیزه و مقصد ازدواج موقت است، اما خواهیم گفت که انگیزه‌های دیگر نیز برای زن و مرد در ازدواج موقت هست.

۷. فآتوهن اجورهن فریضه: از اینکه پرداخت اجر (مهر) را بر استمتاع مترتب ساخته است استفاده می‌شود که در عوض آن است و به دلیل عقل روشن است که باید پیش از استمتاع و پرداخت مهر، نوع استمتاع، زمان استمتاع، مقدار مهر (عوض و معوض) و غیر آنها توسط طرفین تعیین و بر آن تراضی شده باشد.

۸. «و لاجنح علیکم» اعلام می‌دارد که طرفین می‌توانند با تراضی ثانوی توافقات و تعیین‌های جدیدی داشته باشند.^۱

با توجه به این برداشت از آیه لزومی ندارد خود را به زحمت افکنیم تا اثبات کنیم آیه ازدواج موقت را می‌گوید یا ازدواج دائم را، آیه شامل هر دو می‌شود.

ممکن است گفته شود اما روایات زیادی هست که از آیه برای ازدواج موقت استفاده کرده است. می‌گوییم درست است، اما در هیچ‌یک آیه را محصور و منحصر به ازدواج موقت نکرده است. بنابراین در مورد ازدواج موقت (متعّه) می‌گوییم چون امکان و اقتضای آن هست و دلیلی بر منع آن نیست می‌توانیم با اتکا به اصل آزادی اراده در معاملات و اطلاق همین آیه بر مشروعیت وقوع آن در رابطه جنسی استدلال کنیم.

• نسخ آیه استمتاع

برخی از مخالفان مشروعیت عقد موقت از اهل سنت با اینکه قبول دارند این نوع ازدواج در صدر اسلام وجود داشته و آیه نیز بر آن دلالت دارد، قائل شده‌اند به اینکه آیه شریفه نسخ شده است. چنانکه فخر رازی در تفسیر کبیر می‌گوید: «ما منکر آن نیستیم که متعه روا بوده است چیزی که می‌گوییم این است که منسوخ شده است».^۲

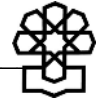
برخی ناسخ^۳ را آیه «ازدواج» در سوره مؤمنون^۴ دانسته‌اند «در حالی که آیه «متعّه» در سوره

۱. صاحب جواهر می‌گوید: يجوز لها و له ان يشترط عليها و عليه الاتيان ليلاً او نهاراً و ان يشترط المرة و المرات في الزمان المعين و غير ذلك من الشرايط الساعية التي هي غير منافية لمقتضى العقد، جواهر الكلام، ج ۳۰، ص ۱۸۶، و نیز بنگرید به مجمع البيان، ج ۳-۴، ص ۵۳.

۲. انا لا ننكر ان المتعة كانت مباحة و انما الذي نقوله انها صارت منسوخة، فخر رازی، التفسير الكبير، به نقل از صالح الورداني، زواج المتعة حلال في الكتاب و السنة، ص ۷۹.

۳. بنگرید به: خوبی، البيان، ص ۳۳۳ به بعد.

۴. یعنی آیه: الذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايماهم، سوره مؤمنون: ۲۳، آیات ۵ و ۶.



نساء است که در مدینه نازل شده و آیه «ازدواج» در سوره مؤمنون و معارج هر دو در مکه نازل شده‌اند و ممکن نیست که ناسخ بر منسوخ مقدم باشد»^۱.

برخی دیگر آیه ۱۲ سوره نساء را ناسخ می‌دانند که می‌گوید: «نصف میراث زنانان از آن شما است» حال آنکه در ازدواج موقت زن و مرد از یکدیگر ارث نمی‌برند^۲ و یا آیه یکم سوره طلاق را ناسخ می‌دانند که می‌گوید: «هنگامی زنانان را طلاق می‌دهید، به‌لحاظ عده طلاق دهید»^۳ و ازدواج موقت طلاق و عده هم ندارد.

سیدمرتضی در انتصار جواب داده است به اینکه: «توارث، طلاق و عده داخل در ذات و ماهیت زوجیت نیست که با فقدان آن زوجیت نیز باطل شود، بلکه امری ثانوی است که در وقوع یا عدم وقوع زوجیت دخالت ندارد، چنانکه با ارتداد و لعان نیز عقد نکاح منفسخ می‌شود و دیگر نیازی به طلاق نیست. زنی که شوهر خویش را کشته باشد و ایضاً زن ذمی از شوی خویش ارث نمی‌برد، چنانچه در طلاق قبل از مقاربت و طلاق زن یائسه نگهداری عده لازم نیست»^۴.

بنابراین هیچیک از آیاتی را که به‌عنوان ناسخ ذکر کرده‌اند، شرایط ناسخیت این آیه را ندارد. زیرا شرط اساسی نسخ این است که حکمی را بیان کند و بعد در آیه‌ای دیگر دقیقاً همان حکم را هدف قرار دهد و نسخ کند، حال آنکه بین آیه «فما استمتعتم...» و آیات دیگری که به‌عنوان ناسخ آن مطرح شده‌اند چنین نسبتی وجود ندارد.^۵

از برخی آیات دیگر نیز جواز ازدواج موقت استفاده شده است، از جمله آیه «مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا»^۶ رحمتی را که خداوند گشوده است، کسی نمی‌تواند آن را امساک کند».

از امام صادق (ع) نقل است که ذیل این آیه فرمود: «متعّه از این رحمت است»^۷. متعه را حلال کرده و کسی حق ندارد آن را تحریم کند. البته این کلام منافات ندارد با آنچه خواهیم گفت که متعه به صلاحدید حاکم ممکن است موقتاً برای عمومی یا بخشی از جامعه ممنوع شود و پس از رفع مشکل مجدداً به حال خود برگردد همچون دیگر حلال‌های الهی.

به هر حال ازدواج موقت در صدر اسلام هم وجود داشته و اخباری که بر منع و تحریم آن وارد

۱. الفکیکی، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، ص ۱۶۹.

۲. هادی، اسماعیل، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، ص ۲۱.

۳. الوردانی، زواج المتعة، ص ۸۰.

۴. هادی، اسماعیل، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، صص ۲۱-۲۲. بنگرید به: الانتصار، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۵. بنگرید به: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۷۴، الفکیکی، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، ص ۱۶۹.

۶. از آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (سوره مائده: ۵، آیه ۸۷) نیز بر حلیت شرعی ازدواج موقت استفاده شده است چنانکه عبدالله بن مسعود به این آیه در مقابل تحریم عمر استفاده کرد. بنگرید به: صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴، صحیح

مسلم، ج ۲، ص ۱۰۲۲، ح ۱۴۰۴.

۷. و المتعة من ذلك، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳۹.

شده یا اعتبار سندی ندارند یا معارض قوی دارند و یا بر نهی و منع موقت دلالت دارند پس اباحه ازدواج موقت به حال خود باقی است.

برخی از طریقی دیگر بر غیرشرعی بودن ازدواج موقت استدلال کرده و گفته‌اند: «ازدواج موقت باطل است چون مبتنی بر موقت بودن است حال آنکه ازدواج شرعی بر ابدی بودن (غیرموقت بودن) استوار است».^۱

در پاسخ گفته می‌شود اینکه ازدواج شرعی بنیاد بر ابدی بودن است، اول کلام است. ازدواج معامله‌ای بین دو انسان بالغ و عاقل و مختار برای بده - بستانی در حوزه سلطه خودشان است، حوزه‌ای که می‌توانند در آن تصمیماتی بگیرند مگر تصمیماتی که شارع آنها را منع کرده باشد و منع شارع بر تصمیم آنها به موقت بودن ازدواج از کجا معلوم شده است؟

بند دوم - ازدواج موقت در منابع روایی

الف) در منابع اهل سنت

در منابع روایی اهل سنت روایات بسیاری در رابطه با حلیت و حرمت متعه وارد شده که ذکر و بررسی سندی و دلالتی آنها مجال وسیعی می‌طلبد و این مختصر محل آن نیست، ولی از مجموع آنها استفاده می‌شود که: «متعّه در زمان پیامبر و خلیفه اول و بخشی از زمان خلیفه دوم بلکه تا آخر آن حلال بوده و پس از آن حرام شده است».^۲

به نظر می‌رسد قبل از ذکر پاره‌ای روایات لازم است دانسته شود چرا خلیفه دوم متعه را تحریم کرد؟ به نظر ابن حزم و باقوری «سبب تحریم خلیفه دوم آن بوده که مردم در امر متعه زیاده‌روی کردند»^۳ و او خواسته آنها را از زیاده‌روی باز دارد چنانکه از کلام طبری در دفاع از خلیفه دوم این‌گونه برمی‌آید که «پیامبر متعه را در زمان ضرورت روا دانست و مردم آن را توسعه دادند».^۴

و برخی دیگر گفته‌اند خلیفه دوم متعه‌ای را که شهودی بر آن گواهی نمی‌دادند و جامع شرایط نبود تحریم کرد.^۵ چنانکه از برخی روایات این‌گونه برمی‌آید. از جمله روایت جابر بن عبدالله که گفت: «ما در روزگار پیامبر و ابوبکر و عمر نکاح متعه داشتیم تا اینکه در اواخر خلافت عمر، عمرو بن حریث زنی را متعه کرد و آن زن حامله شد. جریان به اطلاع عمر رسید. آن زن را خواست و از او پرسید که آیا چنین شده؟ زن تأیید کرد. عمر گفت کسی گواه بود؟ عطا گفت نمی‌دانم آن زن گفت

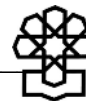
۱. ان هذا الزواج باطل لانه مبني على التاقيت و ان الزواج الشرعي مبني على التأييد، الورداني، زواج المتعة حلال، ص ۱۵۹.

۲. جعفر مرتضى العالمی، الزواج الموقت فی الاسلام، المتعة، ص ۶۹.

۳. همان، ص ۱۱۵، به نقل از ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹ باقوری، مع القرآن، ص ۱۷۴.

۴. همان، ص ۸۳، به نقل از طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۹، ابن ابی الحدید، شرح النهج، ج ۱۲، ص ۱۲۱، النجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۴۶.

۵. همان، ص ۱۱۵.



مادرم یا ولیش. عمر گفت چرا غیر از او شاهد دیگری نبوده و ترسید که مایه فساد شود.^۱ در هر صورت به نظر می‌رسد خلیفه دوم امری را که در زمان پیامبر (ص) و توسط آن حضرت و به دلالت قرآن حلال و روا شده بود تحریم کرد ولی نه به‌عنوان شارع بلکه چنانکه «علامه کاشف الغطا بیان کرده‌اند خلیفه از آن جهت به خود حق داد این موضوع را قدغن کند که تصور می‌کرد این مسئله داخل در حوزه اختیارات ولی امر مسلمین است [و] هر حاکم و ولی امری می‌تواند از اختیارات خود به حسب مقتضای عصر و زمان در این‌گونه امور استفاده کند. به عبارت دیگر نهی خلیفه نهی سیاسی بود نه نهی شرعی و قانونی».^۲

توجیه دیگری برای عمل عمر ذکر شده که می‌گوید: «این تحریم یعنی تحریم متعه مخصوصاً از آن باب صادر شده است که مسلمانان عصر او (عمر) به جهانگشایی مشغول بوده و اختلاط نسل را در کشورهای نوگشاده موجب می‌شوند این امر از نظر عمر ممکن بوده اشکالاتی را برای مسلمانان به وجود آورد».^۳

و اما روایت دال بر تحریم:

۱. از حضرت امیر (ع) نقل است که «پیامبر در جنگ خیبر از متعه و گوشت الاغ‌های اهلی نهی فرمود».^۴ این روایت بر فرض صحت دلالت بر نهی موقت دارد و خواهیم گفت که حاکم شرعی می‌تواند بنا به صلاحدید خود امور جایز (اعم از مباح و مستحب و مکروه) را موقتاً واجب یا حرام نماید.^۵
۲. روایت دیگر خبری است از ربیع بن سبره جهنی که پیامبر (ص) متعه را در حجة الوداع تحریم فرمود. ربیع از پدرش از جدش نقل کرده که گفت: «در سال فتح مکه زمانی که وارد مکه شدیم پیامبر ما را به متعه دستور فرمود، سپس خارج نشده بودیم که ما را نهی کردند».^۶ این روایت نیز بر فرض صحت سند بر نهی موقت دلالت دارد و دلالت آن بر اینکه متعه از اموری است که حاکمیت جامعه می‌تواند در آن وارد شود و به اقتضای زمان آن را ممنوع سازد و در زمانی که لازم دید ممنوعیت آن را بردارد، روشن است.

۱. عن عطاء عن جابر: استمعتنا علی عهد رسول الله و ابی بکر و عمر حتی اذا کان فی آخر خلافة عمر استمتع عمرو بن حریث بامرأة - سماها جابر فنسيتها - فحملت المرأة، فبلغ ذلك عمر، فدعاها، فسألها، فقالت نعم، قال من اشهد؟ قال عطاء: لا ادري قالت: امی، ام ولیها، قال فهلا غیرها، خشی ان یکون دغلاً... همان، به نقل از مصنف عبدالرزاق، ج ۷، ص ۴۹۶ - ۴۹۷.

۲. مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام، ص ۶۰.

۳. قائمی، علی، تشکیل خانواده در اسلام، ص ۲۹۶. وجه دیگری برای این رفتار وی در ص ۴۷ خواهد آمد.

۴. ان علیاً رضی الله عنه قال لابن عباس: ان التبی نهی عن المتعة و عن لحوم الحمر الاهلیة زمن خیبر، صحیح بخاری ۳، ص ۳۴۵، ج ۵۱۲، صحیح مسلم، ج ۹، ص ۱۸۹.

۵. بنگرید به الفکیکی، توفیق، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، ص ۱۳۰.

۶. امرنا رسول الله بالمتعة عام الفتح حین دخلنا مکه، ثم لم نخرج منها حتی نهانا عنها، صحیح سلم، ج ۹، ص ۱۸۶، و نیز بنگرید به الفکیکی، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، ص ۱۳۰.

۳. روایت دیگر از سلمه بن اکوع است که گفت: «پیامبر (ص) در سال جنگ اوطاس (حنین) سه بار اجازه متعه دادند و سپس از آن نهی کردند».^۱ این روایت نیز با قطع نظر از صحت و سقم سندش در آنچه گفتیم ظهور دارد.

بنابراین هیچ‌یک از این روایات بر منع و تحریم ابدی متعه دلالت ندارند و کسی چنین چیزی از پیامبر (ص) سراغ ندارد جز روایت ربیع بن سبره از پدرش که گفت: «در حجة الوداع از عزوبت (تجرد و دور بودن از همسر) به پیامبر شکایت بردیم آن حضرت فرمود: این زنان را متعه کنید، من با زنی ازدواج کردم، فردا نزد پیامبر آمدم و آن حضرت میان رکن و درب کعبه ایستاده بود و می‌فرمود: من به شما اجازه متعه دادم ولی آگاه باشید که خداوند آن را تا روز قیامت حرام ساخت».^۲ ولی این خبر هم از حیث سند مخدوش است هم از حیث متن^۳ و نیز با اخبار دیگر معارض است.^۴

۴. روایت دیگر از جابر بن عبدالله و سلمه بن اکوع نقل شده که گفتند: «ما در لشکری بودیم فرستاده پیامبر نزد ما آمد و گفت: اجازه دارید متعه کنید. ... و سلمه بن اکوع از پدرش از رسول‌الله نقل کرده که فرمود: هر مرد و زنی با هم توافق کنند، سه شب^۵ معاشرت داشته باشند پس اگر دوست داشتند بر آن بیافزایند یا جدا شوند (مانعی نیست) اما نمی‌دانم که این اجازه فقط به ما (که جزء لشکریان بودیم) داده شد یا به همه مردم».^۶

۵. روایت دیگر از ابن مسعود است که گفت: «با پیامبر در جنگ بودیم و زنان با ما نبودند (تحت فشار جنسی بودیم و می‌دانستیم که زنا و تعدی جنسی نیز روا نیست پس نزد حضرت آمدیم) و گفتیم اجازه می‌دهید خود را خصی کنیم؟ حضرت از این کار نهی کردند و اجازه دادند با زنان در مقابل پیراهنی ازدواج موقت کنیم».^۷

این روایت با تفاوت‌هایی در منابع شیعی نیز آمده که به پیامبر عرض کردیم «ای رسول خدا آیا با

۱. رخص رسول‌الله عام اوطاس فی المتعة ثلاثاً ثم نهی عنها، همان، ص ۱۸۴.

۲. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۶، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۳، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۵، ۴۵۷۳۹.

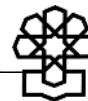
۳. چگونه ممکن است پیامبری که جز بر وحی سخن نمی‌گوید امروز عملی را حلال اعلام کند و فردا بگوید خداوند آن را تا روز قیامت حرام کرده است؟

۴. همان.

۵. در وسائل الشیعه نقل شده است که سلمه بن اکوع گفت: قال رسول‌الله ای رجل تمتع بامرأة ما بینهما ثلاثة ایام فان احبا ان یزادا ازداد و ان احبا ان یتارکا تارکا، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۱.

۶. کنا فی جیش فأتانا رسول‌الله فقال: انه قد اذن لكم ان تستمتعوا فاستمتعوا و قال ابن ابی ذئب حدثنی ایاس بن سلمة الاکوع عن ابیه عن رسول‌الله ایما رجل و امرأة توافقا فعشرة ما بینهما ثلاث لیل، فان احبا ان یتزایدا او یتتارکا، فما ادری أشیء کان لنا خاصة ام للناس عامة، بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۴۷۹۵ ح ۳۴۵.

۷. عن عبدالله بن مسعود قال: کنا نعزو مع رسول‌الله (ص) لیس لنا نساء، فقلنا: یا رسول‌الله الانستخصی؟ فنهانا عن ذلك! ثم رخص لنا ان ننکح المرأة بالنوب الی اجل. ثم قرأ عبدالله (یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لكم و لاتعتدوا ان الله لایحب المعتدین) «(سوره مائده، ۵، آیه ۸۷) صحیح بخاری، ج ۷، ص ۴، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۲۲، ح ۱۴۰۴.



اجر (پرداخت مال) ازدواج نکنیم؟ فرمودند می‌توانید با اعطای مالی مانند پیراهن زنی را تزویج کنید»^۱.
مشاهده می‌شود که همه روایات مربوط به ضرورت متعه در زمان جنگ و لشکرکشی است
چون در زمان جنگ نمی‌شود گفت با ریاضت و روزه گرفتن نیاز و غلیان جنسی را کنترل کنید که
موجب ضعف و ناپایداری آنها در جنگ می‌شد.

به هر حال یکی از شرایط مجوز ازدواج موقت جنگ است و شاید برخی روایات در منابع
شیعی که ازدواج موقت با اهل کتاب را جایز شمرده ناظر به جنگ باشند، بلکه از اینجا می‌توان به
این معنا منتقل شد که اگر در جنگی ضرورت اقتضا کند، می‌توان متعه زنان غیر اهل کتاب را نیز
موقتاً تجویز کرد.

ب) در منابع شیعه

و اما در منابع شیعه روایات بسیاری دال بر حلیت متعه وجود دارد مانند:

۱. روایت اسحاق بن عمار از ابی‌ساره که گفت: «از امام صادق (ع) درباره متعه پرسیدم فرمود
حلال است»^۲.

۲. ابوبصیر می‌گوید: «از امام صادق درباره متعه پرسیدم فرمود: در قرآن نازل شده است: فَمَا
اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...»^۳.

لکن این حلال توسط خلیفه دوم حرام شد و بعد این‌گونه تلقی شد که حرام ابدی است و ائمه
اطهار (ع) برای مقابله با این وضع نامیمون، شیعیان را تشویق می‌کردند که سنت پیامبر (ص) را
اقامه و احیا کنند چنانکه محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می‌کند که «آن حضرت از من پرسید
متعه گرفته‌ای؟ عرض کردم خیر، فرمود: از دنیا نمی‌روی مگر اینکه این سنت را احیا می‌کنی»^۴.

گاه در برخی شرایط مانند شرایطی که برای امام رضا (ع) فراهم آمد که دیدگاه‌های شیعه را
ترویج نماید، شیعیان آنقدر در امر ازدواج موقت افراط کردند یعنی در غیر مواقع ضروری و بدون
رعایت پیامدهای آن اقدام می‌کردند که حضرت احساس خوف کردند به مفسدگی در زندگی
شخصی یا اجتماعی دچار شوند از این‌رو شیعیان را به رعایت جانب حزم و احتیاط در ازدواج
موقت دستور فرمودند چنانکه در چند روایت منقول از ایشان این معنا انعکاس یافته است چنانکه
نقل است که آن حضرت به برخی از یارانش فرمود: «بر متعه حریص مباشید، چیزی که بر شما
است این است که این سنت را زنده نگهدارید، پس با پرداختن به متعه از همسرانتان دور مباشید که

۱. عن عبدالله بن مسعود قال: كنا نغزو مع رسول الله (ص) ليس معنا نساء، فقلنا: يا رسول الله الا نستحصن هنا باجر؟ فامرنا ان نكح المرأة بالتوب، وسائل
الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۴.

۲. سألت ابا عبدالله (ع) عنها يعني المتعة، فقال لي حلال، وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۳۸.

۳. همان، ص ۴۳۶.

۴. عن محمد بن مسلم عن ابي عبدالله (ع) قال: قال لي: تمتعت؟ قلت لا! قال: لا تخرج من الدنيا حتى تحيي السنة، همان، ص ۴۴۳.

کافر می‌شوند و از آن بی‌زاری می‌جویند و علیه دستوردهنده به آن دعا و ما را لعن می‌کنند».^۱

• نتیجه بحث

با توجه به مباحث گذشته شکی نیست که از نظر قرآن و سنت، ازدواج موقت امری مشروع و حتی مستحب^۲ است و فقیهان شیعه اعم از اخباری و اصولی به استناد آیات و روایاتی که بخشی از آنها ذکر شد ازدواج موقت را پذیرفته‌اند. نظر برخی از آنان را ذکر می‌کنیم.

۱. سیدمرتضی در انتصار می‌گوید: «از جمله مسائلی که سبب حمله به شیعیان دوازده امامی شده و گفته شده که از منفردات آنهاست در حالی که چنین نیست، اباحه ازدواج متعه یا ازدواج موقت است که پیشتر بسیاری قائل به اباحه آن بوده‌اند از جمله امام علی (ع)، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، مجاهد و عطاء...».^۳

۲. شیخ طوسی در نهاییه می‌گوید: «ازدواج متعه در شریعت اسلام مباح است».^۴

۳. محقق حلی می‌گوید: «ازدواج منقطع، در دین اسلام جایز است، چون شرعی بودن آن محقق است و دلیلی بر رفع و نسخ و زوال آن وجود ندارد».^۵

۴. شهید اول و ثانی در لمعه و شرح آن می‌گویند: «اختلافی در شرعی بودن ازدواج متعه که همان ازدواج منقطع است، از نظر شیعیان دوازده امامی تاکنون نیست».^۶

خلاصه اینکه ازدواج موقت از دید فقه شیعه عقدی است مشروع که با مقررات خاص خود به منظور پاسخ به نیاز بشر و اصلاح جامعه از انحراف جنسی ساماندهی شده است. لکن همچون بسیاری دیگر از امور جایز ممکن است در شرایط خاص اجتماعی به صلاحدید حاکم شرع به طور موقت ممنوع شود یا برای بخشی از افراد با شرایطی ممنوع و برای بخشی با شرایطی جایز باشد.

گفتار سوم - مقررات ازدواج موقت

ازدواج موقت نیز همچون دیگر نهادهای شرعی حدود و مقرراتی دارد که طالب آن باید آنها را بدانند.^۷

۱. کتب ابوالحسن (ع) الی بعض موالیه لاتلحوا علی المتعة انما علیکم اقامة السنة فلا تشتغلوا بها عن فرشکم و حرائرکم فیکفرن و یتیرین و یدعین علی الامر بذلک و یلعنونا، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۰. و نیز بنگرید به دیگر روایات باب پنجم از ابواب متعه در وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۹.

۲. صاحب وسائل الشیعه ۱۴ روایت را تحت عنوان استحباب ازدواج موقت جمع‌آوری کرده است، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۲.

۳. و مما شنع به علی الامامیة و ادعی تفردها به و لیس الامر کذلک اباحه نکاح المتعة و هو النکاح المؤجل، و قد سبق الی القول باباحه ذلک جماعه معروفه الاقوال، منهم امیر المومنین (ع) و عبدالله بن عباس رحمۃ الله علیه و عبدالله بن مسعود و مجاهد و عطاء، الانتصار، ص ۱۰۹.

۴. نکاح المتعة مباح فی شریعة الاسلام و هو ... عقد الرجل علی امرأة مدة معلومة بمهر معلوم، طوسی، النهایه، ص ۴۸۹.

۵. النکاح المقطع و هو سائغ فی دین السلام، لتحقق شرعیته و عدم ما بدل علی رفعه، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۰۲.

۶. نکاح المتعة و هو النکاح المنقطع، و لاختلاف بین الامامیة فی شرعیته مستمراً الی الآن، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۳، ص ۲۳۵.

۷. سألت ابا عبدالله (ع) عن المتعة، قال: نعم اذا كانت عارفة، کافی، ج ۵، ص ۴۵۴.



این مقررات در فقه و قوانین اشاره می‌شود.

برخی از مقررات ازدواج موقت در فقه عبارتند از اینکه به رضایت و اختیار طرفین باشد، مدت و مهر در آن معین باشد. همچنین با هرکس نمی‌توان ازدواج موقت داشت مثلاً مرد کافر نباشد و زن مشهور به زنا نباشد چنانکه از برخی روایات استفاده می‌شود.^۱ در ازدواج موقت طلاق نیست و عقد با تمام شدن مدت یا بذل آن ازسوی شوهر تمام می‌شود. ازدواج موقت همچون دیگر عقود لازم، می‌تواند ظرفی باشد برای شرایطی خاص که ازسوی طرفین برعهده همدیگر گذاشته می‌شود مانند شرط نفقه، ارث، همخوابگی، فرزند و عدم آنها.

مبحث اول - در فقه

مقررات ازدواج موقت را از شرایع که تقریباً کامل است نقل می‌کنیم:

مرحوم محقق حلی می‌گوید: «ازدواج موقت، در دین اسلام جایز است زیرا مشروعیت آن ثابت شده و دلیلی آن را از بین نبرده است». وی پس از آن در مورد شرایط زن می‌گوید: «زن مسلمان باشد اما ازدواج موقت با زن اهل کتاب مثل یهودی و نصرانی هم جایز است و با زن زرتشتی نیز بنابر روایت مشهورتر». ایشان سپس صیغه‌هایی که ازدواج موقت با آنها منعقد می‌گردد را بیان کرده و بعد از آن به مهر و مدت عقد اشاره می‌کند و می‌گوید: «مهر به‌ویژه در عقد متعه شرط است به‌گونه‌ای که با نبود آن عقد باطل است» و در مورد مدت می‌گوید: «مدت نیز در عقد متعه شرط است و اگر آن را ذکر نکنند، عقد دائم خواهد بود». وی سرانجام به احکام ازدواج موقت، پرداخته و هشت حکم را بیان می‌کند که تنها به چهار حکم آن اشاره می‌کنیم. ایشان می‌فرماید: «حکم چهارم: اینکه جایز است شرط کنند فقط شب یا روز در کنار هم باشند یا یک بار یا چند بار در یک زمان معین آمیزش داشته باشند...»

حکم ششم: اینکه در این قسم ازدواج طلاق نیست و با انقضای مدت، از هم جدا می‌شوند و در آن ایلاء و لعان هم ظاهراً نیست ...

حکم هفتم: اینکه با این عقد زوجین از همدیگر ارث نمی‌برند خواه عدم توارث را شرط کنند یا

یا سخن دیگر امام رضا (ع) که فرمود: «متعه برای کسی که نسبت به آن شناخت دارد حلال و برای کسی که آن را نمی‌شناسد، حرام است: قَالَ الرَّضَا (ع): الْمُتَعَةُ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِمَنْ عَرَفَهَا وَ هِيَ حَرَامٌ عَلَى مَنْ جَهَلَهَا». وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۸.

۱. سألت ابا عبدالله (ع) عن المتعة، قال: نعم اذا كانت عارفة، و اياكم و الكواشف و الدواعی و البغایا و ذوات الازواج. قلت: ما الكواشف؟ قال: اللواتی يكاشفن و بيوتهن معلومة و يؤتین. قلت: فالدواعی؟ قال: اللواتی يدعون الی انفسهن و قد عرفن بالفساد. قلت: فالبغایا؟ قال: المعروفات بالزنا. قلت: ذوات الازواج؟ قال: المطلقات علی غیر السنة: از امام صادق (ع) درباره متعه پرسیدم، فرمود: بلی اگر ماهیت متعه را بشناسد، و از زنان کواشف و دواعی و بغایا و ذوات ازواج یرهیز کنید! ، گفتم: مراد از کواشف چیست؟ فرمود: زانی که شناخته شده‌اند و آدرس خانه‌های‌شان معلوم است و افراد به سراغ‌شان می‌آیند. گفتم: مراد از دواعی چیست؟ فرمود: زانی که مردان را به‌سوی خود دعوت می‌کنند و معلوم است که اهل فساد هستند. گفتم: مراد از بغایا چیست؟ فرمود: آنان که به زناکاری شناخته شده‌اند، گفتم: مراد از ذوات ازواج چیست؟ فرمود: زنان مطلقه‌ای که طلاق‌شان اشکال شرعی دارد؛ چون در واقع شوهردار هستند. کافی، ج ۵، ص ۴۵۴.

نکنند. اما اگر شرط کردند که از هم ارث ببرند یا یکی این شرط را کرد دو قول است: یک قول ارث را لازم می‌داند چون عمل به شرط را واجب می‌داند و قول دوم این است که ارث لازم نخواهد شد و قول اول مشهورتر است.

حکم هشتم: پس از انقضای مدت در صورتی که همبستر شده باشند، زوجه باید به اندازه دو حیض عده نگه دارد و نقل شده یک حیض ولی روایت از نظر ما متروک است (و در صورت عدم همبستری عده ندارد) و در صورتی که شوهر در مدت عقد فوت کند زن باید عده وفات نگه دارد گرچه همبستر نشده باشند و عده وفات چهار ماه و ده روز برای غیر حامل است و برای حامل نیز چهار ماه و ده روز یا زمان تولد فرزند است هرکدام که بیشتر باشد.^۱

مبحث دوم - در قوانین

در قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ نیز به تبع فقه در مورد نکاح منقطع می‌گوید: «ماده (۱۰۷۵) نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.

- ماده (۱۰۷۶) مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.

- ماده (۱۰۷۷) در نکاح منقطع احکام راجع به وراثت زن و مهر او همان است که در باب ارث مقرر شده است.

- ماده (۱۰۹۵) در نکاح منقطع عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است.

- ماده (۱۰۹۶) در نکاح منقطع، موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی‌شود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

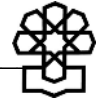
- ماده (۱۰۹۷) در نکاح منقطع، هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

- ماده (۱۰۹۸) در صورتی که عقد نکاح، اعم از دائم یا منقطع، باطل و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر می‌تواند آن را استرداد نماید.

- ماده (۱۱۱۳) در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

۱. النکاح المنقطع و هو سائغ فی دین الاسلام؛ لتحقق شرعیتة و عدم ما یدل علی رفعه... فیشرط أن تكون الزوجة مسلمة او الکتائبة کالیهودية و النصرانية و المجوسية علی اشهر الروایتین... و اما المهر فهو شرط فی عقد المتعة خاصة بیطل بفواته العقد... و اما الاجل فهو شرط فی عقد المتعة ولو لم یذکره انعقد دائماً... و اما احکامه فثمانية... الرابع: یجوز ان یشرط علیها الاتیان لیلاً او نهاراً و ان یشرط المرة و المرآت فی الزمان المعین... السادس: لا یقع بها طلاق و تبین بانقضاء المدة و لا یقع بها ایلاء و لالغان علی الاظهر... السابع: لا ینبئ بهذا العقد میراث بین الزوجین شرطاً سقوطه او اطلاقاً و لو شرطاً التوراث او شرط احدهما قیل: یلزم عملاً بالشرط و قیل: لا یلزم... و الاول اشهر.

الثامن: اذا انقضی اجلها بعد الدخول فعدتها حیضتان و روى حیضة و هو متروک... و تعدد من الوفاة و لو لم یدخل بها باربعة اشهر و عشرة ایام ان كانت حائلاً و با بعد الاجلین ان كانت حاملاً علی الاصح. شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۰۲ تا ۳۰۷.



- ماده (۱۱۵۲) عده ... در مورد نکاح منقطع در غیر حمل دو طهر است، مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است.

- ماده (۱۱۵۳) عده ... در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

- ماده (۱۱۵۴) عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر اینکه فاصله بین فوت و وضع حمل چهار ماه و ده روز بیشتر نباشد و الا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.^۱

در همین قانون در ماده (۱۰۵۸) در مورد نکاح می‌گوید: «نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست». این حکم در نکاح موقت هم جاری است.

اینها احکام اصلی ازدواج موقت در فقه و قانون است ولی سه مسئله ولایت پدر در ازدواج موقت و انعقاد آن به معاطات و عده به لحاظ اهمیت به طور مستقل مورد بحث قرار می‌گیرند.

بند اول - ولایت بر عقد

منظور از ولایت بر عقد این است که آیا زن در ازدواج موقت خود به طور مستقل اختیاردار عقد است یا ولایت او منوط به اذن پدر یا جد است؟^۲ یا در شرایطی استقلال دارد و در شرایطی اذن ولی او لازم است.

اگر مجوز ازدواج موقت آیه شریفه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ ...»^۳ باشد، از همین آیه استفاده می‌شود که اختیار عقد در ازدواج استمتاعی با هریک از طرفین است؛ چون آیه استمتاع مرد از زن و زن از مرد را به طور مطلق روا دانسته و دخالت دیگری را مطرح نکرده است پس این عقد نیز پس از احراز شرایط عام مانند بلوغ و عقل به رضایت و اختیار طرفین است. همچنین اطلاق آیه شامل زنان باکره نیز می‌شود.

از برخی آیات دیگر هم سلطه زن بالغ و عاقل بر خودش در انعقاد عقد ازدواج استفاده می‌شود، چنانکه می‌فرماید: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛^۴ پس در آنچه [زنان] به طور پسندیده درباره خود انجام دهند گناهی بر شما نیست» که شامل زنان باکره هم می‌شود.^۵

از حسنه فضلا یعنی یسار، محمدبن مسلم، زراره و برید از امام باقر (ع) که فرمود: «زنی که بر خودش ولایت دارد، نه زن سفیه و مولی علیه (یعنی نابالغ یا بالغ جنسی که هنوز به رشد و بلوغ عقلی و

۱. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی.

۲. بنگرید به: نظام حقوق زن در اسلام، ص ۷۱، مسالک الافهام، ج ۷، ص ۱۱۶.

۳. سوره نسا: آیه ۴.

۴. سوره بقره: ۲، آیه ۲۴۰.

۵. بنگرید به: مسالک الافهام، ج ۷، ص ۱۲۲.

معاملی نرسیده است) ازدواج وی بدون (اذن و نظر) ولی جایز است.^۱ نیز این معنا استفاده می‌شود. و از صحیحہ منصور بن حازم از امام باقر (ع) که فرمود: «از زن باکره و غیر او در امر ازدواج نظرخواهی می‌شود و بدون امر و اجازه‌اش به ازدواج دیگری در نمی‌آید»؛^۲ چرا که اگر او بر خودش ولایت نمی‌داشت نظرخواهی از او معنا نداشت و تزویج او به دیگری بدون امضا و رضایت او نافذ نیست.^۳

همچنین از روایت ابن عباس از پیامبر (ص) که فرمود: «ایم یعنی کسی که همسر ندارد خواه زن یا مرد در ولایت بر خود از ویش، سزاوارتر است و از زن باکره در مورد ازدواجش با دیگری اجازه گرفته می‌شود و سکوت او اجازه اوست».^۴

جوهری می‌گوید: «ایامی کسانی هستند که همسر ندارند زن باشد یا مرد و زن «ایم» ممکن است باکره باشد یا بیوه».^۵

همچنین ابن عباس نقل می‌کند: «دختری نزد پیامبر (ص) آمد و گفت پدرم مرا به ازدواج پسر برادرش در آورده تا فرومایگیش را بر طرف کند و من او را دوست ندارم. پیامبر (ص) فرمود: کار پدرت را صحه بگذار. دختر گفت: به کار پدرم رضایت ندارم. فرمود: پس برو و با هرکس که می‌خواهی ازدواج کن. دختر گفت: من به کسی غیر از پسر عمویم تمایل ندارم، ولی خواستم به زن‌ها اعلام کنم که پدران در امور دخترانشان مطلق العنان نیستند».^۶ البته دو اخیر روایت عامی هستند.

ممکن است گفته شود از دلایل دیگر استفاده می‌شود که زن گرچه بالغ و عاقل، بر خودش ولایت ندارد! می‌گوییم اگر چنین دلیلی وجود داشته باشد بدان ملتزم هستیم اما دلیلی در دست نیست. غایت چیزی که از برخی ادله استفاده می‌شود وجوب جلب رضایت ولی و عدم استقلال دختر باکره غیررشیده است و در این فرض اگر دختر باکره غیررشیده معصیت کرد و با وجود مخالفت ولی ازدواج کرد، این پرسش مطرح است که آیا ازدواج او نافذ است یا خیر؟^۷

۱. حسنة فضلاء (یسار، محمدبن مسلم، زرارۃ و برید) عن الباقر (ع): قال المرأة التي ملكت نفسها غير السفينة و لالمولى عليها، ان تزويجها بغير ولي جائز، همان، ص ۲۰۱.

۲. صحیحة منصور بن حازم عن الباقر (ع) قال: تستأمر البكر و غيرها و لاتنكح الا بامرها، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۳.

۳. بلی چند روایت هست که از آنها استفاده می‌شود پدر می‌تواند دختر نابالغ خود را به عقد دیگری در آورد مانند صحیحة محمدبن اسماعیل بن یزید، که در جای خود قابل بحث هستند، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۰۷.

۴. الایم احق بنفسها من ولیها و البكر تستأذن فی نفسها و اذنها صماتها، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۲۷، ح ۱۴۲۱، سنن الدارمی، ج ۲، ص ۱۳۸، به نقل از مسالک الافهام، ج ۷، ص ۱۲۲.

۵. الایامی الذین لازواج لهم من الرجال و النساء و امرأة ايم بکراً کانت او نبیاً، جوهری، الصحاح، ماده «ایم».

۶. ان جاریة بکراً جاءت الی النبی (ص) فقالت: ان ابی زوجنی من ابن اخ له لیرفع خسیسته و انا له کارهه، فقال (ص): أجزی ما صنع ابوک، فقالت: لارغبة لی فیما صنع ابی، قال: فاذهی فانحکی من شئت، فقالت: لارغبة لی فی غیر ما صنع ابی و لکن اردت ان اعلم النساء ان لیس لالباء فی امور بناتهم شیء، البیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.

۷. بنابراین که نهی در معامله موجب فساد است عقد نافذ نیست، وطی به شبهه صورت گرفته و مهر المسمی یا مهر المثل ثابت است.



اما چه زمانی زن مالک عقد خویش است؟ از آیه شریفه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...»^۱ استفاده می‌شود که با رسیدن به بلوغ و رشد معاملی عقد او بدون اذن ولی صحت دارد، چون در این معامله علاوه بر مدت و نوع استمتاع، مهر نیز باید روشن باشد و تعیین مهریه، به رشد و بلوغ مربوط است و سن رشد و بلوغ معاملی قطعاً بالاتر از سن بلوغ جنسی است چنانکه از آیه شریفه: «فَإِنْ أَنْسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۲ بر می‌آید.

چه زمانی زن به رشد و بلوغ معاملی می‌رسد؟ به حسب واقع این سن در جنس مؤنث بالاتر از جنس مذکر است، پس اگر سن بلوغ معاملی در مذکر حدود ۱۸ سال باشد، این سن در دختران کمتر از ۲۰ سال نیست، اما در هر حال ملاک، ایناس رشد معاملی است به این معنا که اگر به سن ۲۰ سال هم برسد ولی ایناس رشد نشده باشد، نمی‌توان به او این اجازه را داد، اما در وضع قانون، سن اکثریت قریب به اتفاق باید لحاظ شود. آمار نشان می‌دهد در ۲۵ سالگی اکثریت دختران به سن معاملی رسیده‌اند.

نتیجه اینکه زن زمانی که زن به بلوغ معاملی رسید، مالکیت هر نوع عقد معاملی از جمله ازدواج موقت خود را دارد. حتی اگر در ازدواج موقت شرط عدم دخول هم نشده باشد و باکره بودن وی ربطی به ولایت بر خودش ندارد چنانکه صاحب جواهر هم می‌گوید: «ضروری است که ولایت پدر و جد پدری بر دختر به خاطر صغارت و کودک بودن اوست نه بکارتش»^۳. یعنی بکارت ربطی به ولایت پدر و جد پدری ندارد و چند روایت نیز مؤید این معنا است، از جمله روایت سعدبن مسلم از مردی از امام صادق (ع) که فرمود: «هر گاه دوشیزه راضی باشد مانعی به ازدواج او بدون اذن پدرش نیست»^۴ و لفظ ازدواج شامل ازدواج دائم و منقطع هر دو می‌شود^۵ و روایت ۳ و ۴ باب ۱۱ از ابواب متعه در وسائل الشیعه.^۶

لکن چند روایت هم برخلاف این معنا هست، از جمله روایت ابی‌نصر بزنی از امام رضا (ع) که فرمود: «بکر ازدواج متعه نمی‌کند مگر با اذن پدرش»^۷ که اطلاق دارد و شامل بکر در هر سنی می‌شود و فرق نمی‌کند که شرط عدم دخول شده یا نشده باشد.

۱. سوره نساء: آیه ۴.

۲. سوره نساء: آیه ۶.

۳. ضرورت کون المراد فی ولایتها علیها صغرها لابکارتها. جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۷۲.

۴. سعدبن مسلم عن رجل عن الصادق (ع) قال: لأبأس بتزویج البکر إذا رضیت من غیر إذن ابویها، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۹.

۵. کرکی، جامع المقاصد، فی شرح القواعد، ج ۱۳، ص ۱۸.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۸.

۷. ابی‌نصر بزنی، عن الرضا (ع) قال: البکر لاتتزوج متعة الا بإذن ابیها، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۸، ح ۵، باب ۱۱ از ابواب متعه، ح ۱۱ و ۱۲، نیز همین مضمون را دارد.

اما با وجود دلالت آیات اگر قائل به تساقط روایات نشدیم دسته اول را بر باکره رشید و دسته دوم را بر باکره غیررشید، حمل می‌کنیم که «الجمع مهما امکن اولی من الطرح».

عقل نیز از پذیرش ولایت بر دختر باکره رشید به‌طور مطلق ابا دارد چرا که دختر باکره، بالغ و رشیدی را که مصالح خود را می‌داند بر خودش مسلط می‌داند به‌ویژه اگر سن او بالا رفته و پدرش اجازه نمی‌دهد، در حالی که پدر هم از نظر رشد در حد او نیست. بلی همین عقل به جبران نقص دختر غیررشید با جلب رضایت ولی نیز حکم می‌کند.

در چند روایت دیگر ازدواج موقت دختر باکره بدون اذن والدین را مقید کرده به اینکه بکارت وی برداشته نشود، یعنی دخول صورت نگیرد. مانند روایت سعید قماط «از فردی که از امام صادق (ع) درباره دختر باکره‌ای پرسیده که والدین او نیز زنده هستند و درخواست ازدواج پنهانی با او را دارد آیا این امر جایز است؟ فرمود: بلی، ولی از فرج دوری کن، عرض کردم اگرچه راضی باشد، فرمود: گرچه راضی باشد، چون این امر بر باکره عار است».^۱

در این روایت عیب و عار را متوجه خود زن کرده و در برخی عیب را متوجه اهلش^۲ دانسته است، اما این روایت با برخی روایات دیگر مانند روایات ۳ و ۴ همان باب معارض است که می‌گوید اگر راضی شود مانعی ندارد.^۳ یا مطلقاً مانعی ندارد.^۴

جمع روایات می‌تواند این باشد که دختر باکره رشیده بر خودش ولایت دارد و عقدش نافذ است، اما به جهت اینکه عیب و عاری متوجه او و اهلش نشود بهتر است با رضایت آنها باشد. حاصل کلام اینکه زن باکره رشید می‌تواند بدون اذن ولی، خود را به عقد دیگری در آورد، چنانکه برخی از اصحاب نیز به این معنا فتوا داده‌اند. از جمله شیخ مفید که اصولاً اذن پدر را لازم نمی‌داند و می‌گوید: «اگر زن باکره بدون اذن پدرش ازدواج کند عقد او نافذ است گرچه برخلاف سنت عمل کرده است».^۵

محقق حلی که می‌گوید: «زن بالغ و رشید اعم از باکره یا بیوه - بنابر اشهر - حق دارد خود را

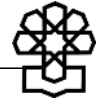
۱. همان.

۲. سمعت ابا عبدالله (ع) يقول: لا بأس أن يتمتع البكر مالم يفيض اليها كراهية العيب على اهلها، وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۴۵۷.

۳. اسحاق بن عمار عن ابي عبدالله (ع) قال قلت له: رجل تزوج بجارية عاتق على أن لا يقتضها، ثم أذنت له بعد ذلك، قال: إذا أذنت له فلا بأس، همان، ص ۴۵۸. تزویج در این روایت اطلاق دارد و شامل ازدواج دائم و موقت هر دو می‌شود اما برخی از فقیهان بر این اساس که شرط عدم دخول در ازدواج دائم خلاف مقتضای عقد است روایت را مربوط به ازدواج موقت دانسته‌اند، بنگرید به: مسالک الافهام، ج ۸، ص ۲۴۸.

۴. عن ابي عبدالله (ع) قال: سئلته عن التمتع بالابكار، فقال: هل جعل ذلك الا لهن؟ فليسترن وليستغفن، وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۴۵۸.

۵. المرأة اذا كانت كاملة العقل، سديدة الرأى كانت اولی بنفسها فى العقد على نفسها ... غير أنها اذا كانت بكراً و لها أب او جد لأب فمن السنة أن يتولى العقد عليها أبوها او جدها لأبيها إن لم يكن لها أب ... و لو عقدت على نفسها بغير اذن ابيها كان العقد ماضياً و ان اخطأت السنة فى ذلك، مفيد، احكام النساء، ص ۳۶.



به متعه مردی در آورد و در این امر برای ولی او حق اعتراض نیست»^۱.
 علامه می‌گوید: «اجازه نگرفتن از پدر دوشیزه [در عقد وی] کراهت دارد»^۲.
 محقق کرکی در شرح عبارت علامه می‌گوید: «متعه با دوشیزه بالغ و رشید که پدر دارد بدون اجازه پدر کراهت دارد». وی سپس نظر چند تن از مخالفان را بیان کرده و می‌گوید: «صحیح‌تر همان نظر علامه است چون آن دختر بالغ است و می‌تواند ازدواج دائم کند پس ازدواج منقطع هم می‌تواند»^۳.
 ولی فقیهان معاصر نوعاً اجازه نداده‌اند، مرحوم امام خمینی (ره) می‌گوید: «دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد»^۴.
 آیات عظام خوبی، اراکی، منتظری، گلپایگانی، اجازه پدر را بنا بر احتیاط واجب لازم می‌دانند.^۵
 احتیاط این بزرگواران حاکی از آن است که دلالت ادله نقلی برای آنها تمام نبوده است. به عقیده ما این احتیاط در فاصله زمانی بلوغ جنسی و رشد و بلوغ معاملی بجا است.
 به هر حال از آنجا که ازدواج به‌ویژه ازدواج موقت می‌تواند تأثیر اساسی در سرنوشت زن و خانواده او داشته باشد، بر دختر بالغ و رشید نیز لازم است احتیاط کند و با توجه به اینکه تعیین مهر و شرایط دیگر در اختیار اوست به‌گونه‌ای عمل کند که مصالحش رعایت شود و ازسوی دیگر

۱. للبالغه الرشیده ان تمتع نفسها و لیس لولیها اعتراض بکراً کانت او ثیباً علی الاشهر، (شرايع الاسلام، ج ۳، ص ۳۰۶ و جواهر ج ۳۰، ص ۱۸۶) صاحب شرايع در جای دیگر می‌گوید: و هل تثبت ولايتهما علی البکر الرشیده؟ فیه روایات اظهرا سقوط الولاية عنها و ثبوت الولاية لنفسها فی الدائم و المنقطع و لو زوجها احدهما لم يمض عقده الا برضاها، شرايع الاسلام، ج ۲، ص ۲۷۶.
 ۲. و عدم استئذان الاب فی البکر، کرکی، جامع المقاصد، فی شرح القواعد، ج ۱۳، ص ۱۶.
 ۳. بکره التمتع ببکرها أب مع عدم استئذانه اذا کانت بالغة رشیده... و الاصح الاول. لنا أنها بالغة يجوز العقد عليها دائماً فيجوز منقطعاً لأنه احد النکاحين. همان، ص ۱۷. «آیت‌الله سیدصادق روحانی، در «فقه الصادق (ع)» (ج ۲۱، ص ۱۵۲ تا ۱۶۲) نظرات فقهای اصولی قدیم شیعه را نیز نقل نموده است؛ از آن جمله می‌نویسد که شیخ طوسی (۴۶۰ ق) در تهذیب الأحکام (ج ۷، ص ۲۵۴ و ۲۵۵) و استبصار (ج ۳، ص ۱۴۵)، محقق حلی (۶۷۶ ق) در کتاب شرايع الإسلام؛ علامه حلی (۷۲۶ ق) در دو کتاب قواعد الأحکام و تبصرة المتعلمين؛ و شهید ثانی (۹۶۶ ق) در مسالک الافهام؛ و بلکه مشهور فقهای قدیم شیعه - چه اصولی و چه اخباری - فتوا به استقلال دختر باکره در تصمیم‌گیری برای ازدواج موقت با پسر مورد علاقه خودش داده‌اند؛ و حتی سیدمرتضی (۴۳۶ ق) در دو کتاب الإنتصار و مسائل ناصریات، ادعای اجماع (= اتفاق نظر همگی فقهای شیعه) بر این فتوا را نموده و دلیل آن را این قاعدة فقهی می‌داند: (النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَي أَنْفُسِهِمْ؛ تمام انسان‌ها بر خودشان مسلط و صاحب اختیار هستند)؛ یعنی دختر باکره عاقله نیز یک انسان است و صاحب اختیار امور خود می‌باشد...» رجوع شود به:

<http://movaghat90.persianblog.ir/post/5>

۴. رساله توضیح المسائل مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید، ص ۶۵، مسئله ۲۳۷۶.
 ۵. لازمه احتیاط واجب آن است که مقلد می‌تواند در این مسئله به مرجعی که آن را جایز می‌داند رجوع کند.
 ۶. «ازجمله مراجع تقلیدی که فتوا به جواز ازدواج موقت با دختر باکره -حتی بدون اجازه پدرش- داده‌اند، می‌توان به مرحوم آیت‌الله سیدمحمود شاهرودی؛ مرحوم آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی؛ و آیت‌الله سیدصادق روحانی -یکی از مراجع عصر حاضر- اشاره کرد، که می‌فرماید: «دختری که به حد بلوغ رسیده، و رشیده (= دارای رشد عقلی) است، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد؛ اگر بخواهد شوهر کند (چه موقت، چه دائم)، لازم نیست از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد؛ چه دختر باکره باشد یا نباشد. توضیح المسائل آیت‌الله سیدصادق روحانی، مسئله ۲۳۷۳». رجوع شود به:

<http://movaghat90.persianblog.ir/post/5>

بر اولیای امور نیز لازم است با زمینه‌سازی‌های فرهنگی سطح آگاهی و عقلانیت افراد را بالا آورند به‌گونه‌ای که دختران فریب وعده‌ها و سخنان دل‌ربا و ستایش‌های اغواگر مردان شیاد و هوسباز را نخورند و خود را ملعبه آنها نسازند و آینده و بخت خود را تیره و تار نکنند.

بند دوم - معاطات در عقد

معاطات در لغت به معنای چیزی دست به دست دادن و به هم بخشیدن و عطا کردن ... است.^۱ در مجمع البحرین می‌گوید: «بیع معاطات آن است که هر یک از فروشنده و مشتری بدون اجرای صیغه عقد به عوض مالی که از دیگری می‌گیرد، مالی به او اعطا می‌کند».^۲

در اصطلاح نیز به معنای معامله است بی‌آنکه طرفین ایجاب و قبول بر زبان رانند چنانکه شهید ثانی در شرح لمعه می‌گوید: «معاطات آن است که هر یک از طرفین چیزی به عوض چیزی که از دیگری می‌گیرد، به او اعطا کند».^۳

پرسش این است که آیا معاطات در نکاح موقت جریان دارد یا خیر؟

فقیهان معمولاً معاطات را در بحث بیع یا دادوستد کالا مطرح کرده‌اند و برخی آن را پذیرفته و برخی رد کرده‌اند. مشهور بر آنند که معاطات در بیع روا نیست. چنانکه محقق حلی می‌گوید: «در حصول عقد بیع قبض و اقباض بدون لفظ کفایت نمی‌کند، گرچه اراده بیع از قراین حاصل شود، خواه مال کم‌قیمت باشد یا پرقیمت»^۴ و صاحب جواهر نیز همین نظریه را پذیرفته است.^۵

لکن فقهای متأخر نوعاً آن را پذیرفته‌اند، چنانکه آیت‌الله خویی می‌گوید: «ظاهر این است که بیع با دادن و گرفتن بدون صیغه صحیح است»^۶ و امام خمینی (ره) می‌گوید: «اقوی آن است که بیع در هر چیزی چه کم‌قیمت چه پرقیمت با معاطات واقع می‌شود».^۷

به تبع آرا این دسته از فقیهان معاطات در قانون مدنی ایران نیز پذیرفته شده چنانکه در ماده (۳۳۹) پس از آنکه می‌گوید: «عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود»، می‌افزاید: «ممکن است بیع به دادوستد نیز واقع گردد».^۸

۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید.

۲. بیع المعاطاة: هو اعطاء كل من المتبايعين ما يریده من المال عوضاً عما يأخذ من الآخر من غير عقد، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳. المعاطاة ان يعطى كل من اثنين عوضاً عما يأخذ من الآخر، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۱۸۴، و نیز بنگرید به: انصاری، کتاب المكاسب، ص ۸۱.

۴. و لا یکفی التفاض من غير لفظ و ان حصل من الامارات ما يدل على ارادة البيع فی الحقیقیر او الخطیر، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۳.

۵. جواهرالکلام، ج ۲۲، ص ۲۱.

۶. الظاهر صحة (عقد البيع) بالاخذ و الاعطاء من دون صیغة اصلاً، خویی، المسائل المنتخبة، ص ۲۳۱.

۷. القوی وقوع البيع بالمعاطات فی الحقیقیر و الخطیر، تحریر الوسيلة، مسئله ۶ کتاب بیع.

۸. قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۳.



الف) معاطات در ازدواج دائم

با توجه به اینکه عقد نکاح نیز از جمله عقود بلکه از عقود معاوضی^۱ است، این پرسش مطرح شده که آیا معاطات در نکاح نیز روا می‌باشد یا خیر؟

مشهور فقیهان معاطات در نکاح را نپذیرفته‌اند. «در حاشیه بر ارشاد - که حکایت شده است - می‌گوید معاطات در اجاره و مانند آن جریان دارد برخلاف نکاح و طلاق و مانند آنها که به هیچ رو با معاطات واقع نمی‌شوند».^۲

صاحب ریاض (۱۲۳۱ ق) نیز می‌گوید: «لزوم [اجرای] صیغه در عقد نکاح به اجماع علمای اسلام است و در ایجاب عقد نکاح، لازم است یکی از سه صیغه یاد شده (زوجت، انکحت و تمتعت) را بر زبان جاری سازد».^۳

نراقی (۱۲۴۴ ق) نیز پس از آنکه می‌گوید: «اعتبار صیغه لفظی در نکاح اتفاقی فقیهان و از ضروریات دین پیامبر اسلام (ص) است» می‌افزاید: «بر لزوم ایجاب و قبول لفظی اجماع است و بدون آن اصل عدم تربت آثار زوجیت است».^۴

صاحب جواهر نیز پس از آنکه اجرای صیغه را با الفاظ زوجت و انکحت در انشای عقد ازدواج بلاخلاف لازم می‌داند می‌گوید: «اگر زوجین یا یکی از آنها عاجز از سخن گفتن باشند، باید با اشاره و ایما قصدشان را برسانند و کسی که قادر بر نطق است نوشتن کفایت نمی‌کند».^۵

۱. ادله نافیان

در کلمات نفی‌کنندگان گاه به روایت سماعه استناد می‌شود که مربوط به اجرای صیغه در نکاح موقت است و می‌گویند بر اجرای صیغه در نکاح دائم به طریق اولی دلالت دارد.

سماعه می‌گوید: «از امام معصوم (ع) درباره مردی پرسیدم که دختری را به‌منظور ازدواج موقت وارد (خانه‌اش) کرد و فراموش کرد شرط کند و با او آمیزش جنسی کرد، آیا حد زانی بر اوست؟ فرمودند نه لکن بعد از شرط از او استمتاع می‌برد و خداوند را به‌خاطر آنچه انجام داده است استغفار می‌کند».^۶

از روایت بر می‌آید که عمل آن دو قطعاً زنا نبوده چون امام (ع) حد را نفی کرد حال یا به جهت

۱. برخی آن را عقد معاوضی دانسته‌اند بنگرید به: محقق حلی، نکت‌النهاية، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲. و فی محکی تعلیق الارشاد ان من المعاطاة الاجارة و نحوها بخلاف النکاح و الطلاق و نحوهما، فلا تقع اصلاً. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۲۳۹ یا ۲۴۲.

۳. طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۲، ص ۶۸.

۴. نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۶، ص ۸۴.

۵. جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۱۳۲.

۶. عن سماعه قال: سألته عن رجل ادخل جاریة یتمتع بها ثم انسی ان یشترط حتی واقعها یجب علیه حد الزانی؟ قال: لا و لکن یتمتع بها بعد و یتستغفر الله مما أتى، و مسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۲. و در نقل کافی دارد: لکن یتمتع بها بعد النکاح، کافی، ج ۵، ص ۴۶۶.

آنکه قصد آن را نداشتند «و انما الاعمال بالنیات» یا به جهت آنکه تمتع او را صحیح می‌دانسته و بعد از شرط و تعیین مدت و مهر تمتعات بعدی را خواهند داشت؛ لذا ممکن است گفته شود این روایت بر لزوم اجرای صیغه به لفظ در ازدواج موقت هم دلالت ندارد.

ولی در نقل کافی می‌گوید: «بعد النکاح» که در این صورت ناچاریم بگوییم مراد بعد از اجرای عقد نکاح است اما نمی‌دانیم امام (ع) این را گفته‌اند یا آن را.

همچنین به نکاح معاطاتی هم نظر ندارد تا گفته شود اگر صرف بده - بستان عملی در انعقاد عقد کافی نبود باید می‌فرمود حد بر آنان جاری می‌شود و چون این را نفرموده است پس ازدواجشان درست است و نیازی به اجرای صیغه نبوده است! که اگر این گونه بود لزومی نداشت بفرماید استغفار کند! گرچه ممکن است بگوییم استغفار به این جهت نبوده است.

شاید این روایت تنها مسئله کسی که شرط یا اجرای عقد را در ازدواج موقت فراموش کرده مورد پرسش قرار می‌دهد و امام (ع) نیز پاسخ داده‌اند که پس از یادآوری لازم است شرط یا اجرای صیغه کنند، چون قصد داشته‌اند این کار را بکنند و یادشان رفته است. به هر حال با این احتمالات نمی‌توان از آن بر مطلوب استفاده کرد.

همچنین از روایت دیگری بر لزوم اجرای صیغه در نکاح استفاده کرده‌اند که خالد بن حجاج می‌گوید به امام صادق (ع) گفتم: «مردی می‌آید و می‌گوید این پارچه را بخر، به تو چنین و چنان سود می‌دهم. امام (ع) فرمود: آیا این‌گونه نیست که اگر خواست رها می‌کند و اگر خواست می‌گیرد. گفتم: بلی این چنین است. امام فرمود: مانعی ندارد همانا کلام حلال می‌کند و کلام حرام می‌کند».^۱

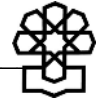
این روایت نیز با قطع نظر از ضعف سند به واسطه ابن حجاج که مجهول است، غیرکلام را نفی نمی‌کند.^۲ کلام حاکی از ما فی ضمیر و قصد شخص است، هر چه باشد. شخص قصد می‌کند که چیزی را به دیگری ببخشد یا تملیک کند و یا تصرف در آن را برای او حلال سازد و کلام آشکارکننده این قصد است و همان طور که کلام، چون چنین اثری دارد معتبر است، فعل نیز اگر این اثر را داشته باشد معتبر است، گرچه افراد غالباً با کلام از مقاصدشان پرده بر می‌دارند که در مقام احتجاج نیز به راحتی می‌توان به آن احتجاج کرد.

۲. نظریه مثبتان

در مقابل نظر فوق برخی در نکاح نیز قائل به معاطات شده‌اند از جمله فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) که می‌گوید: «برخلاف نظر مشهور ظاهراً صرف تراضی و دادوستد در صحت بیع کافی است ... و

۱. لآبأس به انما یحل الکلام و یحرم الکلام، طوسی، التهذیب، ج ۷، ص ۵۰.

۲. بنگرید به انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، ج ۳، ص ۶۳.



این‌گونه است سایر عقود^۱ و سایر عقود شامل عقد نکاح دائم و موقت هم می‌شود.

محقق کمپانی نیز گفته است: «از همه آنچه ذکر کردیم روشن شد که برای جریان معاطات در نکاح هیچ مانع عقلی و غیرعقلی وجود ندارد بجز اجماع»^۲.

آیت‌الله خویی نیز می‌گوید: «بنابراین ذات زوجیت با قطع نظر از اینکه شارع برای ابراز آن لفظ خاصی را اعتبار کرده باشد، به فعل نیز قابل انشا می‌باشد، بلی ممکن است گفته شود زوجیت به نظر شارع با فعل محقق نمی‌شود نه اینکه فعل از نظر عرف و عقلاً مصداق تزویج نیست»^۳.

و مرحوم امام خمینی (ره) که می‌گوید: «مقتضای قاعده این است که معاطات در هر عقد و ایقاعی که ممکن باشد با فعل انشا شود جاری است ... اما اگر قصد داشته باشند که عقد را به خود فعل وطی محقق کنند، آن وطی حرام است، لکن مانعی از ترتیب ازدواج بر آن نیست چراکه گاه سبب حرام اثر وضعی صحیح^۴ دارد». گرچه ایشان در نهایت می‌گوید: «با اینکه طلاق ممکن است با فعل و کمک قرائن و قرار و مدار قبلی واقع شود، ولی جریان معاطات در آن برخلاف ادله شرعیه است، همچنین واقع شدن نکاح با معاطات نیز برخلاف ارتکاز متشرعه و اتفاق فقیهان است، زیرا مستفاد از ظاهر کلماتشان این است که در باب راه نداشتن معاطات در نکاح و طلاق اختلافی میانشان نیست»^۵.

در پاسخ می‌توان گفت: ارتکاز متشرعه دلیل نیست، چون این‌گونه ارتکازات متأثر از تعالیم بیرونی است و این تعالیم ممکن است غلط و حتی برخلاف ارتکازات فطری انسان‌ها باشد و اما اتفاق فقیهان نیز اولاً مخدوش است، چون فیض کاشانی با آن مخالفت کرده است. ثانیاً حجت نیست، چون حتی اگر به حد اجماع برسد، مدرکی است و مدرک اجماع‌کنندگان نیز مثبت مدعا نیست.

مرحوم کمپانی و خویی نیز در آخر کلامشان از معاطات در نکاح دوری گزیده‌اند، اما عبارت فیض کاشانی بر صحت معاطات دلالت دارد، چنانکه صاحب جواهر نیز او را قائل به معاطات در

۱. الظاهر أن مجرد التراضي والتبايض كاف في صحة البيع و ... و كذلك القول في سائر العقود خلافاً للمشهور، مفاتيح الشرايع، ج ۳، صص ۴۸ - ۴۹.

۲. من جميع ما ذكرنا تبين عدم المانع لاعتقلاً ولا غير ذلك من جریان المعاطاة في النكاح، نعم لا تجري المعاطاة فيه بالاجماع، خویی، مصباح الفقاهة، ج ۲، ص ۱۹۲.

۳. و عليه فالزوجية في نفسها مع قطع النظر عن اعتبار الشارع فيها مبرراً خاصاً قابلة للانشاء بالفعل لا ان الفعل لا يكون مصداقاً للتزويج عرفاً و في نظر العقلاء، همان.

۴. اگر مبنای ما این باشد که عمل زمانی حرام می‌شود که مفسده دارد سبب حرام نمی‌تواند اثر صالح و صحیح داشته باشد مگر در صورت تراحم که در اینجا مفروض نیست. بنابراین اگر بگوییم نفس فعل حرام است، اثر صحیح ندارد و اگر گفتیم اثر صحیح دارد، حرام نیست و به عقیده ما این‌گونه است و نفس فعل دال بر عقد و اراده قلبی است که مال من از آن تو باشد و مال تو از آن من پس به قرائن و شواهد دیگری غیر از نفس فعل معلوم است که با برداشتن روزنامه‌ای از روی پیشخوان و گذاشتن پول روی آن عقدی محقق شده است.

۵. مقتضی القاعدة جریان المعاطاة في كل عقد او ایقاع يمكن انشاءه بالفعل ... نعم لو قصدا حصوله بنفس الوطى يكون ذلك الوطى محرماً، لکن لامانع من ترتب الزواج عليه، فان سبب المحرم يمكن ان يكون مؤثراً وضعاً، ... و كذا يمكن ایقاع الطلاق بالفعل المفهم له و لو بالقرائن و ... لکن جریان المعاطاة فيه خلاف الأدلة الشرعية، بل ایقاع النكاح بها أيضاً مخالف لارتکاز المتشرعة و تسالم الاصحاب بل الظاهر عدم الخلاف في عدم جریانها فیهما، خمینی، کتاب البيع، ج ۱، ص ۲۶۹.

نکاح موقت می‌داند.

به هر حال کسانی که معاطات در نکاح را می‌پذیرند، نمی‌خواهند بگویند هر بده - بستانی معاطات است، بلکه طرفین باید قصد داشته باشند و با قرائن و شواهد معلوم باشد قصدشان چیست و محقق نکاح دائم است یا موقت یا ... پس به طور کلی می‌توان گفت: «العقود تابعه للقصد»^۱ و «انما الاعمال بالنیات»^۲. لکن قصد و نیت باید مشخص شود و اگر به غیر لفظ هم باشد کفایت می‌کند. پس اگر دختری جهیزیه‌اش را به خانه مردی منتقل کند و مرد ممانعت نکند بر ازدواج دلالت دارد.

ب) معاطات در ازدواج موقت

در نکاح موقت نیز اختلاف سابق‌الذکر جریان دارد. می‌توان گفت: کسانی که در نکاح دائم معاطات را نپذیرفته‌اند، به طریق اولی در نکاح موقت نیز نمی‌پذیرند. چنانکه صاحب جواهر ذیل کلام صاحب شرایع که می‌گوید: «ارکان ازدواج موقت چهار است»^۳ که یکی از آنها صیغه است و «صیغه یعنی لفظی که شارع آن را وسیله انعقاد ازدواج موقت قرار داده است همان ایجاب و قبول است»^۴ می‌گوید: «عقد قطعاً بدون آن حاصل نمی‌شود به دلیل اجماع محصل و منقول و دلایل لفظی»^۵ و به این ترتیب معاطات را در ازدواج موقت به صراحت نفی می‌کند.

و اما دلایل لفظی عبارتند از:

۱. خبر ابان بن تغلب از امام صادق (ع) است که گفت: «به امام صادق (ع) عرض کردم وقتی با آن زن خلوت کردم چه بگویم؟ فرمود: بگو تو را به عنوان متعه بر کتاب خدا و سنت پیامبر او به تزویج خود در می‌آورم که ارثی در بین نباشد، به این مدت و این مقدار اجر و آنچه بر آن توافق کرده‌اید کم یا زیاد و زمانی که او گفت: راضی هستم او همسر توست و تو سزاوارترین مردم به او هستی؟»^۶.

در روایت مذکور اولاً، از امام می‌پرسد: «چه بگویم؟» و امام پاسخ می‌فرماید: این طور بگو، اما نپرسید آیا عقد به غیر لفظ هم واقع می‌شود یا خیر؟ و امام به این مطلب پاسخ ندادند و اثبات انشا به

۱. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۴۴۴.

۲. چنانکه پیامبر (ص) فرمود: انما الاعمال بالنیات، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۷۴.

۳. ارکانه اربعة، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۰۳.

۴. اما الصیغة فی اللفظ الذی وضعه الشرع وصلة الی انعقاده و هو ایجاب و قبول، همان.

۵. اما الصیغة فی اللفظ الذی وضعه الشرع و عینه وصلة الی انعقاده کثیره من العقود اللازمة و هو ای اللفظ المزبور ایجاب و قبول فلا یحصل بدون ذلك قطعاً، بل اجمالاً بقسمیه، و نصوصاً، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۳.

۶. عن ابان بن تغلب قال: قلت لابی عبدالله (ع) کیف اقول لها اذا خلوت بها؟ قال تقول: اتزوجک متعة علی کتاب الله و سنة نبیه لا وراثة و لا مورثة کذا و کذا یوماً و ان شئت کذا و کذا سنة بکذا او کذا درهماً و تسمى من الاجر «من الاجل» ما تراضیتما علیه قليلاً کان او کثیراً، فاذا قالت: نعم فقد رضیت و هی امرأتک و انت اولی الناس بها، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۶۶. در وسائل به دنبال این روایت پنج روایت دیگر نیز با همین مضمون نقل می‌کند که هیچ کدام بر مدعای مشهور دلالت ندارند.



لفظ، دلیل بر نفی انشا به غیرلفظ نیست و به اصطلاح اثبات شیء نفی ماعدای آن را نمی‌کند.
۲. صحیحہ برید عجلی از امام باقر (ع) که ذیل آیه شریفه «وَأَخَذَنَّا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»^۱ فرمود:

«مِيثَاقُ هَٰمَانِ كَلِمَةٍ اسْتِ بَا أَنْ نِكَاحٍ مَنَعَدٌ مِی‌شود»^۲ نیز بر مطلوب مشهور دلالت ندارد؛ چون در اینجا امام در مقام بیان آن نبوده است که نکاح با چه واقع می‌شود، بلکه در بیان معنای میثاق بوده است و می‌گویند: میثاق همان کلمه‌ای است که می‌توان زوجیت را به وسیله آن منعقد ساخت، اما آیا فعل نمی‌تواند زوجیت را منعقد سازد؟ این اول کلام است و اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند چنانکه آیت‌الله شبیری زنجانی نیز می‌گوید: «آیه فوق نافی اعتبار نکاح معاطاتی نیست؛ زیرا آیه با توجه به تفسیر ذکر شده مورد متعارف و شایع را بیان می‌نماید».^۳

بنابراین صاحب جواهر و دیگران می‌باید دلیلی لفظی یا عقلی بیاورند که عقد موقت به غیر لفظ محقق نمی‌شود و چنین دلیلی وجود ندارد، لذا شیخ انصاری و دیگران به اجماع و بیان عقلی متمسک شده‌اند. وی می‌گوید: «اجماع علما چنانکه بسیاری بر آن تصریح کرده‌اند این است که در عقد نکاح، صیغه لفظی لازم است و فروج با اباحه و با معاطات حلال نمی‌شوند (چون) به این وسیله (یعنی به وسیله صیغه لفظی) است که سفاح از نکاح باز شناخته می‌شود، چراکه در سفاح نیز غالباً رضایت هست».^۴

اما این سخن تمام نیست، چون اجماع مدرکی است و مدرک آن (یعنی خبر ابان و برید عجلی) چنین دلالتی نداشت و علاوه بر آن فرق سفاح و نکاح به صیغه لفظی نیست، بلکه به قصد است. در نکاح، قصد زوجیت هست گرچه لفظ نباشد مانند نکاح لال و در سفاح، چنین قصدی نیست، گرچه لفظ وجود داشته باشد، چنانکه صاحب مستمسک العروه می‌گوید.^۵

ممکن است گفته شود اجماع بر نیاز به لفظ نیست بلکه بر این است که باید عمل زن و مرد مبرزی داشته باشد تا از زنا با اجر و رضا تفکیک شود.

می‌گوییم بحث در صحت وقوع به نفس فعلی است که برای طرفین معلوم است به چه قصد و کیفیتی انجام می‌شود، نه در علم دیگران به وقوع با آن کیفیت، پس اگر زن و مردی که در مکانی خلوت کرده‌اند در پاسخ به این پرسش که چه نسبتی با همدیگر دارند بگویند زن و شوهر موقت هستیم و به همین قصد با هم رابطه داشته‌ایم و مهر و مدت را هم می‌دانیم چه مانعی هست که گفته

۱. سوره نساء: آیه ۲۱.

۲. الميثاق هي الكلمة التي عقد بها النكاح، کافی، ج ۵، ص ۵۶۱.

۳. بنگرید به:

<http://www.iranpress.ir/iranwomen/template/1/News.aspx?NID=2746>

۴. انصاری، کتاب النکاح، ص ۷۷.

۵. و اما الفارق بينه وبين السفاح فلا يرتبط بذلك، إذ السفاح الوطء بعنوان الزوجية و في النكاح الوطء بعنوان الزوجية و ان لم يكن انشاؤها باللفظ، كما في نكاح بعض اهل الشرايع الباطلة، فانه نكاح و ليس بسفاح و ان كان بغير لفظ. الحكيم، مستمسک العروة الوثقى، ج ۱۴، ص ۳۶۸.

شود عمل جنسی آن دو حلال است و حرام نیست؟

• دلایل قائلان

قائلان به معاطات در نکاح موقت نیز به ادله ذیل تمسک می‌جویند:

۱. حکم عقل به اینکه هر چیزی اعم از فعل و قول و نوشته بر مقصود دلالت کند و کاشف از قصد و رضایت طرفین باشد و شارع آن را رد نکرده باشد در وقوع عقد کافی است. امروزه در عرف عقلا پیمان‌های مهم و گسترده را مکتوب می‌کنند.

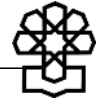
۲. خداوند نکاح و استمتاع را حلال کرده و تراضی طرفین به آن را نیز کافی دانسته است، چنانکه فرمود: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» چنانکه گذشت و این تراضی قلبی مبرز می‌خواهد و هر آنچه بتواند رضایت را نشان دهد، در صحت وقوع عقد کافی است، گرچه فعل باشد و دلیلی نیز در دست نیست که وقوع آن را به لفظ یا لفظی خاص منحصر دانسته و به فعل ممنوع کرده باشد.

علاوه بر اینکه معاملات اموری عرفی هستند که به اقتضای شرایط زمانی و مکانی ممکن است محققات آنها مختلف شود و شارع نمی‌توانسته بر وقوع آنها به نحوه‌ای خاص در طول زمان تأکید ورزد که در این صورت امر را بر دینداران سخت کرده است، حال آنکه دین آسان است، بلی لازم است در ازدواج موقت مدت، اجرت و نوع استمتاع معلوم باشد گرچه به اشاره یا قرائن.

۳. دین اسلام سمحه و سهله^۱ است، یعنی با اینکه دین خود آمده تا اراده‌ها را قید بزند اما به کمترین قیود بسنده کرده است تا التزام به دین اسلام بالنسبه به دیگر ادیان، برای افراد آسان باشد، بنابراین تقیید اراده افراد بیش از آنچه خدا و رسول او به صراحت گفته‌اند جایز نیست، چون التزام به دین یا دین را، سخت می‌کند که با دین یسر و آسان نمی‌سازد و موجب دین‌گریزی می‌شود.

از جمله قائلان به معاطات در ازدواج موقت فیض کاشانی است چنانکه صاحب جواهر می‌گوید: «بلی بسا از کاشانی (ملاحسن فیض) و بعضی از ظاهریه از شیعیان بر می‌آید که به رضایت طرفین و لفظ دال بر نکاح و انکاح در (وقوع عقد) اکتفا کرده‌اند به دلیل خبر نوح بن شعیب از علی از عمویش از امام صادق (ع) که فرمود: «زنی نزد عمر آمد و گفت من زنا کرده‌ام مرا پاک کن. عمر دستور داد او را سنگسار کنند. قضیه به اطلاع حضرت امیر (ع) رسید. از زن پرسید چگونه زنا کرده‌ای؟ گفت در بیابان عبور می‌کردم که تشنگی شدیدی بر من عارض شد از عربی بادیه‌نشین درخواست آب کردم. او خودداری کرد مگر اینکه خودم را در اختیار او بگذارم. حضرت امیر (ع)

۱. چنانکه امام علی (ع) فرمود: فان احب دینکم الی الله الحنیفیه السمحه السهله، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲.



(پس از شنیدن قصه) فرمود به خدای کعبه سوگند این ازدواج است.^۱ در وافی می‌گوید: «ازدواج است چون هر دو طرف راضی بودند و الفاظی به کار بردند که دلالت بر ازدواج داشت و مهر نیز ذکر و تعیین شد و از اطلاق کلام، یکبار استفاده می‌شود که این هم بجای ذکر مدت است».^۲

وی سپس در رد نظر و استنباط کاشانی می‌گوید: «بطلان نظر وی روشن است چون لفظی را که نکاح به وسیله آن انشا شده، اعتبار شده است و فرض این است که در معاطات لفظ نباشد پس به ناچار باید گفت مراد از تزویج در کلام امام (ع) تزویج واقعی نیست بلکه آن زن عملی اضطراری انجام داده که در حکم تزویج است و به این حمل اشاره دارد نقل خبر به گونه‌ای دیگر که در آن آمده است: «وقتی که عطش خواست جانم را بگیرد آمدم و او به من آب داد و با من آمیزش کرد و امام علی (ع) فرمود: این از مصادیق آیه «فمن اضطر...» است این زن نه زیاده‌طلبی کرده و نه تعدی، پس رهایش کن و عمر گفت اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد».^۳ و^۴

اما باید توجه داشت که:

۱. روایت اخیر از طریق ائمه اطهار (ع) نقل نشده بلکه عمرو بن سعید آن را از «بعض اصحابنا» نقل کرده است. علاوه بر اینکه موافق نظر عمر است که ازدواج موقت را تحریم کرد. پس نمی‌تواند روایت سابق را مخدوش کند.

۲. اشکال صاحب جواهر که گفت «لفظی را که نکاح به وسیله آن انشا شده اعتبار شده است»، بر صاحب وافی وارد نیست چون لفظ به کار برده شده، انکحت یا زوجت یا تمتعت، نبود پس در حکم فعل است.

نتیجه آنکه اگر زن و مرد به قصد نکاح و تمتع حلال از یکدیگر به مکان خلوتی بروند و مدت و مهر و نوع استمتاع نیز برای آن دو روشن باشد و لوازم و تبعات عملشان را نیز برعهده بگیرند، به نفس اولین فعلی که بین دو نامحرم جایز نیست، محرم می‌شوند و نمی‌توان گفت آمیزش آن دو زنا است چون اجرای صیغه نشده است و فرق آن با زنا نیز روشن است، چنانکه پیشتر در بحث ماهیت

۱. نوح بن شعیب عن علی عن عمه عن ابی عبدالله (ع) قال: «جاءت امرأة الى عمر، فقالت انی زینت فطهرنی، فامر بها ان ترجم، فاخیر بذلک امیر المؤمنین (ع) فقال: کیف زینت؟ قالت: مررت فی البادية فاصابنی عطش شدید، فاستقیت اعرابیاً، فابی ان یسقینی الا ان امکنه من نفسی، فقال امیر المؤمنین (ع): تزویج و رب الکعبة»، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۲.

۲. قال فی الوافی «انما کان تزویجاً لحصول الرضا من الطرفين و وقوع اللفظ الدال علی النکاح و الانکاح فیہ و ذکر المهر و تعیینه و المرءة المستفاد من الاطلاق القائمة مقام ذکر الاجل»، الوافی، ج ۱۵، ص ۵۲۸، نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۸۴.

۴. و هو كما ترى، ضرورة اعتبار اللفظ المقصود به انشاء ذلك و الفرض خلو هذا المذكور منه فلا بد حينئذ من حمله على ارادة كونه بحكم التزويج باعتبار اضطرارها كما يومئ اليه رواية الخبر المزبور بطريق آخر قال فيه: «انه لما بلغ منى (اي العطش) آتيته فسقاني و وقع علىّ. فقال على (ع): هذه التي قال الله: «فمن اضطر غير باغ و لا عاد» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۸۴) هذه غير باغية و لا عادية اليه فخل سبيلها. فقال عمر لولا على لهلك عمر، نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

ازدواج موقت توضیح داده شد. در زنا قصد زنا هست و طرفین حتی در لحظه‌ای که با هم هستند نیز به یکدیگر وفادار نیستند و التزامی به تبعات عملشان ندارند و در فرض ما مقصود زنا نیست.

بند سوم - عده

الف) عده ازدواج دائم

یکی از احکام روابط جنسی مشروع، نگهداشتن عده است، «عده مدتی است که زن پس از فوت شوهر یا گرفتن طلاق نباید شوهر کند».^۱ بنابراین عده شامل عده طلاق و فوت هر دو می‌شود که در اینجا تنها عده طلاق یا عده پس از بذل یا انقضای مدت در ازدواج موقت مورد بحث است.

آیات و روایات بسیاری درباره عده وجود دارد از جمله آیه «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيُعَوِّدُنَّ أَحَقَّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲ زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند، اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده پوشیده دارند و شوهرانشان به باز آوردن آنان در این (مدت) سزاوارترند، اگر سرآشتی دارند و مانند همان [وظایفی] که برعهده زنان است به‌طور شایسته به نفع آنان [برعهده مردان] است و مردان به آنان درجه برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است».

مطلقات، جمع مطلقه است، پس شامل هر زن مطلقه‌ای می‌شود، ولیکن با وجود تعبیر «ثلاثة قروء» این پرسش مطرح می‌شود که زنان مطلقه‌ای که هنوز به بلوغ جنسی نرسیده و صاحب حیض نیستند و زنانی که به‌واسطه پیری صاحب حیض نیستند تکلیفشان چیست؟ آیا آنها اساساً عده ندارند یا لازم است معادل آن را در زنان صاحب حیض صبر کنند، یا...؟

همچنین ممکن است گفته شود مطلقه شامل زنی که به عقد موقت درآمده و مدت وی تمام شده است، نمی‌باشد.

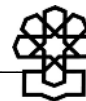
در آیه دیگری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ»^۳ ای پیامبر چون زنان را طلاق گویند، به‌لحاظ عده آنان را طلاق گویند و حساب آن عده را نگه دارید (یعنی بر نگهداشتن عده ملتزم باشید و بعد از دیدن یک حیض که مسجل شد حامله نیست اخراجش نکنید و خارج نشود) و از خدا پروردگارتان بترسید».

در این آیه نیز واژه «نساء» شامل همه زن‌ها می‌شود، ولی با استفاده از کلمه «عدتهن» می‌توان گفت این آیه نیز زنانی را در نظر دارد که صاحب عده هستند و غیر آنها را شامل نمی‌شود.

۱. عمید، فرهنگ فارسی عمید.

۲. سوره بقره: آیه ۲۲۸.

۳. سوره طلاق: ۶۵، آیه ۱.



و در آیه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَنْعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا: ١» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر زنان مؤمن را به نکاح خود در آورید، آنگاه پیش از آنکه با آنان همخوابگی کنید، طلاقشان دادید دیگر برعهده آنها عده‌ای که آن را بشمارید نیست، پس ایشان را برخوردار کنید و خوش‌وخرم آنها را رها کنید».

از این آیه بر می‌آید که همسران طلاق داده شده‌ای که آمیزش جنسی نداشته‌اند، عده ندارند. روایاتی نیز این معنا را می‌رساند از جمله از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: «هرگاه مرد همسرش را پیش از دخول طلاق دهد، از او جدا شده و زن اگر خواست همان ساعت می‌تواند ازدواج کند».^۲ از مجموع این آیات برمی‌آید که عده بر آمیزش جنسی استوار است،^۳ چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) نیز نقل است که فرمود: «نگهداشتن عده ناشی از آمیزش جنسی و آب است».^۴ اما وقتی آمیزش جنسی صورت گرفت، علاوه بر زوج و زوجه و انس و عادت آن دو به یکدیگر، پای ولد هم به میان می‌آید.

در آیه اول در مورد غالب زنان که حیض می‌بینند می‌فرماید عده آنان سه «قرء = پاکی» و به عبارت دیگر دو حیض^۵ است. اما چرا دو حیض؟ ظاهراً یک حیض برای آنکه معلوم شود حامله است یا خیر چون حیض شدن و ورود به طهر بعد برای روشن شدن حاملگی کافی است و ممکن است یک حیض دیگر هم به جهت فرصت دادن به زوجین اضافه شده باشد تا بتوانند به همدیگر رجوع کنند^۶ که اگر چنین باشد استفاده می‌شود که عده به زندگی زن و شوهر و انس آن دو به یکدیگر نیز ارتباط دارد.

به هر حال درنگ می‌کند پس اگر حیض ندید و معلوم شد که حامله است حق ندارد آن را کتمان کند چنانکه می‌فرماید: «بر آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده پوشیده دارند» تا به حقوق فرزندی که احتمالاً با آمیزش جنسی متکون شده اشاره نماید و در این صورت عده

۱. سوره احزاب: ۳۳، آیه ۴۹.

۲. عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) قال: اذا طلق الرجل امرأته قبل ان یدخل بها تطلیقة واحدة فقد بانت منه و تزوج من ساعتها ان شاءت، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۴۰۴.

۳. شهید ثانی می‌گوید: لما كان الاصل في هذه العدة (ای عده الطلاق) طلب برائة الرحم لم تجب بالفراق عن مطلق النکاح بل اعتبر جریان سبب یشغل الرحم لیحتاج الی معرفة برائته، (مسالك الافهام، ج ۹، ص ۲۱۴) و علامه طباطبایی می‌گوید: یکی از مصالح بشر، مصلحت حفظ نسب است و حفظ نسب با تحریم ازدواج یک زن با بیش از یک مرد در یک زمان ممکن است، چنانکه ملاک تشریح عده نیز همین است. کما انه هو الماک فی وضع عده طلاق بتریب المرأة بنفسها ثلاثة قروء تحرراً من اختلاط المیاء. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۱۴.

۴. العدة من المء، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۴۰۳.

۵. میان سه پاکی دو حیض قرار می‌گیرد.

۶. چون اگر صرفاً به خاطر حصول اطمینان از عدم حمل باشد وجهی نداشت که در ازدواج موقت کمتر باشد.

وی تا وضع حمل است خواه کمتر از سه ماه باشد یا بیشتر، چنانکه در آیه دیگر فرموده است: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»^۱ و زنان آبستن مدت‌شان این است که وضع حمل کنند». و مشهور نیز به همین فتوا داده‌اند و روایاتی نیز مؤید این نظریه است، مانند روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) ذیل کلام خداوند، «وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ...» که فرمود: «یعنی هرگاه طلاق داده شوند درحالی که حامله هستند روا نیست حمل خود را پوشیده دارند و زوج را از وجود فرزندش بی‌خبر گذارند درحالی که زوج به‌واسطه این حمل به آن زن سزاوارتر است تا زمانی که وضع حمل کند».^۲ گرچه در همان ساعت وضع حمل کند.^۳

و برخی دیگر گفته‌اند^۴ عده آنها زمان وضع حمل یا سه ماه است، هرکدام که نزدیک‌تر باشد و استناد کرده‌اند به برخی روایات مانند روایت ابوبصیر از امام صادق (ع) که فرمود: «طلان زن آبستن یک طلاق است و مدت عده آن این است که وضع حمل کند درحالی که نزدیک‌ترین دو مدت است».^۵ یعنی مدت وضع حمل و مدت سه ماه.

همچنین در آیه اول پس از ذکر عده و اشاره به حمل جمله‌ای دیگر دارد که شوهرانشان حق دارند آنها را در مدت مذکور بازگردانند، و از این جمله استفاده می‌شود که عده به زندگی زن و شوهر و انس آن دو به یکدیگر نیز ربط دارد اگر «احق» را به معنای حق بگیریم و اگر «احق» به معنای ذیحق‌تر باشد شوهر نسبت به والدین زن اگر بخواهند او را نزد خود بازگردانند و قضیه را فیصله دهند، سزاوارتر است که همسرش را نزد خود بازگرداند.

شوهر به دلایلی زنش را طلاق داده است، اما اگر زن ناچار باشد مدتی انتظار ببرد شاید بار دیگر به همدیگر متمایل شوند و از جدایی و طلاق دست بردارند؛ لذا ذیل آیه یکم سوره طلاق می‌فرماید: «أَلَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أُمُوراً»^۶ آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید و بیرون نروند، مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند و این است احکام الهی و هرکس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً

۱. سوره طلاق: ۶۵، آیه ۴.

۲. فلا یحل لها ان تکتّم حملها و هو احق بها فی ذلک الحمل مالم تضع، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۲۰ و نیز نقل است که در جنگ اوطاس (حنین) در میان مشرکان به غنیمت گرفته شده زنانی حامله و غیرحامله بودند و در این وقت منادی پیامبر (ص) ندا برآورد که با زنان حامله نزدیکی نمی‌شود تا وضع حمل کنند و با زنان غیرحامله نیز نزدیکی نمی‌شود تا به یک حیض معلوم شود رحم آنها از نطفه پاک است؛ نادی منادی رسول‌الله الا لاتوطاء الحیالی حتی یضعن و لاغیرالحیالی حتی یتستبرئن بحیضة. مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۵۱.

۳. اذا طلقت المرأة و هی حامل فأجلها أن تضع حملها و إن وضعت من ساعتها، الکافی، ج ۶، ص ۸۲.

۴. قال ابن بابویه و ابن حمزة تعدد باقرب الاجلین فان مضت ثلاثة اشهر و لم تضع خرجت من العدة، مسالک الافهام، ج ۹، ص ۲۵۶.

۵. طلاق الحیلى واحدة و اجلها ان تضع حملها و هو اقرب الاجلین، الکافی، ج ۶، ص ۸۲.

۶. سوره طلاق: ۶۵، آیه ۱.



به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد». یعنی اینکه گفتیم عده نگه دارند و اخراجشان نکنید و خارج نشوند از آن رو است که شاید دل‌هایشان به همدیگر نرم شود و از طلاق منصرف شوند، چون طلاق چیز خوبی نیست و ضربه‌ای بر روان هر دو به‌خصوص زن وارد می‌سازد، پس اگر رجوع صورت گیرد و واقع نشود بهتر است. تا اینجا از آیات معلوم شد که زنان مطلقه در ازدواج دائم دو دسته‌اند، صاحب عده و غیرصاحب عده و زنان صاحب عده نیز دو دسته‌اند: صاحب حیض و غیر صاحب حیض و زنان صاحب حیض نیز دو دسته‌اند حامل و غیرحامل و عده زنان غیرحامل سه «قرء» است و عده زنان حامل تا وضع حمل است.

حال پرسش این است که آیا غیر از زنانی که آمیزش جنسی نداشته‌اند و قرآن بیان کرد که عده ندارند^۱ زنان دیگری هستند که عده نداشته باشند؟

در آیه ۴ سوره طلاق به دو دسته دیگر اشاره دارد، چنانکه می‌فرماید: «وَاللَّائِي يَئْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نَسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ»^۲ و آن زنان شما که از خون دیدن [ماهانه] نومیدید، اگر شک دارید [که خون می‌بینند یا نه] عده آنان سه ماه است و زنانی که [هنوز] خون ندیده‌اند [نیز عده‌اشان سه ماه است]».

دو دسته دیگر هم هستند زنانی که از دیدن خون ناامیدند و به اصطلاح به آنها یائسه گفته می‌شود و زنانی که حیض نمی‌بینند. در مورد دسته اول می‌گوید اگر شک دارید که یائسه شده‌اند یا نه با اینکه خون نمی‌بینند، سه ماه عده نگهدارند، نتیجه آنکه اگر اطمینان دارید اصولاً عده ندارند.^۳

در مورد دسته دوم نیز دو فرض هست، زنی که امثال او حیض نمی‌بینند و زنی که امثال او حیض می‌بینند ولی او به‌خاطر عارضه‌ای حیض نمی‌بیند حکم آنها چیست؟

از روایات استفاده می‌شود زن یائسه^۴ و زنی که مثل او حیض نمی‌بیند، عده ندارد، حماد بن عثمان می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره زنی پرسیدم که یائسه است و زنی که مثل او حیض نمی‌بیند، فرمود: «عده ندارد»^۵ و مراد از زنی که مثل او حیض نمی‌بیند، زنی است که قبل از بلوغ

۱. سوره احزاب: ۳۳، آیه ۴۹.

۲. همان، آیه ۴.

۳. در مورد زن نابالغی که مثل او حیض نمی‌بیند و یائسه اختلاف هست، سیدمرتضی و ابن زهره گفته‌اند این دسته از زنان نیز پس از طلاق عده دارند و دیگر فقیهان قائل به عدم عده شده‌اند. صاحب شرایع می‌گوید: «و فی الیائسة و التي لم تبلغ روایتان احدهما انهما تعتدان بثلاثة اشهر و الاخری لاعدة علیهما و هی الاشهر: درباره زن ناامید از قاعدگی و نابالغ دوگونه روایت هست، یکی آنکه اینان سه ماه عده نگه می‌دارند و دیگری آنکه عده‌ای بر ایشان نیست و مشهورتر همین است». شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۳۵.

۴. یائسه زنی است که خون حیض نمی‌بیند، و حر آن این است که به ۵۰ سالگی برسد و گفته شده در مورد زن قرشی و نبطی ۶۰ سالگی است، همان.

۵. عن ابي عبدالله (ع): قال سألته عن التي قد یئست من المحیض و التي لا یحیض مثلها، قال: لیس علیهما عده. مسالک الافهام، ج ۹، ص ۲۳۱.

جنسی با او آمیزش شده است. اما دسته دیگر که به خاطر عارضه‌ای حیض نمی‌بینند و امثال آنها حیض می‌بینند سه ماه عده باید نگه دارند.

ب) عده ازدواج موقت

تاکنون بحث در مورد عده زنانی بود که عقدشان دائم بود و جدایی‌شان عنوان طلاق داشت و در اینجا این پرسش را باید پاسخ دهیم که آیا زنانی که به ازدواج موقت درآمده‌اند بعد از انقضا یا بذل مدت باید عده نگه دارند؟ اگر پاسخ مثبت است عده آنها با عده زنان مطلقه چه نسبتی دارد و زمان آن چقدر است؟

جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست که زنانی که به ازدواج موقت درآمده‌اند نیز باید پس از دخول و انقضا یا بذل مدت عده نگهدارند، زیرا ملاک عده که آمیزش جنسی و احتمال حاملگی است، در اینجا نیز هست الا اینکه چون غالباً ازدواج موقت به قصد تمتع جنسی کوتاه‌مدت صورت می‌گیرد، بحث انس و پیوند روحی زن و شوهر به یکدیگر مطرح نیست؛ لذا جهتی که در جعل عده زنان مطلقه به منظور حدوث امری جدید و تقارب زوجین به نظر می‌رسید در ازدواج موقت محل ندارد و عده تنها به جهت حاملگی و عدم آن مطرح است از این رو ممکن است مدت آن کمتر باشد، چنانکه از برخی روایات این‌گونه برمی‌آید.

اما روایات در مورد مدت آن اختلاف دارند و به این جهت نظرات فقیهان نیز مختلف شده است محقق حلی می‌گوید: «هرگاه بعد از دخول مدت به پایان رسد، عده وی دو حیض است و به استناد روایتی متروک، یک حیض است و اگر حیض نمی‌بیند درحالی که یائسه هم نیست عده وی ۴۵ روز است»^۱.
در مسالک می‌گوید: «در مورد عده اختلاف است، برخی دو پاکی، برخی یک حیض و نصف و برخی یک حیض دانسته‌اند»^۲ و برخی «دو حیض یا دو پاکی هرکدام که بیشتر است»^۳ را مدت حیض می‌دانند. به نظر می‌رسد یک حیض به صواب نزدیک‌تر است^۴ و دو پاکی نیز به یک حیض بر می‌گردد.
«از فقیهان معاصر آیت‌الله شبیری حسینی زنجانی و آیت‌الله سیدصادق شیرازی نیز یک حیض کامل را کافی می‌دانند و منظور از حیض کامل این است که، اتمام مدت یا بخشش مدت، قبل از حیض رخ دهد نه در حین دوره عادت ماهانه»^۵.

حال با توجه به آیات و روایات باب پرسش این است که:

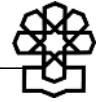
۱. شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۰۷.

۲. بنگرید به: مسالک الافهام، ج ۷، ص ۱۷۲.

۳. منتظری، رساله توضیح المسائل.

۴. زرارة عن ابي عبدالله (ع): قال إن كانت تحيض فحيضة و إن كانت لا تحيض فشهرو نصف، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۷۳. روایت ۴ و ۶ باب نیز همین مضمون را دارد.

۵. رجوع شود به:



۱. مردی که با عمل جراحی لوله اسپرمش را بسته و به اصطلاح پزشکی «واکتومی» کرده باشد آیا همسر موقت وی پس از آمیزش عده دارد یا خیر؟ فرض این است که این مرد فاقد نطفه‌ای است که زوجه را باردار کند. به این دسته از مردان ملحق می‌شود محبوب و خصی.^۱
۲. زنی که دارای رحم است، ولی لوله‌هایش را قطع کرده و در اصطلاح پزشکی «توبکتومی» کرده است و او نیز امکان باردار شدن ندارد چگونه؟
۳. زنی که رحم دارد ولی بعد از آمیزش با آزمایش مطمئن هستیم که حامله نیست آیا او نیز باید عده نگهدارد؟

۴. زنی که رحمش را بیرون آورده است و قطعاً حامله نمی‌شود، چگونه؟
 با توجه به آنچه گذشت که عده هم به آمیزش و آب و تگون فرزند ربط دارد هم به مؤانست زن و شوهر و ضربه‌ای که خودشان از طلاق ممکن است بخورند، می‌گوییم در ازدواج موقت امر دوم اساساً منتفی است، چون ازدواج موقت غالباً به منظور تمتعات جنسی صورت می‌گیرد. اما امر اول نیز در صورتی که به نظر کارشناسان مرد یا زن و یا هر دو امکان باردار کردن و باردار شدن نداشته باشند، آن هم منتفی است، پس به لحاظ ملاک می‌توان گفت در فرض سابق الذکر نگهداشتن عده منتفی است گرچه ممکن است گفته شود پذیرش این نظریه در مورد زنان دسته دوم و سوم به لحاظ اینکه حیض می‌بینند مشکل است!
 این معنا پیش از این از ذهن و قلم برخی از فقیهان بزرگ گذشته است که به‌عنوان نمونه کلام صاحب ایضاح را می‌آوریم.

فخر المحققین در شرح قواعد ذیل جمله «بنا بر نظر برخی» در کلام علامه حلی که می‌گوید: «اگر با زنی خردسال که کمتر از ۹ (نه) سال دارد یا با زنی بزرگسال که به ۵۰ یا ۶۰ رسیده (اگر قرشی یا نبطی باشند) آمیزش کرده است، اعتباری بدان نیست و به‌خاطر آن عده طلاق یا بر هم زدن پیمان زناشویی [فسخ] بنا به نظر برخی لازم نمی‌آید»^۲ می‌گوید: «اختلاف نظر در دختر نابالغ و زن یائسه است که اگر پس از آمیزش طلاق داده شوند و یا پیمان زناشویی آنان بر هم زده شود، آیا بر ایشان عده طلاق هست یا نه؟ شیخان (شیخ طوسی و شیخ مفید)، ابن بابویه و پدرش، حلبی، سلار، ابن براج و ابن ادریس گفته‌اند: عده‌ای بر اینان نیست. نویسنده متن «علامه حلی» نیز آن را برگزیده و نزد من نیز حق همین

۱. عن احمد بن محمد بن ابی نصر قال: سألت الرضا (ع): عن خصی تزوج امرأة علی الف درهم ثم طلقها بعد ما دخل بها؟ قال: لها الالف التي اخذت منه و لاعده علیها: از امام رضا (ع): درباره مردی خواجه پرسیدم که با زنی ازدواج کرد و هزار درهم مهر برایش به‌عهده گرفت و پس از آمیزش وی را طلاق داد. امام (ع) فرمود: هزار درهم از آن زن است و از مرد گرفته می‌شود و عده‌ای هم بر زن نیست. حدائق الناضرة، ج ۲۵، ص ۳۹۶، جواهرالکلام، ج ۳۲، ص ۲۱۴.

۲. لو دخل بالصغيرة و هی من نقص سنها عن تسعة او اليائسة و هی من بلغت خمسين او ستين ان كانت قرشية او نبطية فلا اعتبار به و لا يجب لاجله عده طلاق و لا فسخ علی رأی، علامه حلی، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۱۳۸.

است ولی سیدمرتضی و ابن زهره گفته‌اند عده بر آنان لازم است»^۱.
 وی می‌افزاید: «دلیل ما یک: موثقه عبدالرحمن بن الحجاج^۲ و حسنه زراه^۳ است و دیگر اینکه علت عده‌نشینی در این دو دسته از زنان طلاق گرفته نیست و هرگاه علت عده‌نشینی نباشد، عده‌نشینی هم نیست، مقدمه دوم روشن است و مقدمه اول [نیز روشن است] چون علت عده‌نشینی آن است که معلوم شود رحم زن از فرزند تهی است و این مطلب از روایت محمدبن مسلم از امام باقر (ع) به دست می‌آید که فرمود: «زنی که آبستن نمی‌شود، عده‌ای بر او نیست». در این حدیث اشاره دارد که علت عده‌نشینی آن است که معلوم شود رحم خالی از فرزند است و آبستنی در مورد این دسته از زنان مطلقه به حسب عادت ممتنع می‌باشد»^۴.
 آیت‌الله مؤمن، نیز می‌گوید: «زنی که رحم وی بیرون آورده شده، عده بر او لازم نیست، چنانکه دختر خردسالی که به سن قاعدگی نرسیده و سالخورده‌ای که این سن را پشت سر نهاده همین گونه است»^۵.

فصل سوم - تأثیر ازدواج موقت در تعدیل رابطه جنسی

فرهنگ جوامع در اثر روابط اجتماعی گسترده بر یکدیگر تأثیر گذاشته و در یکدیگر نفوذ می‌کنند. از این رو در فضای کنونی جهان شاهد آن هستیم که فرهنگ و حقوق غرب می‌رود که همه روابط بشر را در عرصه‌های مختلف پوشش دهد از جمله روابط جنسی را. فرهنگ و حقوق جدید غرب بر اساس اختیارداری مطلق انسان نسبت به خودش و جسمش سامان یافته است. بر این اساس انسان غربی آزاد است و این حق را دارد که در عرصه‌های مختلف هرگونه که خواست عمل کند و آرزایش را تا سر حد کمال حفظ نماید و خود را پایبند قیود اخلاقی و دینی نسازد.
 نتیجه این مبنای نظری در عمل این است که فرد در زمینه برقراری روابط جنسی نیز آزاد است و می‌تواند به حسب خوشایندش با هرکس که خواست رابطه جنسی داشته باشد و با او زندگی

۱. الخلاف فی الصبیه التي لم تبلغ و البائسة اذا طلقت بعد الدخول او فسخ نکاحها بعد الدخول، هل علیها عده الطلاق ام لا؟ قال الشیخان و ابن بابویه و ابوالصلاح و سلار و ابن البراج و ابن ادریس لاعده علیها و هو اختیار المصنف و هو الحق عندی و قال السید المرتضی و ابن زهره علیها العده، فخر المحققین، ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۳۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۰۹.

۳. همان.

۴. لان کلاً من هاتین المطلقتین انتفی سبب الاعتداد فیهما و کما انتفی سبب الاعتداء، انتفی الاعتداء و الثانیة ظاهرة و اما الاولى فلان سبب الاعتداء، استعمال فراغ الرحم من الحمل، لما رواه محمدبن مسلم عن الباقر (ع) قال: «التي لا یحبل مثلها. لاعده علیها» و فی هذا الحدیث ايماء الى ما ذکرنا و الحمل هنا ممتنع بالنظر الى العادة، (ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۳۳۸) و نیز ابن فهد می‌گوید: احتج الاولون بان المقتضى للاعتداد زال فیزول العده، لان العده انما شرعت لاستعمال فراغ الرحم من الحمل غالباً و هذه الحکمة منتفیه هنا قطعاً، فلا وجه لوجوب العده، مهذب البار، ج ۳، ص ۴۶۵.

۵. ... فالطائفة الاولى و الثانیة کافیتان لاثبات حکم موضوع البحث و هو عدم وجوب الاعتداد علی من قلعت و اخرجت رحمها من النساء کما کان الامر كذلك فی الصغیره التي لم تبلغ سن المحیض و الکبیره التي جازت سنه، مؤمن، کلمات سدیة، ص ۳۱۴.



نماید و هرگاه که خواست از او جدا شود، بلکه می‌تواند در یک زمان با چند نفر و هرگونه که خواست مراوده داشته باشد چنانکه هم‌اکنون در غرب انحای روابط جنسی بین زن و مرد، مرد و زن و زن و زن وجود دارد و در برخی کشورها ازدواج و رابطه همجنس‌گرایان و حتی رابطه جنسی با حیوانات نیز قانونی شده است.^۱

البته در جوامع غربی روابط جنسی براساس انعقاد پیمان زناشویی به‌طور سنتی نیز وجود دارد که به مقتضای الزامات حاکم بر آن طرفین خود را مقید کرده و تلاش می‌کنند به پیمان خود وفادار بمانند، اما شیوع لاقیدی و بی‌بندوباری در روابط جنسی، روابط زوج‌های رسمی سنتی را تحت تأثیر قرار داده و هر روز دامنه آن را نسبت به روابط آزاد محدودتر می‌کند، بلکه شاهد کاهش ازدواج‌های رسمی و افزایش روزافزون طلاق هستیم.^۲

متأسفانه فرهنگ جوامع اسلامی نیز به‌واسطه رفت‌وآمد، وسایل ارتباط جمعی، ماهواره و اینترنت به‌شدت از فرهنگ غرب تأثیر پذیرفته است،^۳ لذا در جوامع مسلمانان نیز آثار فرهنگ غربی مانند بالا رفتن سن ازدواج،^۴ تمایل به زندگی مجردی، تمایل به روابط جنسی آزاد و بدون قیدوبندهای قانونی، تنوع‌طلبی، روابط جنسی به هدف التذان محض و نه تولید مثل و بقای نسل، کاهش ازدواج و افزایش طلاق^۵ ظاهر شده است.

۱. «به گزارش «بولتن» مجلس سنای آمریکا طرح لغو مجازات برای نظامیان همجنس‌گرا و سرپازانی که با حیوانات روابط جنسی انجام می‌دهند را با ۹۳ رأی موافق و ۷ رأی ممتنع به تصویب رسانید. این قانون در حالی در ایالات متحده به‌تازگی به تصویب رسید که تا پیش از این براساس ماده (۱۲۵) آیین دادرسی نظامی ارتکاب لواط با انسان، همچنین برقراری رابطه جنسی با حیوانات را غیرقانونی دانسته بود و هر شخص نظامی که با همجنس خود و یا حیوانات رابطه جنسی برقرار می‌کرد، در صورتی که اتهام وی اثبات می‌شد، در دادگاه نظامی مورد محاکمه قرار می‌گرفت.» رجوع شود به:

<http://ali70.com/tag/%D9%85%D8%AD%D8%A7%DA%A9%D9%85%D9%87/feed>

۲. این روند در غرب قطعاً منجر به فروپاشی و اضمحلال آنان خواهد شد چنانکه خداوند فرموده است: إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْنَا الْقَوْلُ فَمْدَمْنَاهَا تَدْمِيرًا، سوره اسراء: ۱۷، آیه ۱۸. منافع سرمایه‌داران مترف مقتضی فسق و فجور است.

۳. جای این پرسش هست که چرا مسلمانان تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته‌اند. آیا فرهنگ اسلام ضعف دارد یا فرهنگ اسلام به تیع قرآن، مهجور است؟

۴. به گزارش خبرگزاری فارس، علی‌اکبر عصارنیا عصر امروز در حاشیه جشنواره مطلع عشق در گفتگو با خبرنگاران با بیان اینکه هم‌اکنون ۱۵ میلیون جوان در آستانه ازدواج در کشور وجود دارد که هنوز مجرد هستند، افزود: ۷ میلیون نفر از این تعداد دچار ازدواج معوق شده‌اند به‌طوری که سن ازدواج آنها از سن عرفی بالاتر رفته است. وی با ابراز نگرانی از بالا رفتن سن ازدواج در دختران و پسران گفت: سن ازدواج در پسران که ۱۹ تا ۲۹ سال است به بیش از ۴۰ سال رسیده و سن ازدواج دختران که ۱۵ تا ۲۹ سال است به ۳۵ سال نزدیک شده است. ... وی با ارائه یک آمار نگران‌کننده دیگر گفت: سالیانه ۱/۵ میلیون نفر به تعداد مجردین افزوده می‌شود، اظهار داشت: بالا رفتن سن ازدواج تبعات اجتماعی خطرناک و نامطلوبی دارد. ... وی اضافه کرد: هم‌اکنون یک میلیون و ۶۹۶ دختر ۲۹ تا ۳۰ سال در کشور منتظر ازدواج هستند، گفت: متأسفانه با برخی سنت‌های غلط خانواده‌ها و خانه‌نشینی شدن آنها امر ازدواج در برخی موارد به بن‌بست خورده است و باید به شیوه‌های مختلف دختران عقیف و محجبه امکان ازدواج پیدا کنند. به نقل از:

<http://kazhealth.blogfa.com/post-305.aspx>

این خبر بعداً توسط سازمان ملی جوانان تکذیب شد.

۵. آمار طلاق در کشور از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ (آخرین سالی که آمار موجود نشان می‌دهد) پیوسته روبه فزونی بوده و از ۹/۴ در سال ۱۳۸۰ به ۱۴/۱۳ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده است. (تحلیل از داده‌های آماری معاونت آمار شورای فرهنگی، اجتماعی زنان سال ۱۳۸۸) و از سوی دیگر شاهد کاهش نرخ رشد ازدواج هستیم. این نرخ در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶، ۴/۸۱ درصد بوده و در سال ۱۳۸۸ نسبت به ۱۳۸۷ به یک درصد کاهش

از جمله آثار دیگر تأثیر اندیشه برابری حقوق زن و مرد و جنبش‌های فمینیستی غربی حضور هرچه بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی است که می‌توانست آثار مثبت در تولید ثروت و قدرت جامعه داشته باشد ولی به بازارگردی و خودنمایی زنان، حذف فرصت شغلی بخشی از مردان، افزایش زنان شاغل فاقد همسر، اشتغال آنان به مشاغلی که با طبیعت و روحیات زنانه سازگار نیست و خلاصه سوءاستفاده از زنان منتهی و به نوبه خود سبب افزایش روابط جنسی آزاد شده است. عوامل فوق همراه با عدم اشتغال و درآمد مکفی و هزینه بالای زندگی مشترک، درصد بالایی از ازدواج‌ها را به طلاق می‌کشاند.

در مورد بالا رفتن سن ازدواج^۱ این پرسش مطرح است که فاصله بین بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی را چگونه باید پر کرد؟ در این فاصله نیاز جنسی هست و شرایط ازدواج دائم نیست. مرحوم شهید مطهری می‌گوید: «خاصیت عصر جدید این است که فاصله بلوغ طبیعی را با بلوغ اجتماعی و قدرت تشکیل عائله زیادتر کرده است... شما اگر امروز یک پسر محصل ۱۸ ساله را که شور جنسی به اوج خود رسیده است، تکلیف به ازدواج بکنید به شما می‌خندد. همچنین است یک دختر محصل ۱۶ ساله. عملاً ممکن نیست این طبقه در این سن زیر بار ازدواج دائم بروند و مسئولیت یک زندگی را که وظایف زیادی برای آنها نسبت به یکدیگر و نسبت به فرزندان آینده‌شان ایجاد می‌کند بپذیرند».^۲

در شرایط موجود تقاضای جنسی تحت تأثیر تغذیه پرکالری و محرک‌های جنسی از قبیل تصاویر و فیلم‌هایی که حاوی برهنگی شهوت‌انگیز است و تصاویر و فیلم‌های پرنوگرافی و... افزایش و میانگین سن بلوغ جنسی کاهش یافته و موجب بلوغ زودرس در نوجوانان شده است و ازسوی دیگر عدم شرایط مناسب برای ازدواج دائم و تشکیل زندگی مشترک از یک‌سو و تأثیر آموزه‌ها و فرهنگ غرب ازسوی دیگر سبب شده‌اند که روابط و رفتارهای جنسی خارج از حدود عقل و شرع در جوامع اسلامی گسترش یابد.

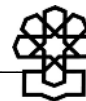
به‌ویژه آنکه غرب بعد از انقلاب اسلامی در راهبرد تهاجمی نرم،^۳ علیه نظام حقوقی اسلام در ایران مخالفت با احکام شرع و عقل را در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در عرصه روابط جنسی در

یافته است (معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی سال ۱۳۸۸) با توجه به اینکه جمعیت نرخ رشدی برابر ۱/۲ داشته است (مأخذ هر دو: بررسی روند رشد موالید، ازدواج و طلاق در ایران، چالش‌ها و راهکارها، یوسف افتخاری، رضا مستمع).

۱. لازم به ذکر است که پسر «از سن ۳۵ به بعد ... اسپرمش شروع به کسر و کاهش می‌گذارد و دختر از ۲۷ سال به بالا زایمانش سخت [می‌شود] و در سن بالاتر فرزندان نارسا و منگول بیشتر داریم» سیدرضا پاک‌نژاد، ازدواج در اسلام، ص ۹۲. لذا گفته شده سن مناسب ازدواج برای دختران ۱۸ تا ۲۴ و برای پسران ۲۴ تا ۲۸ سال است.

۲. امام علی (ع) فرمود: «هر کس خود را بررسی و محاسبه کند بر عیوبش واقف می‌گردد»، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۹۹.

۳. آیا غرب راهبرد معینی دارد یا اقتضای طبیعت او همین است، البته این دو مانع‌المجمع نیستند، یعنی هم طبیعت غرب چنین اقتضایی دارد و هم آگاهانه برای فروپاشی جوامع اسلامی آن را به‌عنوان یک راهبرد در دستور کار خود قرار داده است.



دستور کار خود قرار داده است.

این شیوه سلب هویت اسلامی و فروپاشی فرهنگی جوامع اسلامی در گذشته نیز توسط غرب، در جوامع اسلامی اعمال شده است و همان‌طور که در گذشته با آن مقابله شده است در این زمان نیز لازم است شیوه اصولی و مؤثر مقابله با تهاجم فرهنگی غرب شناسایی و اعمال شود. در این راستا باید ابتدا از وضعیت موجود آگاه شویم.

گفتار اول - وضعیت موجود در آیینہ آمار

به نظر می‌رسد رفتارها و روابط جنسی نامشروع در حد نگران‌کننده‌ای گسترش یافته است. از این رو به حکم «من حاسب نفسه وقف علی عیوبه»^۱ لازم است تحقیقات و محاسباتی صورت گیرد تا بتوانیم تصویری روشن از وضعیت موجود داشته باشیم. تحقیقاتی انجام شده و آمار و ارقامی در اختیار است. اما اطلاع بر آمار و ارقام به سهولت امکان‌پذیر نیست گرچه از مطالبی که دسته‌وگریخته در رسانه‌ها و مطبوعات درج می‌شود می‌توان تا حدودی بر وضعیت موجود واقف شد. منظور از گسترش یافتن رفتارها و روابط جنسی نامشروع این است که این‌گونه رفتارها و روابط در زمان تنظیم مقاله (سال ۱۳۹۰) بالنسبه به همین رفتارها و روابط در اوایل انقلاب (سال ۱۳۶۰ مثلاً) افزایش نگران‌کننده یافته باشد که برابر آمار این‌گونه است.

مبحث اول - رفتار جنسی

منظور از رفتار جنسی هر عملی است که فرد به تنهایی در خلوت یا جلوت انجام می‌دهد و برابر معیارهای مشخص شده در حقوق اسلامی غیرمجاز و ممنوع است مانند، خودارضایی، دیدن صاویر مستهجن، چشم‌چرانی، بدحجابی و خودآرایی تحریک‌کننده و...

- خودارضایی

در فقه هرگونه طلب اخراج منی از خویش را به غیر از طریق آمیزش خودارضایی (استمناء) گویند. طبق برخی بررسی‌ها در این زمینه «در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ از ۱۴۱۵۵۲ دانش‌آموزان (دختر و پسر) دوره متوسط در کل کشور تعداد ۱۱۶۱۷ نفر (۸/۲ درصد) دچار خودارضایی بودند»^۲.

۱. نظام، حقوق زن در اسلام، ص ۴۲.

۲. «در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ نیز از کل دانش‌آموزان دوره متوسط در کل کشور تعداد ۱۴۱۵۵۲ دانش‌آموز دوره متوسط (دختر و پسر) همجنس‌گرا ۲۴۸۸۹ نفر (۱۷/۵ درصد) خودارضایی ۱۱۶۱۷ نفر (۸/۲ درصد) ارتباط با جنس مخالف ۱۰۵۰۴۶ نفر (۷۴/۳ درصد) بودند». بررسی آسیب‌های اجتماعی جوانان چالش‌ها و راهکارها، ص ۱۵، به نقل از وزارت آموزش و پرورش به استناد نامه شماره ۵۴۰/۱۲۸/۴۸۱، ۱۳۸۸.

- دیدن تصاویر مستهجن

«براساس تحقیقات ارتش سایبری سپاه در زمینه مراجعه کاربران ایرانی به سایت‌های غیراخلاقی، شیراز رتبه ششم کشور را دارد». «براساس این تحقیقات «آمار استان‌های تهران، یزد و اصفهان در رده‌های نخست تا سوم قرار دارند». همچنین «براساس آمار دیگری در زمینه استفاده کاربران اینترنت از سایت‌های غیراخلاقی در ظهر عاشورا در بین ۱۸۲ کشور جهان تهران مقام نخست و شیراز رتبه پانزدهم را به خود اختصاص داده است»^۱.

- چشم‌چرانی

در تحقیقی توسط «مارک ایرلند» درباره چشم‌چرانی آمده است که «مردان به طور متوسط ۴۳ دقیقه از وقت خود را در روز به چشم‌چرانی می‌گذرانند! ...» وی می‌گوید: «مردان به طور متوسط در طول این ۴۳ دقیقه، ۱۰ فرد مختلف را از نظر می‌گذرانند». وی همچنین به این نتیجه رسیده است که «این تنها مردان نیستند که چشم‌چرانی می‌کنند بلکه زنان نیز در رابطه با این موضوع کم‌وبیش فعال هستند. زنان به طور متوسط در طول روز، ۲۰ دقیقه از وقت خود را صرف نگاه کردن به ۶ فرد مختلف می‌کنند»^۲.

در مورد آثار و نتایج چشم‌چرانی نیز تحقیقاتی شده است از جمله:

«در سال ۱۹۶۲ در نیویورک در اثر چشم‌چرانی ۲۷۶۶ تصادف رخ داد که ۳۸۰ فقره به قتل منجر شد؛ طبق آمار ۱۶۵۰ طلاق صورت گرفت که با تحلیل کامل عامل اصلی آن چشم‌چرانی تشخیص داده شده است و همچنین ۵۰۰۰ فقره پرونده نزاع و قتل در اثر چشم‌چرانی تشکیل گردید»^۳.

- بدحجابی و خودآرایی تحریک‌کننده

در این زمینه برخی اخبار حاکی است که «طی یک دوره یک‌ماهه تعدادی از زنان و دختران بدحجاب دستگیر شدند که وضعیت آنها در ابعاد مختلف بدین شرح است:

۱. از نظر گروه سنی بالغ بر ۷۸/۹ درصد از یادشدگان زیر ۱۵ سال، ۹/۴۶ درصد آنها بین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۵/۳۱ درصدشان بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۸/۱۳ درصدشان ۲۶ تا ۳۰ سال سن داشته‌اند.

۲. به‌لحاظ وضعیت تأهل بالغ بر ۶/۸۴ درصد از یادشدگان مجرد، ۱/۱۳ درصد از آنها متأهل و ۳/۲ درصدشان مطلقه بوده‌اند.

۳. از نظر میزان تحصیلات بالغ بر ۹/۴۶ درصد از یادشدگان دارای تحصیلات متوسطه و

۱. به نقل از ابراهیم بیانی معاون اطلاعات سپاه فجر استان فارس در جمع مدیران و فرماندهان پایگاه مقاومت ادارات استان فارس، به نقل از:

<http://shirazna.ir/news/3146>

۲. به نقل از: <http://www.generalha.ir>

۳. به نقل از: <http://reshadat.parsiblog.com>



- دیپلم، ۷/۲۷ درصد آنها فوق دیپلم و لیسانس و ۴/۲۵ درصدشان بالاتر از لیسانس بوده‌اند.
۴. به‌لحاظ داشتن شغل بالغ بر ۴/۲۵ درصد از یادشدگان محصل، ۳/۱۹ درصد از آنها دانشجو، ۴/۱۵ درصدشان دارای شغل آزاد، ۵ درصد کارمند بخش خصوصی، ۵/۱۱ درصدشان خانه‌دار و ۱۷ درصد کارگر یا بیکار بوده‌اند.
۵. از نظر نحوه زندگی بالغ بر ۵/۳۸ درصد از یادشدگان با والدینشان و ۷/۱۷ درصد از آنها با یکی از والدینشان زندگی می‌کنند و ۸۸/۴۴ درصدشان از پاسخگویی به این سؤال خودداری کرده‌اند.
۶. به‌لحاظ سابقه دستگیری بالغ بر ۵/۸۷ درصد از یادشدگان سابقه دستگیری نداشته‌اند، ۵/۷ درصد از آنها برای بار دوم دستگیر شده‌اند و ۵/۵ درصدشان از پاسخگویی به این سؤال خودداری کرده‌اند.^۱

مبحث دوم - رابطه جنسی

منظور از رابطه جنسی، رفتار جنسی قائم به دو فرد یا چند فرد است که از نظر حقوق اسلامی اشکال دارد خواه با رضایت یا بدون رضایت مانند ملامسه بدنی، اعم از دست دادن دو نامحرم با یگدیگر، بوسیدن، همچنین تن‌فروشی (روسپیگری) و روابط جنسی بین دو جنس موافق و حتی با حیوانات و نیز گفتگوهای نامشروع.

- ملامسه بدنی با رضایت و دوستانه بدون رضایت اعم از ملامسه قهری در فضای بسته و شلوغ مانند مترو^۲ یا در پارتنی‌ها یا عدوانی مانند نیشگون گرفتن.

دکتر محمود گلزاری عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در واکنش به خبری که به نقل از وی در رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های خبری منتشر شده مشعر بر اینکه «در ایران ۸۰ درصد دختران دبیرستانی با یک پسر دوست هستند و حتی ممکن است ارتباط جنسی هم داشته باشند که خانواده‌ها و مسئولین مدارس از این موضوع بی‌اطلاع هستند»^۳ توضیح داد و این خبر را تصحیح کرد و گفت: «در توضیح و تصحیح آمار دختران دبیرستانی که از قول اینجانب نقل شده است، به اطلاع می‌رساند: از بیست‌وپنج سال پیش، اینجانب هم با حضور در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، هم با اجرای چند پژوهش میدانی علمی و مفصل به سفارش نهادها و مراکز فرهنگی (دبیرخانه شورای

۱. به نقل از: <http://flood.blogfa.com/post-17.aspx>.

۲. از آیت‌الله بهجت سؤال شده: در محیط‌های بسیار شلوغ همچون اتوبوس، بازار و... ممکن است بدن زن و مرد نامحرم از روی لباس با همدیگر تماس پیدا کند، آیا این عمل حرام است و در صورت علم به چنین برخوردهایی لازم است از ورود به چنین محل‌هایی پرهیز شود؟ و ایشان پاسخ داده است: احتیاط در این موارد مطلوب است. به نقل از: <http://www.mtb.ir/index.php/ahkam/estefahat>.

۳. به نقل از: <http://www.jahannews.com/vdebagb8grhbfop.uuur.html>.

فرهنگ عمومی کشور، وزارت علوم، وزارت بهداشت، ... و نیز با راهنمایی کردن بیش از پانزده پایان‌نامه دانشجویی، در جریان پدیده ارتباط دختران و پسران ایرانی قرار دارم.^۱

وی ادامه داد: «پرسشنامه معتبری که برای این تحقیقات تهیه و اعتبارسنجی شده بود OSR (رابطه با جنس مخالف) نام داشت که چهار وضعیت: ۱. هم‌اکنون رابطه دارم، ۲. قبلاً رابطه داشته‌ام، ۳. علاقه یکطرفه دارم، ۴. ارتباط نداشته و ندارم را می‌سنجید (البته این پرسشنامه ۱۴ سؤال داشت). در سال‌های اخیر (سه سال اخیر) با اجرای این آزمون در چند دبیرستان دخترانه در تهران، حدود ۸۰ درصد آزمودنی اظهار کرده‌اند که یا هم‌اکنون رابطه دارند، یا قبلاً داشته‌اند یعنی در مجموع دوستی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند.^۲

گلزاری در مورد نحوه ارتباط دخترها با جنس مخالف اظهار داشت: «این دوستی‌ها و رابطه‌ها در طیفی از گفتگوی تلفنی، تماس از طریق چت اینترنتی، ملاقات حضوری در مراکز عمومی، تماس خصوصی در خلوت، ارتباط جسمی و رابطه جنسی را شامل می‌شود. معلوم است که رابطه‌ها و تماس‌های مراحل آخر (جسمی و جنسی) بسیار کم و زیر ده درصد است.»^۳

وی افزود: «با این توضیح نمی‌توان آمار اعلام شده را اولاً، به دختران دبیرستانی ایران تعمیم داد؛ ثانیاً، بیشتر این دوستی‌ها شامل ساده‌ترین نوع تماس تا ملاقات حضوری در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌شود. اما نباید فراموش کرد که اگر به نوجوانان ما و والدینشان آموزش‌های مفید و راهگشا داده شود، می‌توان جلوی پیشروی آنها را به مراحل نابهنجارتر گرفت. آمار ما نشان می‌دهد ۴۰ درصد دختران دانشجویی که گفته‌اند با جنس مخالف رابطه دارند، اولین دوستی‌های خود را در سن راهنمایی و زیر ۱۴ سال آغاز کرده‌اند و این می‌رساند که ضروری است، نوجوانان خود را بیشتر مراقبت کنیم.»^۴ گلزاری در آخر گفت: «آخرین یافته‌های روانشناسی می‌رساند که زنان و دختران بیش از جنس مذکر تحت تأثیر آموزش‌های مستقیم و یا آگاهی‌های غیرمستقیم از طریق دوستان خود قرار می‌گیرند (نظریه تغییرپذیری جنسی) از این رو آموزش‌ها را باید جدی بگیریم.»^۵

به گزارش خبرنگار «تابناک» رئیس پلیس امنیت اخلاقی ناجا^۶ گفت: «در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ آمار کشف باندهای فساد ۳۰ الی ۳۵ درصد افزایش داشته است.» وی افزود: «منظور از باندهای فساد عده‌ای هستند که خانه‌های فساد را تشکیل می‌دهند و یا افرادی که پارتی‌های دوره‌ای

۱. به نقل از: <http://www.ghalamha.mihanblog.com>

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. سردار روزبهانی.



برگزار می‌کنند که حتی در مواردی به آنها برای آن پارتی‌ها به صورت اینترنتی تا سقف ۳۰ هزار تومان بلیت می‌فروختند که با کار اطلاعاتی محل آنها شناسایی و دستگیر شدند»^۱.

«اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران تحقیقی به روش کمی و پرسشنامه در میان صدها زن جوان بین ۱۵ تا ۳۵ سال در مناطق شمالی و جنوبی شهر تهران در مورد تعرض جنسی به آنان از نوع نگاه‌های معنادار، متلک‌های زننده و لمس اعضای بدن انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۷۲/۵ (هفتاد و دو و نیم) درصد در مقابل نگاه‌های معنادار، ۶۲/۵ (شصت و دو و نیم) درصد در مقابل متلک‌های زننده و ۱۲/۵ (دوازده و نیم) درصد از زنان در مقابل لمس اعضای بدن سکوت می‌کنند. اینها در حالی است که بیش از ۶۰ درصد از زنان سابقه این نوع تعرضات جنسی را داشته‌اند»^۲.

– گفتگوهای شهوانی

همچنین در تحقیقات دیگری که در سال ۱۳۸۷ از چند دانشگاه دولتی در تهران و مراکز استان‌ها و دانشگاه آزاد اسلامی انجام گرفته نشان می‌دهد که «از یک جامعه آماری ۱۹۸۴ نفر (دختر و پسر) ۸۱/۸ درصد از دانشجویان موافق با گفتگو دوستانه با جنس مخالف بوده‌اند»^۳ در حالی که در یک تحقیق دیگر «۵۴/۴ آنان گفتگوی دوستانه دو جنس مخالف را حرام می‌دانند».

– رابطه جنسی نامشروع^۴ اعم از زنا، تفخیز، و...

برخی تحقیقات «انجام گرفته از یک جامعه آماری ۱۶۱۰ دانش‌آموز در سال ۱۳۸۷ در خصوص روابط غیرمجاز دختر و پسر نشان می‌دهد ۳۰ درصد این افراد با جنس مخالف رابطه غیرمجاز داشته‌اند»^۵. همچنین «در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ از ۱۴۱۵۵۲ دانش‌آموزان (دختر و پسر) دوره متوسط در کل کشور تعداد ۱۰۵۰۴۶ نفر (۷۴/۳ درصد) دارای رابطه با جنس مخالف بودند»^۶.

– همجنس‌گرایی (لواط و مساحقه)

«در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ از ۱۴۱۵۵۲ دانش‌آموزان (دختر و پسر) دوره متوسط در کل

۱. به نقل از <http://tallery.yard.ir/post/429>.

۲. به نقل از: <http://hafrin.sara.org/?p=851>.

۳. بررسی آسیب‌های اجتماعی جوانان چالش‌ها و راهکارها، ص ۱۵، به نقل از وزارت آموزش و پرورش به استناد نامه شماره ۵۴۰/۱۲۸/۴۸۱، ۱۳۸۸.

۴. به گزارش خبرگزاری فارس، علی‌اکبر عصارنیا معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان ملی جوانان کشور گفت: متأسفانه ۵۶ درصد جوانان ما براساس اظهارات خود اعلام کرده‌اند که در طول دوران جوانی با یک دختر در ارتباط بودند که متأسفانه از این تعداد ۲۶ درصد منجر به رابطه نامشروع جنسی شده است. وی اضافه کرد: جای تأسف است که ۱۳ درصد روابط نامشروع جنسی در بانوان منجر به حاملگی ناخواسته شده که این افراد ناچار به سقط جنین شده‌اند. به نقل از: <http://kazhealth.blogfa.com/post-305.aspx> این خبر بعداً توسط سازمان ملی جوانان تکذیب شد.

۵. محمدسادات منصوری، آسیب‌شناسی حجاب و عفاف در ایران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۷.

۶. بررسی آسیب‌های اجتماعی جوانان چالش‌ها و راهکارها، ص ۱۵، به نقل از وزارت آموزش و پرورش به استناد نامه شماره ۵۴۰/۱۲۸/۴۸۱، ۱۳۸۸.

کشور تعداد ۲۴۸۸۹ نفر (۱۷/۵ درصد) همجنس‌گرا بودند.^۱

- روسپیگری

همچنین «براساس اظهارات کارشناسان در سال ۱۳۸۸ در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ [= ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰] سن روسپیگری بالای ۳۰ سال بود، اما اکنون سن روسپیگری به ۱۵ سال به بالا رسیده است».^۲ و بدتر از همه آنکه «به گزارش سایت فرارو تحقیقات دانشگاه شهید بهشتی نشان داده است که آمار روسپیگری بین زنان متأهل بیشتر از مجردهاست»^۳ و متأسفانه «۱۱ درصد روسپیان شهر تهران با اطلاع همسرانشان دست به روسپیگری می‌زنند».^۴

«در پی دستگیری بالغ بر دو هزار زن خیابانی و بررسی وضعیت آنها، مشخص گردیده ۶۰۰ نفر از آنها روسپیگری را به‌عنوان شغل خود انتخاب کرده‌اند و ۱۴۰۰ نفرشان از طریق شبکه‌های مجازی به این دام افتاده و اقدام به ارتباطگیری با مردان هوسران می‌کرده‌اند».^۵ «این درحالی است که براساس آمارهای موجود، هم‌اکنون بالغ بر ۵/۱ میلیون نفر زن بیوه و مطلقه در کشور وجود دارد و روزانه نیز ۱۶۰ نفر به این آمار اضافه می‌شود. ازسوی دیگر حدود ۵/۴ میلیون نفر دختر نیز وجود دارند که هنوز ازدواج نکرده‌اند. نکته درخور توجه اینکه فاصله بین سن بلوغ و ازدواج در کشور به‌شدت بالا رفته است، به‌طوری که بین سن بلوغ با ازدواج دختران ۱۸ سال و پسران ۱۵ سال فاصله افتاده است».^۶

- تعدیات جنسی

«معاونت مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی از تشکیل ۲۸۰ پرونده تجاوز جنسی در چهار ماه نخست سال ۱۳۸۸ خبر می‌دهد».^۷

- وطی بهایم

در این زمینه به آماری هرچند ناکافی بر نخوردیم.

این بخش کوچکی از آمارها در این زمینه است که گوشه‌ای از حقیقت را نشان می‌دهد و نه

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. همان، ص ۱۶.

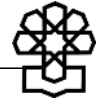
۵. به نقل از: <http://khabrkhoooneh.com/fa-IR/story/19148>.

۶. همان.

۷. <http://khabarnekar.blogfa.com/post-1510.aspx>.

آمار تجاوزات جنسی در آمریکا وحشتناک است «در هر دقیقه ۳/۱ زن آمریکایی مورد تجاوز واقع می‌شود. تمام این تجاوزات، تجاوز به عنف است و با این حساب در هر ساعت ۷۸ زن، در هر روز ۱۸۷۱ زن و در هر سال ۶۳۸ هزار زن مورد تجاوز قرار می‌گیرند». به نقل از:

http://news.police.ir/ncms/full_story?id=217276



تمام آن را، اما مشت نمونه خروار است و مهم این است که علل و عوامل بروز این وضعیت شناسایی و ریشه‌کن شود تا جامعه سلامتی و صلاح خود را باز یابد. در بحث بعد علل و عوامل بروز فحشای جنسی را به اختصار مرور می‌کنیم.

گفتار دوم - عوامل مؤثر در گرایش به رفتارهای جنسی آزاد

علل و عوامل چندی در گرایش به رفتار جنسی خارج از حدود یا آزاد (= فحشا و هنجارشکنی) مؤثر است. این علل به‌طور کلی به درونی و بیرونی قابل بخش است. عوامل درونی را تحت عنوان اعتقادی و اخلاقی یا روانشناختی و عوامل بیرونی یا عینی و اجتماعی را تحت عنوان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌توان بررسی کرد.

رفتارهای افراد در هر زمینه‌ای و در زمینه جنسی ناشی از شاکله^۱ درونی آنها است که در خانه و جامعه به‌طور مستقیم یا توسط الگوهای رفتاری به آنها القا شده است. براین اساس روشن است که میزان آگاهی‌ها و تربیت‌های صحیح والدین و ساختارهای سالم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه در تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد بسیار مؤثرند. گرچه از تأثیر عوامل ژنتیکی نیز نباید غفلت کرد. اما در ورای همه اینها این عنصر نیاز است که رفتار نهایی انسان را رقم می‌زند مثلاً حاجت شدید جنسی و باز نبودن راه و در اختیار نبودن وسیله معروف و مشروع از یک‌سو و جهل و ضعف ایمان از سوی دیگر افراد را به سوی منکرات سوق می‌دهد به‌گونه‌ای که ممکن است برای رسیدن به خواسته و رفع نیازش همه هنجارهای پذیرفته شده را زیر پا بگذارد و در وادی منکر به‌طور منفعل آلت دست دیگران شود یا به‌طور فعال با ساماندهی و هدایت منفعلان مستعد اقدام کند. در اینجا فهرست‌وار به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

مبحث اول - عوامل درونی اخلاقی و اعتقادی

از جمله عوامل درونی اخلاقی یا روانشناختی و اعتقادی، اخلاق فاجرانه است که در میل به آزادی مطلق و دنیاگرایی و بی‌دینی و ضعف علم و ایمان قابل مشاهده است. ذیلاً به نقش این عوامل در گرایش به رفتارهای جنسی ناسالم اشاره می‌شود.

بند اول - تمایل به آزادی مطلق

تمایل به آزادی مطلق و ناپایبندی به قانون خواه قوانین عرفی باشد یا قوانین شرعی. این گرایش به یک معنا ریشه در فطرت انسان دارد، بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ^۲ لکن برجسته شدن آن در روابط

۱. قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا. سوره اسرا: ۱۷، آیه ۸۴.

۲. سوره قیامت: ۷۵، آیه ۵.

اجتماعی حاکی از عدم موفقیت^۱ مدیران خانواده و جامعه در تأدیب و تربیت افراد و پایبند کردن آنان به قانون است.

اگر این تمایل به خصلت افراد بدل شود، مولد آنارشیزم است، برای آنارشیزم فرقی بین حدود اسلامی و غیراسلامی نیست.

البته در این زمان گرایش به آزادی در چارچوب خودآیینی یا لیبرالیسم خودمحور ترویج می‌شود که با تقید به دستورات دین، که گاه در حد فهم بشر نیست، سازگار نمی‌باشد.

بند دوم - نفع‌طلبی و دنیاگرایی

یکی از گرایش‌های فطری انسان نفع‌طلبی اوست، در جامعه‌ای که نفع‌طلبی مادی و دنیاگرایی فرهنگ شود و معیار شخصیت انسان، دارایی و تمول او باشد و زمانی که اسباب رسیدن به مادیات مثلاً داشتن مدرک دکتری و احراز فلان سمت باشد، افرادی برای کسب مال یا عناوین و موقعیت‌هایی که به کسب مال می‌انجامد حاضر می‌شوند هر فکر و روش و سیستمی را که به مال و لذات دنیا ختم می‌شود بپذیرند و با هرچه به غیر آن دعوت می‌کند پشت کنند. این مبنای فکری و اعتقادی افراد را بر آن می‌دارد دین و اخلاق خود را نیز فدا کنند و تملق و تذلل داشته باشند و حتی تن‌فروشی کنند.

بند سوم - ضدیت با اسلام

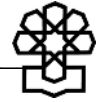
می‌دانیم که بخشی از جامعه ما را افرادی تشکیل می‌دهند که با اسلام مشکل دارند، حال یا به ادیان دیگری وابسته‌اند یا اصولاً از تقید به دستورات هر دینی گریزانند. از این رو بخشی از افراد جامعه به قوانین و حدود اسلام در روابط جنسی گردن نمی‌گذارند به‌ویژه اگر مشاهده کنند مدعیان دینداری نیز خود چندان که باید به قوانین اسلام پایبند نیستند و نظامات حقوق بشری آنها را نیز به خود جذب کرده است.

بنابراین اصلاح گرایش انحرافی در روابط و تعاملات جنسی به اصلاح باورها و اعتقادات جامعه و افزایش کمی و کیفی باور به آموزه‌های دینی در این زمینه بازمی‌گردد.

اما اگر پذیرفته باشیم دین خود نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی دچار سوءاستفاده و کاستی در عرضه و تبلیغ می‌شود به دشواری این راه حل واقف می‌شویم.

همه ادیان در همه جوامع با مشکلاتی مواجه می‌شوند چون دین می‌خواهد اراده بشر را به بهترین شیوه برای رسانیدن وی به کمال مقید کند، همین اراده با اراده کسانی که می‌خواهند آزاد باشند تا در برهه حیات دنیوی بخورند و بیاشامند و لذت ببرند، تزاخم پیدا می‌کند و آنها را به مخالفت با خود برمی‌انگیزد، علاوه بر اینکه عده‌ای نیز در لباس دینداری دین را ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی و غیرسیاسی خود در دنیا قرار می‌دهند و یا برداشت شخصی و غلط خود را پای

۱. این عدم توفیق خود معلول، عواملی است که در همین مقاله به اختصار به آنها اشاره خواهیم کرد.



دین می‌گذارند. نتیجه آنکه فرهنگ و نهادهای دینی در گذر زمان و به تدریج از فرهنگ بومی تأثر پذیرفته و تغییر و تحول می‌یابد. دین اسلام و مذهب تشیع نیز از این عارضه مصون نمانده است. بنابراین در عرصه روابط جنسی نیز گاه سختگیری‌هایی مشاهده می‌شود که وجه معقولی ندارد، سخت شدن روند ازدواج دائم، مخالفت با تعدد زوجات، مخالفت با ازدواج موقت، نگهداشتن ازدواج در قالب‌های سخت فقهی و عدم تطابق فقه با مقتضیات روز در این زمینه و... از جمله اسبابی است که افراد را به مخالفت با اسلام و به تبع نادیده انگاشتن دستورات و رهنمودهای آن برمی‌انگیزد.

بند چهارم - ضعف علم و ایمان

ضامن اجرای قوانین اسلام، علم و ایمان مؤمنان است. اگر علم و ایمان به خدا و رسول و آخرت و مصالح فراعقلی و اخروی به هر دلیلی ضعیف باشد سبب می‌شود مؤمنان در رفتارهای جنسی خودشان به حدود شرع پایبند نباشند و به رفتارها و روابط آزاد جنسی روی آورند. متأسفانه گاه مشاهده می‌شود که خود متولیان دین و علم و ایمان که باید پرچم‌دار التزام به حدود شرع باشند، تحت تأثیر شهواتشان حدود شرعی را رعایت نمی‌کنند تا چه رسد به آن دسته از مؤمنان که تحت تأثیر فرهنگ و تبلیغات غربی قرار گرفته‌اند و من حیث لایشعر رفتارهای غربیان را تقلید می‌کنند و مثلاً در مجالس خود رعایت پوشش شرعی را لازم نمی‌دانند و یا زن‌های خود را از خودنمایی که فطری آنهاست و می‌باید توسط خودشان یا همسران و پدران و برادران کنترل شود، مهار نمی‌کنند. بلکه برخی از مردان متدین را می‌بینیم که دوست دارند محاسن زن‌هایشان را به دیگران نشان دهند و کار برخی از به اصطلاح مسلمانان به اینجا کشیده شده که عقل و ادراکات خود را زیر پا گذارده و می‌گویند: عشق و علاقه من به او محلل رابطه ماست نه خواندن صیغه ازدواج.

ضعف ایمان که موجب دنیازدگی و تأثیرپذیری از فرهنگ غیراسلامی است باعث شده که در عرصه رفتارها و روابط جنسی مؤمنان دگرگونی و اعوجاج‌های عجیب و غریبی پدید آورد و در یک کلام فرهنگ دینی آنان را به فرهنگ ناشناخته از نظر دین تبدیل کند و مثلاً ازدواج سهل به معامله‌ای شاق و زیانبار تبدیل شود که بعداً به آن اشاره می‌شود.

مبحث دوم - عوامل بیرونی اجتماعی

عوامل اجتماعی خود تحت سه عنوان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ممکن است بررسی شوند.

بند اول - عامل اقتصادی

اقتصاد وابسته و مبتلا به بیکاری و تورم و رانت‌خواری و... که موجب فاصله طبقاتی فاحش و عدم توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌های برابر می‌شود و امکان کسب درآمد شرافتمندانه را از افراد سلب می‌کند اگر با دنیازدگی و تجمل‌گرایی همراه باشد اقشاری از جامعه را که توان قرار گرفتن در مسابقه رفاه‌زدگی را ندارند به راه‌های نامشروع از جمله کسب درآمد از طریق تن‌فروشی و تشکیل

باند‌های فساد و فحشا و... می‌کشاند.

این جمله از رسول گرامی اسلام یادمان نرود که فرمود: «نزدیک است که فقر انسان را به کفر بکشاند»^۱ و روشن است وقتی کفر آمد هر نوع فساد از جمله فساد جنسی را نیز با خود می‌آورد. هرگاه جامعه دچار فقر شود بسیاری از امراض و ناهنجاری‌های اجتماعی بروز و شدت پیدا می‌کند که یکی از آنها فحشای جنسی و فروش سکس است. بسیاری از زنانی که ناچار شده‌اند به‌خاطر سیر کردن شکم خود و احیاناً فرزندان، خود را در اختیار مردان هوسباز قرار دهند.

بند دوم - عامل سیاسی

یکی دیگر از عوامل اجتماعی گرایش به فحشای جنسی در فضای فعلی جامعه ما عامل سیاسی است. عدم اعتقاد به دین یا حضور دین در مدیریت جامعه موجب ضدیت با حاکمیت دینی و راهبردهای آن است.

همچنین ضدیت با حاکمیت دینی از دو ناحیه دیگر هم ممکن است:

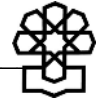
۱. از ناحیه صلاحیدهای نادرست حکومتگران مثل اینکه حاکمیت به خودکامگی روی آورد و آزادی‌های خداداد و مشروع را از شهروندان سلب نماید چنانکه در زمان خلیفه دوم باب متعه که نوعی برخورداری و التذاذ و ارضای جنسی از طریق ازدواج موقت بود در دفاع از ازدواج دائم که تصور می‌شد پیمانی مقدس^۲ و آسمانی است بر افرادی که شرایط ازدواج دائم نداشتند، بسته و راه آنان به سمت روابط نامشروع باز شد.^۳

پیشتر به دلایلی که شاید سبب تحریم متعه از طرف خلیفه دوم شده اشاره کردیم و در اینجا می‌افزاییم شاید یک جهت دیگر تحریم متعه روح سختگیر و خشن خلیفه دوم بود که بر صلاحیدهای وی اثر می‌گذاشت و به انحای مختلف بر دست‌وپای افراد قیدوبند می‌زد و اجازه نمی‌داد در یک فرآیند شورایی مصلحت وقت مشخص شود.

۱. عن ابی عبدالله (ع) قال: کاد الفقر أن یكون کفراً: امام صادق (ع) فرمود: فقر نزدیک است که به کفر انجامد، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۹.

۲. ازدواج ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر عقود ممتاز ساخته و جایگاه خاصی به آن داده است، پس اگر گاه تعبیر شود: نکاح امری مقدس است، مراد نزاهت و تقدس آن از نیات و مقاصد سوء است تا نتیجه‌های پاک و مقدس داشته باشد نه آن معنایی که در کشورهای غربی و تحت تأثیر کلیسا پدید آمد و «قریب هزار سال پیوند زناشویی در مغرب زمین یک عقد دینی بوده است. دخالت کلیسا در این کار از قرن ۹ میلادی آغاز شد و از آن به بعد رسم چنین بود که زوج‌های نامزد همسری به در کلیسا می‌آمدند تا کشیش پیوند آنان را تقدیس کند و بالاخره کار به آن صورت درآمد که انجام عقد نکاح یکی از احکام شرع شمرده شد. کلیسای کاتولیک رومی و کلیساهای ارتدوکس عقد نکاح را یکی از آیین‌های مقدس و غیرقابل نقض می‌دانند.» دائرة المعارف فارسی، ص ۱۱۸۶.

۳. لولا ما نهی عنها عمر ما زنی الا شقی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۰. از این روایت که در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده و اطمینان به صدور آن هست، استفاده می‌شود که متعه یا ازدواج موقت می‌تواند در کنترل فحشای جنسی مؤثر باشد. در گفتگوی امام صادق (ع) با مفضل آمده است «فلوله [یعنی عمر] ما زنی الا شقی او شقیة لانه کان للمسلمین غناء فی المتعة عن الزنی: اگر عمر از آن نهی نمی‌کرد جز شقی به زنا روی نمی‌آورد چون متعه مسلمانان را از زنا بی‌نیاز می‌ساخت»، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷۸.



حضرت امیر (ع) در توصیف حکومت در زمان خلیفه دوم می‌فرماید: «حکومت در حوزه‌ای خشن و مستبدانه قرار گرفت که نزدیکی به آن دشوار و تصحیح تصمیمات و اصلاح سیاستگذاری‌هایش همچون دست کشیدن بر تیغ بود»^۱ و این سبب شد که جامعه اسلامی از نظر فرهنگی دچار فساد شد و می‌دانیم هر حکومتی این‌گونه، برضد خود عمل می‌کند، خواه به‌نام دین باشد یا غیردین، نتیجه اینکه در حکومت‌های دینی مستبد، ضدیت با حکومت به ضدیت با دین نمود پیدا می‌کند.

البته همیشه درصدی از افراد جامعه به‌دنبال فسق و فجور هستند، اما زمانی که راه معقول و مشروع التذاذ جنسی (تمتع، متعه) بسته شود آن درصد افزایش می‌یابد.

۲. حاکمیت نتوانسته باشد به انتظارات عامه مردم به‌ویژه جوانان پاسخ دهد و شرایط زندگی را به‌گونه‌ای سخت کرده باشد که افراد را برمی‌انگیزد به هر شکل آن را به چالش بکشند و رفتار جنسی خارج از حدود نیز یکی از طرق ستیز با این حاکمیت است. از این‌رو به توصیه‌ها و سیاستگذاری‌های آن در عرصه‌های مختلف پاسخ نمی‌دهند به‌ویژه در عرصه فرهنگی که تنظیم‌کننده رفتار فرد با دیگران به‌ویژه با جنس مخالف و در روابط جنسی است.

شکی نیست که بخشی از جمعیت جوان جامعه که بیشترین متقاضیان و فعالان جنسی هستند، احساس می‌کنند برای رسیدن به خواسته‌هایشان با موانع عدیده مواجهند و همه این موانع گرچه توسط حاکمیت برقرار نشده است لکن عدم کارآمدی و ضعف و سوءتدبیر حکومت را در وجود موانع مؤثر می‌دانند، از این‌رو حتی با نفی آموزه‌های فرهنگ‌سازی که توسط حکومت عرضه می‌شود با آن مخالفت و مبارزه می‌کنند تا خود را از قید آن رها سازند و با برقراری نظامی لیبرال به راحتی به خواسته‌هایشان جامه عمل بپوشانند.

باید توجه داشت هر حکومتی زمانی قوانین و قیوداتش مورد قبول واقع می‌شود که مورد اعتماد مردمش باشد و حکومتی که نتواند اعتماد مردم را جلب کند و بین او و مردم فاصله افتاده باشد ناچار می‌شود برای بقای خودش دست‌وپای مردم را با وضع قوانین ببندد و در نهایت این تصور را به وجود می‌آورد که همه قوانین و مقررات آن در همین جهت است. لذا افراد برای نشان دادن اعتراض و مخالفت خود با حکومت، قوانین آن را در همه زمینه‌ها نادیده می‌گیرند، به‌ویژه در زمینه روابط جنسی. این رفتار قانون‌گریزانه زمانی تشدید می‌شود که متولیان امور خود نیز به قوانین پایبند نباشند.

بند سوم - عامل فرهنگی

از جمله عوامل فرهنگی مؤثر عبارتند از:

۱. چنانکه امام علی (ع) فرمود: فصرها فی حوزة خشناة یغلظ کلمها و یخشن مسها و یکنر العنار فیها و الاعتذار منها، فیض الاسلام، نهج البلاغه، ص ۴۷.

الف) تبلیغات بی‌بندوبارانه

آزادی یا بی‌بندوباری جنسی گاه از طریق تبلیغات بی‌بندوبارانه ترویج می‌شود، به این معنا که مثلاً فیلم‌های خارجی دوبره در فضای داخلی پخش می‌شود که به‌رغم سانسور در بخش‌هایی از آنها دلالت‌های بسیاری بر آزادی جنسی وجود دارد.

بخشی از فیلم‌های ساخت داخل نیز به‌رغم نظارت‌های مختلف بی‌بندوباری جنسی را تبلیغ می‌کنند، نشریات داخلی به‌ویژه برخی مجلات و صداوسیما رسمی نیز در این زمینه نمونه‌های قابل استناد بسیار دارند. همچنین نمی‌شود به سائیتی اینترنتی یا شبکه‌ای تلویزیونی در ماهواره وارد شد که تصاویر و فیلم‌های مبلغ آزادی جنسی را در خود نداشته باشد، کم‌تأثیرترین این تبلیغات، تبلیغ کالاهای مختلف توسط زنان نیمه‌برهنه است.

ب) تبلیغ بی‌بندوباری

این‌گونه تبلیغات که به‌طور گسترده در فضای غیراسلامی رواج دارد توسط ماهواره‌ها و اینترنت به درون خانه‌های ما راه پیدا کرده است و به رواج روابط جنسی آزاد یا همان فحش‌های جنسی در فضای اسلامی دامن زده است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هرچه دیده بیند دل کنه یاد

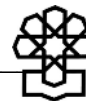
حجم بالای این تبلیغات کمتر کسی را مصون از تأثیر گذاشته است و دین با علم به این گرایش در فضای انسانی با تمهیداتی مانند الزام مؤمنان به ستر یا همان حجاب و تشویق به عفاف به مقابله با آن رفته است ولی متأسفانه این عناصر نیز تحت تأثیر تبلیغ بی‌بندوباری رنگ باخته است.

ج) تبلیغ غلط و ناکافی دینی

در مقابل این همه عوامل مؤثر در رواج روابط جنسی نادرست حجمی گسترده از تبلیغات مؤثر خنثی‌کننده و رواج روابط صحیح و هدایتگر باید وجود داشته باشد که متأسفانه در هر دو بخش با چنین چیزی مواجه نیستیم، یعنی هم تبلیغات خنثی‌کننده در آن حجم نیست و هم تبلیغات موجود صحیح^۱ هدایتگر و کارآمد نیستند و گاه برضد خود عمل می‌کنند. در بحث ما تبلیغ غلط در مورد ازدواج دائم یا موقت یکی از عوامل مؤثر در رویگردانی از این دو و روی آوردن به روابط جنسی نامشروع است.

متأسفانه ما اصل اسلام را نیز طوری معرفی نمی‌کنیم که افراد دریابند آسان است و التزام به دستوراتش جزء آسان‌ترین کارهاست. مثلاً ازدواج که بیشترین سفارش‌ها در مورد آن شده و باید از جمله سهل‌ترین کارها باشد، با تبلیغات نادرست به آسمان می‌رود و کارکرد خودش را از دست می‌دهد پس باید از آسمان به زمین بیاید تا بتواند به‌عنوان سنت رسول خدا به آن عمل شود.

۱. تبلیغ باید از اصولی منطقی و معقول پیروی کند تا صحیح باشد تبلیغات متأثر از فرهنگ تبلیغی غرب غلط است.



د) دگرگون شدن فرهنگ ازدواج

فرهنگ ازدواج^۱ در صدر اسلام بسیار آسان بود.^۲ این فرهنگ آسان به فرهنگی سختگیرانه در زمان ما تبدیل و سبب شده است که این نهاد کارکرد خودش را در عرصه جنسی و عاطفی از دست بدهد. این دگرگونی و سخت شدن فرهنگ را در ازدواج دائم و موقت مرور می‌کنیم.

۱. ازدواج دائم

اسلام تلاش کرده ازدواج دائم را امری عادی، آسان و قابل دسترسی قرار دهد مثل دیگر معاملات که افراد انجام می‌دهند، نه امری سخت، دشوار، مقدس^۳ و ماورائی.

قرآن در یک آیه می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۴ زنان و مردان بدون همسر را به هم برسانید [تا دچار بحران جنسی نشوید و از نداری آنها نترسید] که اگر فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود توانگر می‌سازد و خدا دانا و گشایش‌دهنده است».

و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَتِلَاثَ وَرَبَاعٍ»^۵ اگر بیم دارید [که در صورت ازدواج با دختران یتیم] در مورد آنان عدل را رعایت نکنید، از زنان دیگر که مورد پسند شمايند دوتا یا سه تا یا چهارتا به همسری گیرید».

که نشان می‌دهند پاسخ به نیاز جنسی از دید قرآن بسیار مهم است و در عین حال باید آسان گرفته شود که اگر این‌گونه نباشد با توجه به اینکه بروز و غلیان آن در اختیار انسان نیست، هر مردی را بر آن می‌دارد که همچون گرسنه‌ای به دنبال طعمه بگردد تا خود را سیر کند. این تقاضا موجب عرضه می‌شود و به فحشا می‌انجامد.

از پیامبر اسلام (ص) نقل است که فرمود: «از میمنت و مبارکی زن این است که آسان خواستگاری شود و مهریه‌اش سبک باشد».^۶

۱. فرهنگ ازدواج جزئی از فرهنگ به معنای عام است که در کنار فرهنگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، فرهنگ اسلام را شکل می‌دهند. بدون تردید فرهنگ ازدواج زمانی در جامعه مستقر می‌شود که دیگر اجزا و بخش‌های فرهنگ اسلام در جامعه مستقر شده باشد و متوقف ماندن اجزا و بخش‌های دیگر بر این جزء اثر می‌گذارد و آن را از شکل و محتوای اسلامی خارج می‌سازد و به آن شکل و محتوای جاهلی می‌دهد.

۲. پیامبر (ص) فرمود: خیر النساء احسنهن وجوهاً و أرخصهن مهوراً؛ بهترین همسر، زنی است که از همه خوب‌تر و از همه کم‌مهریه‌تر باشد.

۳. تبلیغ بر مقدس بودن ازدواج از آن باب است که نتایج خوبی به بار آورد، نه اینکه از دسترس دور شود. تبلیغ باید مبتنی بر واقعیات باشد وگرنه اثر بد خواهد داشت.

۴. جوهری می‌گوید: «ایامی کسانی هستند که همسر ندارند زن باشد یا مرد و زن «ایم» ممکن است باکره باشد یا بیوه» الايامی الذین لازواج لهم من الرجال و النساء و امرأة ایم بکراً کانت او ثیباً، جوهری، الصحاح، ماده «ایم».

۵. سوره نور: ۲۴، آیه ۳۲.

۶. سوره نساء: ۴، آیه ۳.

۷. از پیامبر اسلام (ص) نقل است که فرمود: إِنْ مِنْ يُعْنِ الْمَرْأَةَ تَيْسِيرَ حَظْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۲۲، ح ۴۴۷۲۱.

همچنین نقل است که فرمود: «بر خداوند است که یاری کند کسی را که به منظور پاک نگهداشتن خود از حرام ازدواج کند»^۱.

اما به رغم همه سفارش‌ها و اوامر دینی عواملی سبب شده که ازدواج به سهولت انجام نشود و اگر شد با بیشترین شکست‌ها مواجه شود و زوجین و خانواده آنان و جامعه را با آسیب‌های روانی و اجتماعی جدی مواجه سازد.

به هر حال عدم توفیق افراد در سن ازدواج بر ازدواج دائم یکی دیگر از عوامل مؤثر در گرایش به رفتارهای جنسی خارج از حدود است و این عدم توفیق ناشی از عواملی است، از جمله: حاکمیت فرهنگی سخنگیرانه بر ازدواج دائم که مبتنی بر عدم واقع‌بینی طرفین و خانواده‌ها^۲ است و در چند مرحله خودش را نشان می‌دهد:

- یافتن زوج مناسب مثل اینکه پسر به دنبال دختری از خانواده‌ای ثروتمند است و دختر به ازدواج با مردی شایسته از طبقه پایین و احیاناً فاقد شغل ثابت و مسکن ملکی و توان مالی بالا رضایت نمی‌دهد.

- خواستگاری، مثل اینکه خانواده‌ها حاضر نیستند آن‌گونه که هستند نشان دهند بلکه به هر قیمت می‌خواهند جور دیگری نشان دهند.

- عقد و ازدواج که گفتنی نیست و مهریه سنگین و هزینه‌های کمرشکن ازدواج به شدت بر گریز از ازدواج دائم تأثیر منفی دارد.

- بعد از ازدواج مثل انتظارات نابجای خانواده‌ها از عروس و داماد، از قبیل مسافرت ماه عسل، ضیافت‌های پیوسته و ...

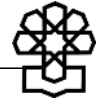
این همه ازدواج دائم را به مثابه کوهی عظیم و غولی وحشتناک در برابر جوان و خانواده او قرار می‌دهد و اراده آنها را سلب می‌کند حال آنکه همه اینها برخلاف خواسته اسلام است، پیامبر (ص) نلفاء و جویبر^۳ و زینب بنت جحش و زید و ضبیه بنت زبیر و مقداد^۴ را با اینکه به تصور ما از نظر اجتماعی به همدیگر نمی‌خورند به آسان‌ترین وجه به عقد هم درآورد.

۱. همچنین نقل است که فرمود: هر کس که به هدف دوری جستن از چیزی که خداوند حرام ساخته است ازدواج کند بر خدا است که او را یاری کند: حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُ مَنْ نَكَحَ الْإِيمَانَ الْغِنَاءَ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ، کنز العمال، ج ۴، ص ۴۴۴، ح ۴۳.

۲. به گزارش خبرگزاری فارس، علی‌اکبر عصارنیا معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان ملی جوانان کشور گفت: هم‌اکنون یک میلیون و ۶۹۶ دختر ۲۹ تا ۳۰ سال در کشور منتظر ازدواج هستند. وی افزود: متأسفانه با برخی سنت‌های غلط خانواده‌ها و خانه‌نشینی شدن آنها امر ازدواج در برخی موارد به بن‌بست خورده است و باید به شیوه‌های مختلف دختران عفیف و محجبه امکان ازدواج پیدا کنند. به نقل از: <http://kazhealth.blogfa.com/post-305.aspx> این خبر بعداً توسط سازمان ملی جوانان تکذیب شد.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۴۰.

۴. فاضل مقداد، کنز العرفان، ج ۲، ص ۲۴۸.



۲. ازدواج موقت

ازدواج موقت نیز به جهت وجود دیدگاه و تبلیغات منفی و عدم حمایت قانونی از آن به امری صدارزش بدل شده و کارکرد خود را از دست داده است.

ناگفته نماند که ازدواج موقت نیز در ذهنیت کسانی که ازدواج زمینی را امری الهی و آسمانی تصور می‌کنند (و به همین جهت آن را سخت کرده‌اند)، طوری ترسیم شده که گاه سخت‌تر از ازدواج دائم است. حال آنکه استمتاع و کامجویی طرفین از یکدیگر و نوع آن با توافق و تراضی آنان به نوشته یا لفظ صریح یا کنایی یا اشاره‌ای که روشن‌کننده مهریه و مدت باشد شدنی است، نهایت اینکه طرفین باید بدانند که کامجویی برای اینکه به زنا ملحق نشود حدودی دارد مثل اینکه زن عده نگه دارد تا معلوم شود حامله است یا نه و تکلیف فرزند روشن شود که ملحق به کیست و مرد نیز بداند که تبعات یک شب بودنش با یک زن چیست؟

این مقدار التزام به حدود و قوانین در جامعه‌ای که به این حد از بلوغ فکری و فرهنگی رسیده است که تحت ضابطه عمل کند، امری آسان است مگر اینکه جامعه طوری بار آمده باشد که الزام به هیچ حد و حدودی را در هیچ زمینه یا حداقل در این عرصه نپذیرد و البته این مشکلی است که باید دید چگونه پدید آمده و علل آن مرتفع شود.

التزام به حدود در همه عرصه‌ها و توسط بالاترین مقامات در سیستم اداری کشور باید نشان داده شود تا در سطوح پایین نیز اجرا شود. اکنون زمان آن رسیده است که راه حل مشکل یا بحران جنسی در فضای دینی را به اختصار بیان کنیم.

گفتار سوم - راه‌حل‌های مشکل جنسی در فضای دینی

این همه مصلحان و متفکران و فقیهان دلسوز جوامع اسلامی را بر آن داشته تا چاره‌اندیشی کنند و پیش از گسترش سرطان فساد جنسی و اشاعه فحشا به حدی که نتوان آن را چاره کرد، راه‌حلی بیابند. بی‌شک یکی از راه‌حل‌های این مشکل اجتماعی و فرهنگی، ترویج متعه یا ازدواج موقت^۱ یا ازدواج آسان است چنانکه اهل سنت که قائل به ازدواج موقت نیستند اخیراً چند قسم ازدواج آسان و رافع حاجت را تجویز کرده‌اند.

۱. اشاره کردیم که تقدس بخشیدن به نهادهای حقوقی مذهبی یکی از علل است.

۲. بنگرید به: طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۴، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

مبحث اول - راه حل اهل تسنن

اهل سنت به تبع خلیفه دوم و به دلیل روایاتی که ذکر شد ازدواج موقت یا متعه را حرام می‌دانند و در این تحریم متفق‌القولند.^۱ لکن نتوانسته‌اند در مقابل تقاضای روزافزون جنسی آزاد یا روابط جنسی در قالب ازدواج سهل و فارغ از تقييدات نکاح دائم یا ازدواج به‌منظور رفع برخی حوائج غیرجنسی مقاومت کنند و در این راستا چندگونه ازدواج متولد شده که سابقه نداشته است و در برخی اجازه داده‌اند که یک یا هر دو طرف عقد از برخی حقوق و وظایف خود در ازدواج دائم سرباز زند مثلاً زوجه حق نفقه و مسکن خود را اسقاط نماید و زوج از حق خود بر اطاعت کردن زوجه، تا بتوانند در قالب ازدواج آسان مشکل جنسی خود را حل کنند.

ازدواج سهل در فضای فقهی اهل سنت سابقه دارد چنانکه ابن قدامه می‌گوید: اثرم از احمد بن حنبل نقل کرده است که: «اگر مردی با زنی ازدواج کند به شرط آنکه روز نزد وی بیاید یا شرط کند که آن زن در هر ماه ۵ یا ۱۰ درهم به وی نفقه دهد ازدواج صحیح است و زن می‌تواند این شرط را به هم زند».^۲

و نیز از نوعی ازدواج تحت عنوان نهاریات و لیلیات^۳ نام برده‌اند، به این صورت که «مرد با زنی ازدواج می‌کند که شب در خارج از منزل کار می‌کند و روز نزد شوهر می‌رود یا روز کار می‌کند و شب به منزل نزد شوهر می‌رود».^۴ انواعی از ازدواج میان اهل سنت رواج یافته^۵ و ممکن است بر تعداد آنها افزوده شود برخی از آنها عبارتند از:

بند اول - ازدواج مسیار

اخیراً در فضای اجتماعی و فقهی اهل سنت ازدواج دیگری به‌عنوان «مسیار» باب شده که بسیار آسان و تا حدود زیادی شبیه به ازدواج موقت است. وهبه زحیلی می‌نویسد: «مسیار ازدواجی است که با ایجاب و قبول، شهادت شهود و حضور ولی، بین زن و مرد منعقد می‌شود. بنابراین زن از حقوق مادی مثل مسکن، نفقه و فرزندی که به دنیا می‌آورد و برخی حقوق معنوی مانند حق قسم و همخوابگی صرف‌نظر می‌کند. در این ازدواج زن قبول می‌کند که مرد فقط گاهی به او سر بزند. این عقد طبق توافق طرفین هم می‌تواند علنی و رسمی باشد که برای آن سند صادر شود و هم مخفی و

۱. بنگرید به: جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ص ۸۶۳، و الفکیکی، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعي، ص ۱۳۰.
 ۲. و نقل عنه الاثرم فی الرجل یتزوج المرأة و یشرط علیها ان یأتیها فی الايام، یجوز الشرط فان شاءت رجعت و قال فی الرجل یتزوج المرأة علی ان تنفق علیه فی کل شهر خمسة دراهم او عشرة دراهم، النکاح جائز و لها ان ترجع فی هذا الشرط، المغنی، ج ۷، ص ۴۵۰.
 ۳. شهید ثانی نیز در روضه می‌گوید: یجوز اشتراط السانغ فی العقد، کاشترط الاتیان لیلاً و نهاراً، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۳، ص ۲۴۱.
 ۴. محمد صادقی، اهل تسنن و ازدواج مسیار، ص ۲۲ به نقل از: شعراوی، محمد متولی، احکام الاسرة و البیت المسلم، ص ۱۳۹. ابن قدامه می‌گوید: و کان الحسن و عطا لایریان بنکاح النهاریات بأساً و کان الحسن لایری بأساً ان یتزوجها علی ان یجعل لها فی الشهر ایاماً معلومة، المغنی، ج ۷، ص ۴۵۱.
 ۵. مانند: زواج الواناسة، الفریند، المصواب، المسیار، المصیاف، المسفار، المطیار، المصیاع، المحجاج، المسیاق و... برای اطلاع بر ماهیت و شکل این ازدواج‌ها به اینترنت رجوع شود.



سری. طرفین می‌توانند توافق کنند در این ازدواج نسب و ارث حفظ شود، اما زن در خروج از منزل آزاد است، چون شرط نفقه وجود ندارد، زیرا اطاعت زن در صورتی واجب است که شوهر نفقه بپردازد و اگر نفقه نباشد اطاعت واجب نیست»^۱.

این نوع ازدواج در فضای فقهی اهل سنت مورد قبول همگان قرار نگرفته است. برخی آن را با قید کراهت پذیرفته و برخی مردود دانسته‌اند، عمده دلیل قائلان به تحریم این است که:

۱. تعیین حدود ازدواج شرعی در اختیار شارع است و شارع «بر زوج واجب نموده که به زوجه انفاق نماید و در بین زوجات نسبت به نفقه و مبییت عدالت را رعایت کند، چنانکه بر زوجه هم اطاعت از زوج را واجب کرده است و افراد نمی‌توانند برخلاف آن شرط نموده و به نقیض آن ملتزم شوند، زیرا در این صورت متناقض با حکم شرعی خواهد بود» ... و علاوه بر این «حق نفقه و مبییت قابل اسقاط نیست»^۲.

اما پاسخ به این اشکال روشن است از آن رو که بر زوج واجب است نفقه بپردازد یا بین زوجات در مبییت عدالت را رعایت کند، اما چون دریافت نفقه یا استفاده از حق مبییت بر زوجه لازم نیست، او می‌تواند از حق خودش بگذرد.^۳

همچنین اطاعت کردن زوجه از زوج لازم است، اما زوج می‌تواند همسرش را به اختیار خود واگذارد، از آن رو که به عقل و تدبیر او اعتماد و اطمینان دارد.

اما اینکه این حقوق قابل اسقاط نیستند از کجا؟ اگر حقی وجود داشته باشد که قابل اسقاط نباشد آن حقی است که استیفای آن لازم است و فرض این است که دلیلی بر وجوب استیفای حقوق مذکور نیست.

۱. زهیلی، قضایا الفقه و الفكر المعاصر، ص ۸۴.

۲. محمد صادقی، اهل تسنن و ازدواج مسیار، ص ۱۲، به نقل از اشقر، اسامه عمر سلیمان، مستجدات فقهیه فی قضایا الزواج و الطلاق.

۳. «در کوتاه آمدن زن [از برخی حقوقش] در ازدواج مسیار دو حالت وجود دارد: گاهی زن در عقد نکاح چیزی را شرط نمی‌کند ولی اخلاقاً متعهد می‌شود که چیزی از مرد نخواهد و اصلاً مسئله تنازل از حق، جزو نکاح قرار نمی‌گیرد. این بحثی ندارد و بسیاری هستند که در متن عقد شرطی قرار نمی‌دهند ولی اخلاقاً متعهد می‌شوند که چیزی مطالبه نکنند. گاهی تنازل از حق و گذشت از حقوق، به صورت شروط الزامی قید می‌شود. می‌دانیم که شرط ضمن یک معامله دو حالت دارد:

به صورت شرط فعل یعنی فعلی را شرط می‌کند به این بیان که مثلاً بگوید: من با تو ازدواج می‌کنم و از تو نفقه و قسم (شب‌مانی) را طلب نمی‌کنم. این اشکالی ندارد چون حق اوست ولی شرط می‌کند که مطالبه نکند و در بسیاری از موارد همین است. مثل بحث ارث.

به صورت شرط نتیجه مرد می‌گوید: اتزوجک علی آن لا یكون لك حق فی النفقة و القسم: ازدواج می‌کنم به شرط اینکه حق نفقه و شب‌مانی! نداشته باشی. این بخش قابل بحث و ایراد است که آیا این حق قابل اسقاط است؟ به عبارت دیگر این حق قابل گذشت است، آیا قابل اسقاط هم هست؟ ممکن است کسی بگوید این حکم الهی است که مرد باید نفقه همسرش را در عقد دائم بدهد و حق مبییت (شب‌مانی) که هر ۴ شب یک شب واجب است پیش زنش باشد) را انجام دهد و اگر نکند خلاف حق رفتار کرده است، آیا این حق قابل اسقاط است؟ اگر شک هم کنیم که قابل اسقاط است یا نه، اصل این است که غیر قابل اسقاط است و لذا بعضی از متأخرین هم که نکاح مسیار را صحیح دانسته‌اند، معتقدند که به صورت شرط نتیجه نباشد بلکه به

صورت شرط فعل باشد». به نقل از: <http://makarem.ir/wbsites/farsi/lessons/?Qid=1717&gro=23>

۲. گفته شده: «عقد مسیاری با مقاصد شرعی ازدواج تنافی دارد، هدف ازدواج در اسلام تنها برآورده ساختن نیاز جنسی نیست، بلکه ازدواج سنت پیامبر (ص) است و برای معانی و مقاصد فردی، اجتماعی و دینی تشریح شده، مانند مودت و رحمت، سکون و آرامش، حفظ نوع انسانی، تعهد به صورت کامل و رعایت حقوق و تکالیف زوجین، اما ازدواج مسیاری هیچ‌کدام از این مقاصد را محقق نمی‌سازد».^۱

پاسخ این است که به کدام دلیل نقلی ادعا می‌کنید که همه ازدواج‌ها باید برآورنده همه این اهداف باشد و مثلاً تنها برطرف ساختن نیاز جنسی نمی‌تواند هدف ازدواج باشد. ازدواج ممکن است به قصد عالی‌ترین هدف یعنی کمال معنوی زوجین در کنار یکدیگر تشکیل شود و یا به قصد پایین‌ترین هدف که رفع نیاز جنسی است که البته دستیابی به این هدف نیز ممکن است در مسیر دستیابی به هدف عالی‌تر قرار گیرد، چون انسانی که نیاز جنسی‌اش از طریق صحیح تأمین نشود به فساد روی می‌آورد و از هدف عالی‌تر باز می‌ماند.

۳. اشکال دیگر این نوع ازدواج این است که خانواده محقق نمی‌شود. در پاسخ گفته می‌شود مگر لازم است هر مرد و زنی خانواده تشکیل دهد؟ به کدام دلیل نقلی چنین لزومی اثبات می‌شود؟ بنابراین حق با کسانی است که نکاح مسیاری را پذیرفته‌اند.

بند دوم - ازدواج به نیت طلاق

نکاح دیگری که شبیه ازدواج موقت است و اهل سنت در مورد آن اختلاف کرده‌اند، ازدواج به نیت طلاق است، به این معنا که طرفین ازدواج می‌کنند و در ظاهر قصدشان این است که همیشگی و دائم باشد، اما در واقع و در قلبشان قصد دارند که بعد از مدتی از همدیگر جدا شوند.

برخی از مذاهب اهل سنت آن را حرام و فاسد دانسته و برخی مانند حنبلی‌ها آن را صحیح دانسته‌اند. ابن قدامه می‌گوید: «اگر بدون شرط طلاق با وی ازدواج کند درحالی که قصد دارد بعد از یک ماه، یا بعد از رفع حاجتش در آن شهر او را طلاق دهد ازدواج صحیح است».^۲

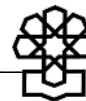
شافعیان آن را مکروه دانسته‌اند، چنانکه در حاشیه نهایی‌المحتاج که گفته است: «موقت کردن ازدواج به زمان معلوم یا مجهول صحیح نیست چون از آن نهی شده است».^۳ می‌گوید: «اما اگر پیش از عقد بر آن توافق کنند ولی در ضمن عقد متعرض آن نشوند به صحت عقد ضرر نمی‌زند ولی مکروه است چنانکه نظیر آن در محل نیز مکروه است».^۴

۱. همان، ص ۱۳، از همان منبع.

۲. و ان تزوجها بغير شرط الا ان فی نیتة طلاقها بعد شهر او اذا انقضت حاجته فی هذا البلد فالنکاح صحیح، ابن قدامة، المغنی، ج ۱۰، ص ۴۸.

۳. و لا یصح توقيتة بمدة معلومة او مجهولة لصحة النهی عن ذلك، حاشیة نهایی‌المحتاج، ج ۶، ص ۲۱۴.

۴. و اما لو توافقا علیه قبل و لم یعرضا له فی العقد لم یضر و لكن ینبغی هنا کراهته اخذاً من نظیره فی المحلل. همان.



بند سوم - ازدواج وناسه

نکاح دیگری که میان اهل سنت مطرح و محل بحث شده «ازدواج وناسه» است. در این نوع ازدواج زنی جوان با پیرمردی که قادر بر عمل جنسی نیست ازدواج می‌کنند به شرط آنکه زن از حق معاشرت جنسی‌اش دست بردارد ولی دیگر شرایط و حقوق ازدواج دائم در آن رعایت می‌شود. این نوع را جایز دانسته‌اند. البته برخی به این نوع نکاح اشکال کرده‌اند به جهت آنکه حق معاشرت جنسی زن از او سلب و به او ظلم شده است. وناسه از ماده انس گرفته شده چون در این قسم ازدواج در واقع همسر جوان انیس، همراه و مصاحب پیرمرد است و به نوعی از او نگهداری می‌کند.^۱

بند چهارم - ازدواج مسفار

نکاح دیگری است که برای دریافت اجازه مسافرت زن به خارج از کشور به‌طور صوری انجام می‌شود و بعد از سفر و رسیدن به مقصد هریک از طرفین به راه خودش می‌رود. این قسم را جایز ندانسته‌اند چون شرط تأیید (ابدی بودن ازدواج) در آن رعایت نشده است. ازدواج دیگری نیز مطرح شده به‌عنوان ازدواج مطیار که ظاهراً همان ازدواج مسفار است.

به کسانی که ازدواج مسیار، ازدواج به نیت طلاق، ازدواج وناسه، یا ازدواج مسفار را پذیرفته‌اند و ازدواج موقت را نپذیرفته‌اند باید گفت چرا؟ و به چه دلیل عقد ازدواج حتماً باید دائم باشد؟

مبحث دوم - راه حل شیعه

حل هر مشکل^۲ و بحرانی^۳ در گرو رفع علل و عوامل موجد آن است و انحرافات موجود در روابط جنسی نیز که موجب آسیب‌های فراوان می‌شود از این قاعده مستثنا نیست. اما ازدواج موقت در مجموعه اقداماتی که برای حل مشکل یا بحران جنسی باید انجام داد تنها به سهم خود می‌تواند مؤثر باشد و این‌گونه نیست که بتواند همه مشکل را حل کند.^۴

۱. «فإن زواج «الوناسة» تتلخص فکرة فی إرتباط رجل کبیر السن بإمرأة فی کامل صحتها و نشاطها لتعتنی به، متنازلة عن حقها فی المعاشرة الزوجية، مع تمتعها بکامل حقوقها الأخرى مثل المهر و الإنفاق و السكن و حسن المعاملة ... و فی تقدیری هی خادمة بمسمى زوجة و لنا جميعاً أن نتصور حجم الحاجة التي تدفع بإمرأة فی کامل صحتها و نشاطها لتعتنی بمسن و لست أدري أية «وناسة» فی مثل ذلك الزواج بالنسبة للمرأة إلا أن تكون «وناسة» من جانب واحد، يحظى بها الرجل المقتدر مالياً علی حساب الزوجة التي تدفعها الحاجة لقبول هذا الزواج الکابوس». رجوع شود به: <http://www.qatarshares.com/vb/showthread.php?t=183181>

ازدواج وناسه یعنی پیرمردی با زنی جوان ازدواج می‌کند به شرط اینکه زن از حق ارتباط جنسی صرف‌نظر کند و از دیگر حقوق زوجیت مانند مهر، نفقه و مسکن به‌طور کامل برخوردار باشد. در حقیقت این زن، خدمتکاری است که اسم او را زوجه گذاشته‌اند.

۲. وضع یا کیفیت دشوار، فرهنگ فارسی امروز.

۳. در تعریف بحران گفته شده است: «بالاخرین مرحله یک جریان ناگوار، که دگرگونی فوری در پی داشته باشد» (فرهنگ فارسی امروز) بحران به این معنا در جوامع غربی هم مشاهده نمی‌شود. همچنین گفته شده: «هر عاملی را که در فعالیت یک ارگانیسم زنده یا سیستم غیرزنده اختلال ایجاد کند، می‌توان بحران نامید». به نقل از: <http://globalist.blogfa.com/post-121.aspx>

۴. «مرحوم شیخ جعفر نجفی - کاشیفُ الغطاء - فقیه عهد مرحوم فتحعلی شاه قاجار، از مروجین سنت ازدواج موقت (مُنع / صیغه) و از مُشَوِّقین مردم و جوانان به آن - برای حفظ عفت و امنیّت عمومی جامعه - بود؛ به حدّی که صاحبُ قصصُ العلماء - مرحوم میرزا محمد تُنکابُنی - در شرح احوالات

ازدواج موقت

درواقع ازدواج موقت زمانی می‌تواند عاملی در کنترل فحشای جنسی باشد که به‌عنوان یک راه‌حل مورد قبول فعالان جنسی باشد. در یک نظرسنجی علمی که ظاهراً به‌منظور یافتن راه‌حل بحران جنسی جامعه جوان کشور ساماندهی شده است، نشان می‌دهد که «۸۲ درصد از ۶۱۰۰ جوان مجرد ۱۵-۲۹ ساله کل کشور با ازدواج موقت به‌عنوان یک راه‌حل موافقت نشان داده‌اند و تنها ۱۰ درصد موافق بوده‌اند».^۱

به‌ویژه آنکه به نظر برخی^۲ ازدواج موقت خود یکی از عوامل اشاعه فحشا است و در این روند همچون نفت بر آتش عمل می‌کند. با این حساب لازم است ازدواج موقت را از دید موافق و مخالف آن به بحث بنشینیم.

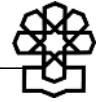
الف) مزایای ازدواج موقت

۱. به‌لحاظ مباحث نظری، اسلام دین جاویدان و جهانی است، جاودانگی دین مقتضی آن است که در هر زمان پاسخگوی نیازهای بشر در هر زمینه‌ای باشد. شکی نیست که یکی از نیازهای بشر طبیعی انسان است که به حکم عقل و شرع باید از طریق مشروع (صالح و سازگار با فطرت بشر) پاسخ داده شود، نیاز جنسی اوست که شرع باید پاسخ آن را در این زمان داده باشد. طرق پیشنهادی

وی (ش ۳۱-۳۶ ص ۲۳۶ و ۲۳۷ از چاپ جدید قصص العلماء) می‌نویسد: «... در سالی که شیخ به قزوین آمد، به مسجد رفت؛ مردم خواهش موعظه نمودند. شیخ در مسجد، بالای منبر رفت و فرمود: ایها الناس! مگر شما شیعه نیستید؟! چرا عقد انقطاع (ازدواج موقت) در میان شما متداول نیست؟! پس فرمود که: تقصیر با علماء بلد (شهر) است. و چون حاج ملا عبدالوهاب، رئیس علمای قزوین در آن عهد بود؛ شیخ به او خطاب فرمود که: چرا دختر خود را به عقد انقطاع (ازدواج موقت) نمی‌دهی تا مردم رغبّت در عقد انقطاع کنند و به تو مُتَابَعَت (= پیروی و تبعیت) کنند؟...» «... پس چون دختر آن مجتهد معروف شهر، به عقد موقت پسری فقیر و بی‌بضاعت در آمد و جارچیان به امر نمایندگان مرحوم فتحعلی شاه قاجار، در قزوین و برخی شهرهای اطراف آن جار زدند و این واقعه را اعلام عموم نمودند، زشتی و قُبُح غیرمنطقی ازدواج موقت - که سنتی اسلامی و ضروری برای جامعه است - شکسته شد و مردم قزوین و نواحی اطراف، به‌راحتی، دختران و پسران نوجوان و تازه‌بالغ را به هم رسانده و ایشان را با یکدیگر مَحْرَم ساخته و به کام می‌رساندند و لفظ صیغه را به‌کار نمی‌بردند؛ بلکه می‌گفتند: «می‌خواهیم فلان پسر را با فلان دختر مَحْرَم سازیم، تا به گناه نیفتند». اما جهت جلوگیری از طغیان حسّ شهوت در پسران و دختران تازه‌بالغ، والدین هریک از آن دو پسر و دختر، در خانه‌ای که به‌صورت هفتگی و بیشتر در شب‌های جمعه جمع می‌شدند، به‌طور خصوصی و دور از سمع و بَصَر دیگران، عهدنامه یا قولنامه‌ای می‌نوشتند و در آن تأکید می‌کردند که اگر دخول صورت گیرد و دختر پرده بکارت خود را از دست بدهد، پسر باید تعهد کند که در این فرض، با او بلافاصله ازدواج دائم نموده و از آن پس، ایشان تا آن زمان «محرم هم بوده‌اند» و اگر چنین شود «باید از این پس، زن و شوهر بشوند»، و همگی امضا یا مهر می‌کردند و دختر و پسر را در آن شب در اطاقی تنها در آن خانه رها می‌کردند و خود چند ساعت به‌گفت‌و‌شنود و ضیافت پرداخته و چون آن دو از هم کام می‌گرفتند، هریک رهسپار خانه خود می‌شدند و کسی نیز از این جریان خبردار نمی‌شد؛ زیرا اهل محل، ایشان را از بستگان و آشنایان یکدیگر می‌دانستند و برای کسی از همسایگان نیز هیچ سؤالی پیش نمی‌آمد که این رفت‌وآمدهای هفتگی برای چیست!» (دایرة‌المعارف علم و مذهب، دکتر سیدابراهیم مهدوی، مدخل «مُتَعَه / صیغه / ازدواج موقت / عقد مَحْرَمِیت»). رجوع شود به: <http://movaghat90.persianblog.ir/tag>.

۱. رسول صادقی و دیگران، واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل، ص ۹۰، (پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۸۶) البته در این نظرسنجی مشخص نمی‌کند که ۸۲ درصد مخالف چه راهی را پیشنهاد می‌کنند، ازدواج دائم، یا رفتار و رابطه جنسی آزاد را؟ و اصولاً چه مقدار از این موضوع مطلع بوده‌اند؟

۲. بنگرید به: جعفر مرتضی‌العالمی، الزواج الموقت فی الاسلام، المتعه، ص ۱۸.



شرع ازدواج و ملک یمین است و هر راهی جز این دو از نظر شرع ممنوع است. ملک یمین در این زمان موضوعیت ندارد، پس می‌ماند ازدواج و ازدواج نیز چنانکه گذشت اعم است از دائم و موقت.

۲. به‌لحاظ جوهی که ذکر خواهد شد، امروز پاسخ به نیاز لجام‌گسیخته جنسی از طریق ازدواج دائم، با مشکلاتی مواجه است و زمینه این قسم ازدواج به‌دلیل مخارج سنگین، مهریه سنگین، احساس اسارت زن و مرد به جهت پایبند شدن آنها به خانه و خانواده و سلب آزادی‌های پیش از ازدواج، تقبل هزینه زندگی (نفقه) که با پیدایش فرزندان رو به ازدیاد می‌گذارد، نبودن شغل و درآمد کافی به‌طوری که با درآمد حاصل از یک شیفیت کار زندگی نمی‌چرخد، بالا بودن سطح توقعات زوجین از یکدیگر در خرج کردن و مهمانی دادن و چنین و چنان بودن، عدم حمایت والدین از آنها به جهت ناتوانی یا کم‌رنگ شدن این سنت در جامعه، تمایل زوجین به استقلال در تصمیم‌گیری و سکونت که سبب بالا رفتن قیمت مسکن و اجاره‌بهای آن شده و غیر اینها، فراهم نیست و نشان می‌دهد این سنت حسنه کاری سخت شده است.

همه اینها سبب می‌شود که ازدواج دائم صورت نگیرد و اگر صورت گرفت دوام نیاورد و منجر به طلاق شود. پس چاره‌ای نیست جز اینکه برای جلوگیری از شیوع روابط جنسی نامشروع و بروز فاجعه طلاق تا فراهم شدن شرایط زندگی و ازدواج دائم به ازدواج موقت روی آورد.

۳. در صورتی که ازدواج دائم مشکل شده است اگر جایگزین صحیحی نداشته باشد نیاز جنسی افراد را به طرق دیگری از جمله خودارضایی، هم‌جنس‌گرایی، روابط جنسی نامشروع یا زنا و تعدیات جنسی سوق می‌دهد. اما این طرح که افراد با روزه گرفتن و ورزش و حتی استفاده از دارو یا عمل جراحی غریزه جنسی خود را کنترل کنند کمتر اتفاق می‌افتد و راه خلاصی از همه این عوارض منفی استفاده از ازدواج موقت است.

۴. با فرض رایج شدن ازدواج موقت در شرایط فعلی اجتماع علاوه‌بر آزاد شدن روح انسان از فشارهای جنسی و آماده شدن افراد برای پرداختن به امور دیگر:

الف) آمار طلاق نیز کاهش می‌یابد، چراکه بدون شک همه افراد اعم از زن و مرد، به‌لحاظ تربیتی آمادگی وارد شدن به زندگی مشترک ندارند، لکن این مسئله برای والدین قابل تحمل نیست که بپذیرند فرزندشان به‌لحاظ جسمی یا روحی و اخلاقی و تربیتی برای زندگی مشترک آمادگی ندارد؛ چراکه در مرحله اول فکر می‌کنند اشکال متوجه خود آنان است، حال آنکه ممکن است چندان ربطی به آنها نداشته باشد، از این‌رو مصرانه تلاش می‌کنند دختر یا پسر خود را مزدوج کنند، به‌ویژه دختران را؛ چراکه هنوز برابر قانون و حاکمیت فرهنگ سنتی فکر می‌کنند دختران باید توسط شوهرانشان اداره شوند، حال آنکه واقعیات جامعه ایرانی حداقل در محیط‌های شهری این‌گونه نیست و آمار روزافزون دختران شاغل شاهد آن است.

در هر حال واقعیت افراد با تصورات والدین تغییر نمی‌کند و زمانی که پسر یا دختری آمادگی تشکیل زندگی مشترک نداشته باشد و با این وصف زندگی مشترک تشکیل دهد، چیزی نمی‌گذرد که به‌رغم تلاش همگان برای حفظ آن زندگی، منجر به طلاق می‌شود. اما به‌لحاظ واقعیات افراد می‌توانند با ازدواج موقت خود را تست کنند و اگر دریافتند آمادگی ازدواج دائم ندارند به آن اقدام نمی‌کنند و بخشی از طلاق‌ها واقع نخواهد شد.

ب) آمار رفتارها و روابط جنسی نامشروع و تعدیات جنسی کاهش می‌یابد، چون وقتی افراد بتوانند به سهولت و بدون تبعات منفی نیاز جنسی‌شان را تأمین کنند به‌سوی راه‌های مفسد و پرخطر نمی‌روند.

۴. با فرض مشکل بودن ازدواج دائم و قابل قبول نبودن ازدواج موقت، آمار افرادی که آمادگی تشکیل زندگی مشترک ندارند و به جهت تقیدات مذهبی و اخلاقی به راه‌های انحرافی نیز نمی‌روند و نمی‌توانند به نیازهای جنسی و عاطفی‌شان از طریق مشروع پاسخ گویند، سال به سال افزایش می‌یابد. ظاهراً در سال ۱۳۸۸ برابر آمارهای موجود، «۹ میلیون پسر و ۸ میلیون دختر آماده ازدواج (بین ۲۰-۲۹ سال) وجود داشته که درحال حاضر احتمالاً بیشتر شده است». آمار «مردان ازدواج نکرده در سال ۱۳۹۰ به ۱۳ میلیون و ۱۳۰ هزار و ۹۷۰ نفر رسیده است».^۱

همچنین با جمعیت رو به فزونی زنان طلاق گرفته و بیوه که اقدام مجدد نداشته‌اند مواجهیم که وضعیت روانی و معیشتی آنها نگران‌کننده است. در سال ۱۳۸۸ «حدود ۶ میلیون زن مطلقه در کشور وجود داشته» که قطعاً بر تعداد آن افزوده شده است و نیز «یک‌ونیم میلیون نفر»^۲ زن بیوه (شوهرمرد) در جامعه وجود دارد که به جهت تلقی منفی در مورد ازدواج موقت حاضر به اقدام نیستند، درحالی که رسیدگی به افراد آسیب‌دیده و تأمین مادی زنان فاقد همسر و سرپرست در هر سنی که باشند، لازم است.

با ازدواج موقت ممکن است بخشی از این دسته زنان تحت سرپرستی و تأمین مادی مردان متمکن قرار گیرند و بخشی از ثروت جامعه در محل مناسب صرف شود.

ب) اشکالات و معایب ازدواج موقت

در مقابل کسانی که نسبت به ازدواج موقت نظر مثبت دارند، گروهی به دلایلی با موجودیت آن در ساختار قانونی و حقوقی کشور مخالفند و از این‌رو جایگاهی برای آن در حل بحران جنسی قائل نیستند.^۳

۱. سازمان ملی جوانان.

۲. در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۱۰ این خبر در سایت دفتر مطالعات و تحقیقات زنان ریاست جمهوری قرار گرفته که «تعداد دخترانی که از سن ازدواج‌شان گذشته چهارونیم میلیون نفر و آمار زنان بیوه به یک‌ونیم میلیون نفر رسیده است».

۳. بنگرید به نظام حقوق زن در اسلام، ص ۴۷ به بعد و جعفر مرتضی‌العالمی، الزواج الموقت فی الاسلام، المتعه، ص ۱۹ و قائمی، تشکیل خانواده در اسلام، ص ۳۰ به بعد.



پیش‌تر گفته شد ازدواج موقت توافق زن و مردی است که به‌طور موقت و با مهر معلوم از همدیگر استمتاع نمایند. این رابطه موقت با همه آثار و لوازم و تبعاتش اگر به دید شارع دارای مفسده‌ای راجح بود آن را مکروه اعلام می‌کند و اگر دارای مفسده تام بود، آن را تحریم می‌نمود، اما ملاحظه شد که آن را جایز دانسته، بلکه از برخی روایات استفاده می‌شود که به‌عنوان احیای سنت، عمل به آن مستحب است، گرچه ممکن است همچون دیگر امورات جایز، مورد سوءاستفاده قرار گیرد که در این صورت بر اولیای امور در جامعه اسلامی لازم است آن را به‌گونه‌ای ساماندهی کنند که مورد سوءاستفاده قرار نگیرد.

و نیز ممکن است در شرایطی اقدام به آن لازم باشد یا به‌رغم مخالفت‌هایی که با آن می‌شود ترویج شود تا به‌وسیله آن جلوی مفاسد دیگری گرفته شود. در هر حال اشکالات و تبعات سوئی برای ازدواج موقت برشمرده‌اند از جمله:

۱. شرع با تجویز ازدواج موقت شأن زن را پایین آورده و او را به‌مثابه وسیله ارضای شهوترانی مردان نگاه کرده، بلکه در برخی روایات او را در حد یک اجیر جنسی شبیه فواحش نگریسته و در مورد او به «فانهن مستأجرات»^۱ یا «انما هی مستأجرة»^۲ تعبیر کرده است. یا در مورد عقد موقت فرموده است: «انما هی اجارة»^۳.

در پاسخ می‌گوییم: باید یادآور شد که شارع اسلام براساس واقعیات چنین تجویزی کرده است و همان‌طور که برای مرد روا شمرده که بتواند ازدواج موقت داشته باشد، به زن نیز این حق را داده که اگر خواست به‌صورت موقت با مردی ازدواج کند و حتی او را منع نکرده که پیشنهاددهنده او باشد. در این صورت همه این حرف‌ها و تعبیرات به عکس می‌شود.

اما اینکه شارع، جنس مذکر را در این مسئله مقدم کرده و فرموده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً»^۴ معنایش این است که در غالب موارد این مردان هستند که به‌دنبال تمایلشان به زنان پیشنهاد ازدواج می‌دهند و اندکی از زنان هستند که به‌خاطر تمایل به مردی یا رفع حاجتشان توسط مردی از او تقاضای ازدواج دائم یا موقت می‌کنند.

در قرآن به زنی اشاره دارد که خودش پیشقدم ازدواج با پیامبر (ص) شد «وَأَمْرًا مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا»^۵ و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد در صورتی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۴۹.

۴. سوره نسا: ۴، آیه ۲۴.

۵. سوره احزاب: ۳۳، آیه ۵۰. کلینی در کافی، ج ۵، ص ۵۶۸، قصه این زن انصاری را بیان کرده است.

که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد (برای آن حضرت حلال است)».

البته انگیزه افراد در ازدواج موقت از هر دوسو، یعنی هم مرد و هم زن همیشه کامروایی جنسی نیست گرچه وجه غالب، این خواسته است، نویسنده زنی را می‌شناسد که خواستار داشتن فرزند از مردی بود، با وی به‌طور موقت ازدواج کرد و بعد از حمل از وی جدا شد.

در برخی روایات تعابیری مانند «انما هی مستأجرات» آمده و سبب شده برخی ازدواج موقت را به زنا تشبیه کرده و آن را نوعی اجاره دادن خویش یا تن‌فروشی بدانند، مانند کارگری که خدمتی ارائه می‌دهد و پولی دریافت می‌کند حال آنکه این‌گونه نیست، چون اگرچه مشابهت‌هایی هست لکن، از جهاتی نیز متفاوتند. در اجاره شخص پس از ارائه خدمت، مستحق اجرت است حال آنکه در ازدواج موقت به محض عقد مستحق بخشی از اجرت است، در اجاره پس از انقضای مدت لازم نیست ارائه‌دهنده خدمت اگر خدمت جنسی باشد عده نگه دارد، اما در ازدواج موقت لازم است، در اجاره نمی‌توان شرط ارث کرد، اما در ازدواج موقت می‌توان.

پس به‌کار بردن لفظ استیجار و اجر که در آیه شریفه هم به‌کار رفته است، ازدواج موقت را شبیه اجیر جنسی یا همان زنا نمی‌کند.

باید توجه داشت که تن‌فروشی در فرهنگ شرع زنا نامیده می‌شود، از آن‌رو که شخص زناکار خودش را در تنگنای بدنامی و برخورد قانونی به‌خاطر هنجارشکنی قرار می‌دهد، حال آنکه ازدواج موقت، ازدواج مشروع و پسندیده است که در صورت حاملگی زن، فرزندش فرزند مشروع و دارای همه حقوقی است که فرزند زن دائم دارد و مستلزم بدنامی و هنجارشکنی نیست و ...

۲. شارع با تجویز ازدواج موقت حتی برای مردان همسر دار، استمتاع آنان را از زنان متعدد روا شمرده، اما استمتاع زن شوهر دار را از مردان متعدد روا ندانسته و این نگاه تبعیض‌آمیز و برخلاف تساوی حقوق زن و مرد است.

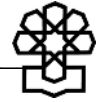
می‌گوییم: اندیشه تساوی حقوق زن و مرد که از جمله ادعاها و القائات فرهنگ غرب و جریان‌های فمینیستی متأثر از آن است، یک ایده بی‌پایه و فریبنده است که بر واقعیات وجودی زن و مرد نیز استوار نمی‌باشد و در عمل نیز هیچ‌گاه به نفع زنان نبوده است.

در جوامع غربی این نظریه منتهی به سوءاستفاده از زن و تضییع حقوق او به‌طور گسترده شده است، چنانکه از او به‌عنوان نیروی کار ارزان‌تر، فروشنده خدمات جنسی، وسیله تبلیغ و فروش کالا و عامل اشاعه فساد و فحشا استفاده می‌شود.

مروجان این ایده زنان را به تفاوت‌های آنان با مردان توجه نمی‌دهند و بیان نمی‌کنند که چرا مردی

با وجود داشتن همسر دائم، ممکن است خواستار ازدواج دائم با زن دوم یا ازدواج موقت باشد؟

شاید یک عامل آن نیاز جنسی فوق‌العاده مرد است، درحالی که همسر دائم او به‌دلیل بیماری یا



سرمدزاجی قادر به تأمین این نیاز نیست، یا به دلایل دیگری مانند تنفر به عمل جنسی با همسرش تمایل ندارد که در این صورت یا باید به مرد اجازه دهیم به دنبال روابط نامشروع جنسی رود چنانکه در غرب این‌گونه شده است یا به او حق دهیم همسر دیگری اختیار کند.

بله روحیه تنوع‌طلبی و عدم وفاداری به شریک جنسی یا سرمدزاجی و ناتوانی جنسی یا رفتارهای تنفربرانگیز در برخی مردان نیز مشاهده می‌شود که راه‌حل آن این نیست که به زن هم اجازه داده شود متقابلاً با مردان دیگر رابطه داشته باشد، اما اگر در واقع مرد شریک جنسی مناسبی نباشد به دلیل اینکه سرمدزاج است یا نیاز شدید زن را پاسخ نمی‌دهد یا ... زن می‌تواند از همسرش جدا شود^۱ و فرد یا نحوه دیگری از زندگی را برگزیند.

یکی دیگر از آثار ساماندهی ازدواج موقت همین است که اراده مردان و زنان همسرمدار برای وصول به خواسته‌های جنسی‌شان از طریق مجاری قانونی کنترل شود و این‌گونه نباشد که تا مردی اراده کرد بتواند همسر دوم دائم یا موقت داشته باشد و یا تا زنی اراده کرد طلاق بگیرد. لازم است روندی قانونی برای بررسی ادعای طرفین وجود داشته باشد تا سرنوشت خانواده و فرزندان و حتی جامعه ملعبه اراده‌های احساسی و تمایلات زودگذر زوجین نشود.

۳. همچنین گفته شده:

الف) ازدواج موقت که ظاهراً به‌منظور رفع مشکل افرادی تجویز شده که تمکن مالی برای ازدواج دائم ندارند در عمل وسیله‌ای برای افراد متمکن است که همسر دائم دارند و این عمل آنان موجب می‌شود خانواده به خطر افتد، چون همسر دائم تحمل این رفتار را ازسوی شوهرش ندارد و آن را نوعی خیانت یا ظلم به خودش تلقی می‌کند و در نهایت ممکن است کارشان به منازعات خانوادگی و جدایی و طلاق کشیده شود و آمار طلاق و تبعات سوء آن افزایش یابد.^۲

ب) ازدواج موقت سبب پیدایش کودکانی می‌شود که از نعمت داشتن والدین در کنار هم بی‌بهره‌اند که این خود سبب پیدایش افرادی مشکل‌دار در جامعه می‌شود.^۳

ج) ازدواج موقت سبب به تأخیر افتادن ازدواج دائم و در مواردی مانع تشکیل خانواده می‌شود چون امکان برخورداری جنسی متنوع و بدون گرفتاری‌های ازدواج دائم را فراهم می‌سازد، بلکه ممکن است برخی زنان را وسوسه کند که برای کسب درآمد به این نوع ازدواج روی آورند و خود را از مسیر تشکیل خانواده و داشتن فرزند خارج کنند.

۱. نقش مراکز مشاوره پیش‌بینی شده در لایحه حمایت از خانواده در این موارد به‌خوبی احساس می‌شود. این مراکز می‌توانند با بررسی سریع و دقیق دریابند که آیا زن واقعاً از ناحیه همسرش تأمین جنسی نمی‌شود؟ و در صورت احراز این ادعا پیش از آنکه زن به راه‌های منحرف کشیده شود مسئله او را حل کنند.

۲. بنگرید به: هادی، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، ص ۷۹ و شریفی، ازدواج موقت و چالش‌ها، ص ۱۱۱.

۳. بنگرید به: جعفر مرتضی‌العالمی، الزواج الموقت فی الاسلام، المتعه، ص ۲۱ و شریفی، ازدواج موقت و چالش‌ها، ص ۱۱۰.

البته این دسته زنان بعد از مدتی که مرغوبیت خود را از دست دادند، ممکن است در مسیر تن‌فروشی قرار گیرند^۱ و ...

د) تجویز ازدواج موقت در مورد دختران باکره شانس ازدواج دائم را از آنان سلب خواهد کرد، چون در جامعه ما بکارت زن امتیازی است که حکایت از عفاف و سلامت اخلاقی او می‌کند و به این جهت خواهان بیشتری دارد.

همچنین سبب می‌شود اعتماد دختران و پسرانی که می‌خواهند ازدواج دائم کنند، نسبت به طرف دیگر مخدوش شود، از این جهت که احتمال می‌دهند قبلاً با ازدواج موقت تجربه جنسی گرچه در حد لمس و تقبیل داشته‌اند.

ه) گرایش مردان همسر دار به ازدواج موقت سبب برانگیخته شدن حسادت زنان و پیدایش موضع منفی آنان در قبال ازدواج موقت و نفی مشروعیت آن شده است، به گونه‌ای که آنها به روابط نامشروع همسرشان با زنان دیگر رضایت دارند، اما به داشتن همسر دیگری تحت عنوان ازدواج موقت رضایت نمی‌دهند یعنی حلال را نفی و به حرام ملتزم می‌شوند که هم گناه و هم خطرناک است.

پاسخ به این تبعات که می‌توانند به عنوان اشکال بر مشروعیت ازدواج موقت مطرح شوند این است که:

هر نهاد حقوقی و قانونی ممکن است در کنار مصالح و منافعی که دارد تبعات سوئی هم داشته باشد لکن چنانکه مکرراً اشاره شد می‌توان همه یا بسیاری از این تبعات را با تنظیم قانون و مقررات برطرف نمود، مثلاً با مقرر کردن اینکه ازدواج موقت باید ثبت شود و دفاتر ثبت موظفند رضایت همسر دائم مرد را احراز نمایند و در صورتی که همسر رضایت نداد و مرد ناگزیر از ازدواج موقت یا مجدد باشد، با اجازه دادگاه مرد بتواند همسر دیگری اختیار کند. در این روند البته دلایل مخالفت همسر شنیده می‌شود و در صورتی که حق با او باشد دادگاه اجازه نمی‌دهد و اگر خودخواهانه ادعایی دارد توجیه می‌شود.

همچنین در قانون، تکلیف زن، فرزند و خرجی وی در دوران حاملگی و پس از وضع حمل و حضانت و سرپرستی فرزند نیز مشخص می‌شود.

و اما اشکال به تأخیر افتادن ازدواج دائم یا به عبارت دیگر بالا رفتن سن ازدواج، عوامل متعددی دارد که یکی از آنها ازدواج موقت است که شاید سهم ناچیزی در آن داشته باشد اما به این جهت نباید مانع منافع کثیر ازدواج موقت شد.

روی آوردن برخی از زنان به ازدواج موقت و احیاناً کسب درآمد از این طریق، هم به روحيات زن بازمی‌گردد و هم به نیاز مالی و عدم امکان برای کسب درآمد از طرق دیگر.

۱. بنگرید به: جعفر مرتضی‌العالمی، الزواج الموقت فی الاسلام، المنعه، ص ۲۲.



و اما در مورد ازدواج موقت دختران باکره نیز اولاً، قانونگذار اجازه پدر را شرط دانسته مگر در مورد دختری که مصالح و مفاسد خودش را می‌داند و به هر دلیل نتوانسته ازدواج دائم داشته باشد یا بدان تمایل ندارد که در این صورت نمی‌توان مانع او شد. ثانیاً، همان ازدواج موقت ممکن است به دائم تبدیل شود، ثالثاً، دختری که سنش بالا رفته و شانسی برای ازدواج دائم ندارد آیا بهتر است به‌طور مجرد زندگیش را به پایان رساند یا این حق را داشته باشد که با ازدواج موقت به‌طور آبرومندانه به‌گونه‌ای از تنهایی نجات یابد و احياناً صاحب فرزند شود و با شادی در حیات اجتماعی مشارکت داشته باشد؟

و اما بی‌اعتمادی افراد نسبت به یکدیگر نیز قابل رفع است چراکه هرکس بخواهد ازدواج دائم داشته باشد در گفتگوهای مقدماتی این موضوع را که آیا قبلاً تجربه جنسی داشته است یا نه؟ مطرح می‌کند و پس از روشن شدن وضعیت طرف مقابل اگر مایل به ازدواج با او باشد، اقدام می‌کند.

البته هرکس باید بداند و اگر بداند که در صورت تدلیس و فریبکاری چه زبانی متوجه او می‌شود، از بیان حقیقت طفره نمی‌رود. اما در هر حال مواردی از تخلف نیز ممکن است پدید آید که امری طبیعی است و علاوه بر اینها با فرهنگ‌سازی مناسب، زنان فهیم و عاقل از نهادی که مبتنی بر حقوق افراد و مورد تأیید عقل و شرع و موجب سلامت جامعه و تنظیم روابط و تعدیل ثروت است مخالفت نمی‌کنند.

پیشنهادها

با توجه به آنچه گذشت ممکن است سه نظریه از لابلای مباحث سر برآورد:

۱. اینکه ازدواج موقت را به‌لحاظ آثار منفی و تبعاتش از قبیل اموری بدانیم که مضارش بیشتر از منافع آن است پس جز در مواقع اضطراری به سراغ آن نرویم.
۲. با توجه به عدم اقبال جامعه، به‌ویژه جوانان به آنان بگوییم به همین ترتیب که هستند باقی بمانند و کاری به موقعیت فعلی آن در ساختار فرهنگی و اجتماعی نداشته باشیم.
۳. گفته شود با علم به اینکه نمی‌توان از ازدواج موقت حتی اگر دستگاه‌های تبلیغاتی و وسایل ارتباط جمعی روی آن متمرکز شوند و آن را تبلیغ و ترویج کنند اثر معجزه‌آسایی انتظار داشت، بهتر است در کنار طرح مباحثی که گرایش افراد به روابط جنسی آزاد را نفی می‌کند ازدواج موقت نیز به تناسب مقتضیات روز ساماندهی شود به این معنا که:

الف) ازدواج موقت به‌عنوان راهی معقول و مشروع تبلیغ و دید جامعه نسبت به آن تصحیح شود تا افراد از مزایای آن آگاه شوند و بدانند که می‌توانند از آن به‌عنوان صیانت خود از حرام

استفاده نمایند.

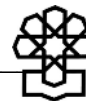
ب) با تشکیل کانون‌های ازدواج موقت، این نهاد شرعی به‌عنوان یک هنجار فرهنگی عملاً گسترش یابد.

ج) با بخشنامه داخلی ادارات ثبت ملزم شود که در صورت مراجعه طرفین و درخواست ثبت ازدواج موقت در غیر شناسنامه بدون هیچ مانع‌تراشی و ایرادگیری تحت شماره‌ای خاص اقدام به ثبت رایانه‌ای کنند و گواهی ازدواج موقت در اختیار آنها بگذارند، مگر اینکه طرفین خود مایل باشند ازدواجشان در شناسنامه ثبت شود یا ثبت در شناسنامه لازم باشد.

د) در لایحه حمایت از خانواده طی چند ماده به ازدواج موقت پرداخته شود و نقص آن در قانون مدنی جبران گردد یا در لایحه‌ای جداگانه نظامنامه قانونی آن تهیه و به‌نظر حقوقدانان، فقیهان، جامعه‌شناسان و روانشناسان گذاشته و پس از جرح و تعدیل‌های لازم در مجلس تصویب شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، محمدمهدی، دارالقران الکریم، تهران.
۲. آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۰.
۳. ابن ابی‌الحدید، القاسم، شرح نهج‌البلاغه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، افسست از چاپ اول داراحیاء الکتب العربیة، بیروت، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن ادریس، محمدبن منصور، کتاب السرائر، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن زهرة، حمزة بن علی، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، مؤسسة الامام الصادق، الطبعة الاولى، قم، ۱۴۱۷ ق.
۶. ابن فهد الحلّی، جمال الدین ابو العباس، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.
۷. ابن قدامة، عبدالله بن احمد، المغنی، دار الکتب العربی، بیروت، بی‌تا.
۸. اشقر، اسامه عمر سلیمان، مستجدات فقهیة فی قضایا الزواج و الطلاق، اردن، در النفائس، ۱۴۲۰ ق.
۹. افتخاری، یوسف و رضا مستمع بررسی روند رشد موالید، ازدواج و طلاق در ایران، چالش‌ها و راهکارها، مرکز پژوهش‌ها، تهران، ۱۳۹۰.
۱۰. انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، مؤسسه باقری، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. انصاری، مرتضی، کتاب النکاح، جامع فقه اهل‌البیت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۲. البخاری، ابو عبدالله محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، دار احیاء الکتب العربی.
۱۳. بررسی آسیب‌های اجتماعی جوانان چالش‌ها و راهکارها، مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی.
۱۴. بولتن خبری تحولات جدید حقوق زنان و کودکان در گستره جهانی، کمیسیون حقوقی بشر اسلامی ایران، تهران.
۱۵. بیهقی، ابوبکر، احمدبن الحسین، سنن البیهقی، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۵۵ ق.
۱۶. پاک‌نژاد، سیدرضا، ازدواج در اسلام.
۱۷. جزیری، عبدالرحمن بن محمد، الفقه علی المذاهب الاربعه، دارابن‌الهیثم، طبعه جدیده، القاهرة، بی‌تا.



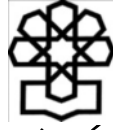
۱۸. جعفر مرتضى العاملى، الزواج الموقت فى الاسلام، المتعه، مطبعه الحكمة، الطبعة الاولى، قم ۱۳۹۷ قمرى.
۱۹. جعفرى لنگرودى، محمدجعفر، ترمينولوژى حقوق، كتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، تهران، بى تا.
۲۰. جوهرى، ابونصر اسماعيل بن حماد، صحاح اللغة.
۲۱. حاشية نهاية المحتاج.
۲۲. حر عاملى، محمد بن الحسن، وسايل الشيعه، المكتبة الاسلاميه، تهران، ۱۳۸۹ ق.
۲۳. الحكيم، سيدمحسن، مستمسك العروه الوثقى، منشورات مكتبة آيت الله العظمى المرعشى النجفى، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. حلى، ابوالقاسم نجم الدين جعفر، [المحقق]، نكت النهاية، جامع فقه اهل البيت، لوح مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.
۲۵. حلى، ابوالقاسم نجم الدين جعفر [المحقق]، شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، دار الاضواء، بيروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. حلى، حسن بن يوسف، [علامه] قواعد الاحكام فى مسائل الحلال و الحرام. جامع فقه اهل البيت، لوح مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.
۲۷. خمينى، سيدروح الله، تحرير الوسيلة، مؤسسه النشر الاسلامى، التابعة لجماعة المدرسين، قم، بى تا.
۲۸. خمينى، سيد روح الله، كتاب البيع.
۲۹. خويى، سيدابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، المطبعة العلمية، چاپ پنجم، قم، ۱۳۹۴ ق.
۳۰. خويى، سيدابوالقاسم، المسائل المنتخبة، مدينة العلم، قم، چاپ پانزدهم، ۱۴۱۲ ق.
۳۱. خويى، سيدابوالقاسم، مصباح الفقاهة جامع فقه اهل البيت، لوح مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.
۳۲. خويى، سيد محمدتقى، مستند العروة.
۳۳. دايرة المعارف فارسى، شركت سهامى كتابهاى جيبى، تهران، ۱۳۷۴.
۳۴. رساله توضيح المسائل مطابق با فتاوى مراجع معظم تقليد، نشر تفكر، چاپ اول، قم، ۱۳۷۲.
۳۵. زهلى، وهبة، قضايا الفقه و الفكر المعاصر، دمشق، دارالفكر، ۱۴۲۸ ق.
۳۶. سادات منصورى، محمد، آسيب شناسى حجاب و عفاف در ايران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگى، سال ۱۳۸۷.
۳۷. شريفى، سيدحسن، ازدواج موقت و چالشها، مؤسسه بوستان كتاب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۵.
۳۸. شعراوى، محمد متولى، احكام الاسرة و البيت المسلم، بيروت، المكتبة المصرية، ۴۲۲ ق.
۳۹. شهيد اول، محمد بن مكى، القواعد و الفوائد، مكتبة المفيد، قم.
۴۰. شهيد ثانى، زين الدين بن على، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، مجمع الفكر الاسلامى، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۶ ق.
۴۱. شهيد ثانى، زين الدين بن على، مسالك الافهام، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم، ۱۳۷۱.
۴۲. صادقى، رسول و ديگران، واكاوى مسئله ازدواج و اعتبارسنجى يك راه حل، مجله پژوهش زنان، مركز مطالعات و تحقيقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۵، شماره ۱، ۱۳۸۶.
۴۳. صادقى، محمد، اهل تسنن و ازدواج مسيار، فصلنامه علمى - پژوهشى شورای فرهنگى اجتماعى زنان، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۷.
۴۴. صدوق، ابوجعفر محمدبن على، من لا يحضره الفقيه، دار الكتب الاسلاميه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۰ ق.
۴۵. طباطبايى، سيدعلى بن محمد، رياض المسائل فى بيان الاحكام بالدلائل، مؤسسه آل بيت، ۱۴۰۴ ق.
۴۶. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، قم، بى تا.

۴۷. طبرسی، شیخ ابی علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصرخسرو، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵.
۴۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية، مطبعة الآداب.
۴۹. طوسی، محمدبن حسن، النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی، انتشارات قدس محمدی، قم.
۵۰. طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، قم، ۱۴۰۷.
۵۱. علم الهدی، المرتضی علی بن الحسین، الانتصار، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۵.
۵۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۷.
۵۳. فخرالمحققین محمد بن الحسن بن یوسف، ایضاح الفوائد، فی شرح اشکالات القواعد، جامع فقه اهل البيت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۵۴. فکیکی، توفیق، المتعة و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، دار الاضواء، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۵۵. فیض الاسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه امام علی (ع)، بی تا.
۵۶. قانون مدنی، مصوب ۱۳۱۳.
۵۷. قائمی، علی، تشکیل خانواده در اسلام، مرکز انتشارات دار التبلیغ اسلامی، قم، بی تا.
۵۸. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر دادگستر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۰.
۵۹. کریمی، شیوا، جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی، فصلنامه بانوان شیعه، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۷.
۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۳.
۶۱. کاشانی، ملامحسن، الوافی، جامع فقه اهل البيت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۶۲. کاشانی، ملامحسن، مفاتیح شرایع، جامع فقه اهل البيت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۶۳. کرکی، جامع المقاصد، فی شرح القواعد، جامع فقه اهل البيت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۶۴. لويس معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، دار المشرق، بیروت، چاپ بیست و یکم.
۶۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، منشورات المكتبة الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۸ ق.
۶۶. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۶۷. مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، چاپ نهم، ۱۳۵۹.
۶۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۱.
۶۹. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، احکام النساء، جامع فقه اهل البيت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۷۰. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، المقنعة، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۰ ق.
۷۱. منتظری، حسینعلی، رساله توضیح المسائل، نشر سرایی، چاپ بیست و دوم، تهران، ۱۳۸۶.
۷۲. مؤمن، محمد، کلمات سدیة، جامع فقه اهل البيت، لوح مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۷۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۵.
۷۴. نراقی، احمد، مستند الشیعه، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۹ ق.
۷۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۵ ق.



۷۶. الوردانی، صالح، زواج المتعة حلال في الكتاب و السنة، كنوز النشر و التوزيع، مصر، قاهره، بی تا.
۷۷. هادی، اسماعیل، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، دفتر نشر فرهنگ، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷.
۷۸. هندی، كنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

79. <http://ali70.com/tag/%D9%85%D8%AD%D8%A7%DA%A9%D9%85%D9%87/feed>.
80. <http://ezdevajeasan12.blogfa.com/cat-6.aspx>.
81. <http://flood.blogfa.com/post-17.aspx>.
82. <http://gallery.yard.ir/post/1429>.
83. <http://globalist.blogfa.com/post-121.aspx>.
84. <http://globalist.blogfa.com/post-121.aspx>.
85. <http://hafrin.sara.org/?p=851>.
86. <http://kazhealth.blogfa.com/post-305.aspx>.
87. <http://khabarnekar.blogfa.com/post-1510.aspx>.
88. <http://khabrkhooneh.com/fa-IR/story/19148>.
89. <http://khabrkhooneh.com/fa-IR/story/19148>.
90. <http://makarem.ir/wbsites/farsi/Iessons/?Qid=1717&gro=23>.
91. <http://movaghat90.persianblog.ir/tag>.
92. <http://movaghat90.persianblog.ir/post/14>.
93. <http://news.police.ir/ncms/fullstory?id=217276>.
94. <http://shirazna.ir/news/3146>.
95. <http://www.ghalamha.minanblog.com>.
96. <http://www.husseinalsader.com/inp/view.asp?ID=1678>.
97. <http://www.iranpress.ir/iranwomen/template1/News.aspx?NID=2746>.
98. <http://www.jahannews.com/vdebagb8grhbfp.uiur.html>.
99. <http://www.mtb.ir/index.php/ahkam/esteftahat>.
100. <http://www.qatarshares.com/vb/showthread.php?t=183181>.
101. www.Tebyan.net.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۷۱۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ازدواج موقت و تأثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه عمومی)

تهیه و تدوین: حجت‌السلام بهرام شجاعی

ناظر علمی: حجت‌السلام جلیل محبی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. رابطه جنسی آزاد

۲. رابطه جنسی مقید

۳. ازدواج دائم

۴. ازدواج موقت



تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۳/۱۹